

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی

دوره چهارم - اجلاسیه سوم

۱۳۷۳ - ۱۳۷۴

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی چهارشنبه سیزدهم مهرماه ۱۳۷۳

فهرست مندرجات :

- ۱- اعلام رسمیت و دستور جلسه .
- ۲- تلاوت آیاتی از کلام الله مجید .
- ۳- بیانات ریاست محترم جمهوری در خصوص معرفی آقای محمدرضا نعمت‌زاده بعنوان وزیر صنایع و رأی اعتماد نمایندگان محترم مجلس به ایشان.
- ۴- اعلام رسمیت و دستور جلسه .
- ۵- تذکر آیین‌نامه‌ای آقای علی یوسف‌پور نماینده محترم اردل .
- ۶- اعلام وصول یک فقره لایحه .
- ۷- اسامی غائبین و تأخیرکنندگان .
- ۸- اعلام ختم جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده .
- ۴- تشکیک عده‌ای از نمایندگان در خصوص تصویب کلیات طرح الحاق یک بند به تبصره (۵۵) قانون بودجه سال (۷۳) و تصویب مجدد آن .

جلسه ساعت هشت و بیست و دو دقیقه به ریاست آقای حسن روحانی «نایب‌رئیس» رسمیت یافت

ونخرج له يوم القيمة كتاباً يلقيه منشوراً* اقرا كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً* من اهتدى فانما يهتدى لنفسه ومن ضل فانما يضل عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث رسولاً*
(صدق الله العلي العظيم - حضار صلوات فرستادند)

۳- بیانات ریاست محترم جمهوری در خصوص معرفی آقای محمدرضا نعمت‌زاده بعنوان وزیر صنایع و رأی اعتماد نمایندگان محترم مجلس به ایشان

نایب‌رئیس- البته ما امروز همانطوری که می‌دانید نطق قبل از دستور نداریم و اولین دستور ما بحث راجع به رأی اعتماد نسبت به وزیر محترم صنایع خواهد بود.

از ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دعوت می‌کنیم تا مطالب‌شان را نسبت به معرفی وزیر محترم صنایع برای نمایندگان محترم مجلس ایراد بفرمایند. حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی (ریاست محترم جمهوری)-
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والسلام على رسول الله وآله (حضار صلوات فرستادند)
بالاخره با تصمیم مجلس شورای اسلامی دو وزارتخانه صنایع سنگین و صنایع ادغام شدند و ضرورت پیدا کرد که وزیر دو وزارتخانه ادغام شده به مجلس معرفی شود. گرچه نظر خودم این بود که در این دوره بخاطر کار فراوانی که صنایع دارند و همچنین نیازی که به حضور نیرومندتر مسؤولان صنایع در دولت بود، این دوره واگذاری و تثبیت شرایط صنعت را با دو وزیر بگذرانیم ولی در دولت هم که بحث شد اکثریت وزراء نظرشان این بود که اتخاذ سیاست واحد در این دو وزارتخانه می‌تواند بعضی از مشکلاتی که از کم شدن یک وزیر بوجود

۱- اعلام رسمیت و دستور جلسه

نایب‌رئیس- بسم الله الرحمن الرحيم
باحضور ۱۸۹ نفر جلسه رسمی است، دستور جلسه را قرائت بفرمایید.
منشی (با هنر)- بسم الله الرحمن الرحيم
دستور جلسه دویست و پنجاه و نهم روز چهارشنبه سیزدهم مهرماه ۱۳۷۳ مطابق با بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۴۱۵:

۱- بحث و بررسی در مورد رأی اعتماد به جناب آقای محمدرضا نعمت‌زاده بعنوان وزیر محترم صنایع .

۲- گزارش شور دوم کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس در خصوص لایحه اصلاح بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده (۸۰) و ماده (۸۶) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب اول شهریور ۱۳۶۶ .

۲- تلاوت آیاتی از کلام الله مجید

نایب‌رئیس- تلاوت کلام الله مجید .
(آیات زیر از سوره مبارکه اسری توسط قاری آقای محمدرضا پورزرگری تلاوت گردید)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم - بسم الله الرحمن الرحيم
ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم ويبشّر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا كبيرا* وان الذين لا يؤمنون بالآخرة اعتدنا لهم عذابا اليما* ويدع الانسان بالشردعاءه بالخير وكان الانسان عجولا* وجعلنا الليل والنهار ايتين فمحونا اية الليل وجعلنا اية النهار مبصرة* لتبتغوا فضلا من ربكم ولتعلموا عدد السنين والحساب وكل شي فصلناه تفصيلا* وكل انسان الزمناه طائره في عنقه

و به روز است و من این مسأله را امروز در ادازه صنعت بسیار مهم می دانم. مخصوصاً در این جهت اگر وزیر جدیدی (که بعضی از آقایان هم اظهار تمایل کرده بودند) ما می خواستیم معرفی کنیم، با وسعت کار وعدم آشنایی و فاصله ای که افراد بیرون از کار با این مسأله داشتند، حتماً دوران قوت مضر می توانستیم داشته باشیم. در مجموع از نظرها مصلحت صنعت و وضع کلی کشور، ما را به این نتیجه رساند که ایشان را به مجلس معرفی کنیم. البته نمایندگان هم خودشان هر یکی برای خودشان نظری دارند و اطلاعاتی دارند و فکری دارند. من خواهش می کنم به این نکاتی که من اشاره کردم در بررسی مسأله مورد نظر آقایان و خانمها باشد و نهایتاً ما بتوانیم این چند سال را با وزیر نیرومند با پشتوانه ای از رأی قوی نمایندگان برای عبور از این مرحله و گذارها و اصلاح ساختارها و بخصوص در این دوره که واحدهای صنعتی ما چه آنهایی که در حال ساختن هستند و نیاز به پشتیبانی دارند و چه آنهایی که دارند کار می کنند و نیاز به پشتیبانی و رسیدگی دارند که بتوانند تولیدشان را به نقطه مطلوب خود برسانند و وزیر با قدرتی برخوردار باشند که مصلحت همه نظام است. تجربه گذشته ما در مورد آراء نمایندگان همیشه همین بوده که این مصالح را در نظر می گیرند و با توجه به این سابقه، من انتظار دارم این بحث بخوبی از مجلس امروز عبور کند.

دیگر وقت بیشتر را نمی گیرم، اگر آقایان هم نظراتی داشته باشند طبعاً مطرح می کنند و جناب نعمت زاده خودشان هستند برای توضیحاتی که آقایان لازم دارند. والسلام علیکم ورحمة الله (حضار صلوات فرستادند)

نایب رئیس - خیلی متشکر، از ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی تشکر می کنیم. برای ایشان و هیأت وزیران و سایر کار گزاران آرزوی توفیق بیشتر را داریم. اولین مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (باهر) - آقای یوسف پور بفرمایید.

علی یوسف پور - بسم الله الرحمن الرحیم و به تسمتین

بنده در میان بحث هایی که در مورد وزارت صنایع است و وزیر محترم جدید، چون مطالب زیاد است و گسترده، فقط به بحث سیمان می پردازم، بقیه مطالب را بعهده برادران دیگر مخالف می گذاریم. ابتدا به بحث تولید سیمان در برنامه اول می پردازم و بعد هم به مسائلی که راجع به قیمت گذاری سیمان در ماه های اخیر پیش آمده می پردازم.

پروژه های سیمان کشور در برنامه اول عمدتاً دچار ضعف مدیریت و از هم گسیختگی در سیاست گذاری و اجراء بوده اند. در حالیکه در سال اول برنامه، طبق سوابق وزارت صنایع گفته شده که با احداث (۲۰) کارخانه سیمان در دست اجراء ظرفیت سیمان کشور به (۳۵) میلیون تن در سال خواهد رسید. تنها یک پروژه کوچک (۵۰۰) تنی آبا در برنامه اول به بهره برداری می رسد و آقایان اکنون هدف (۳۵) میلیون تن را به پایان برنامه دوم منتقل نموده اند. ما کارخانجات سیمانی داریم که متأسفانه (۲۰) سال است که در حال اجراء است و شاید به بهره برداری نرسد مانند سیمان خاش و می بینیم که در احداث کارخانجات سیمان که از کارهای زیربنایی کشور بوده متأسفانه در برنامه اول ما موفقیت چندانی در به تولید رساندن آنها نداشتیم.

از آن طرف، هم اکنون نزدیک به (۴۵) فقره موافقت اصولی سیمان وجود دارد که (۲۳) فقره آن در برنامه اول وجود داشته و (۲۲) فقره آن در طول برنامه اول صادر شده است که تنها یکی از آنها به بهره برداری رسیده، با وجودی که ارزش زیادی هم داشتیم.

اما من خدمت همکاران عزیز که در هفته های گذشته با جلسات غیر علنی به مسائل گرانی پرداختند و یکی از مسائل هم مسأله سیمان بود و وزیر محترم صنایع هم آمدند جواب دادند، رقیتم ریشه یابی کردیم و مدارک و مطالبی راجع به این مطلب من در می آورم که ببینید چه کسانی واقعاً دست به این آشفته بازار کالاهایی مثل سیمان و فولاد و لاستیک و شکر و روغن می زنند.

همه می دانیم حتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی که اقتصادشان آزاد است (به قول خودشان)، برای اینکه قیمت یک کالا را گران کنند چندین ماه در پارلمان شان، در شورای اقتصادشان، در جاهای مختلف بحث می کنند بعد قیمت یک کالا بالا می رود. ولی ببینید در وزارتخانه های ما با یک فاکس فوری، قیمت اجناس گران میشود یا زیاد میشود.

ما سوابق سیمان را عرض می کنیم:

می آید جبران کند و هماهنگی، آثار مثبتی دارد لذا ما مخالفتی با تصویب این ادغام نداشتیم، گرچه برخلاف نظر شخصی من بود.

بهرحال ان شاء الله این تصمیم مبارکی باشد، مطمئناً آینده صنعت را بهتر می تواند تأمین کند بخاطر هماهنگی که خواهد بود و بخصوص در این دوره که فعلاً برای صنایع غیر سنگین میشود از صنایع سنگین (صنایع ماشین سازی عمدتاً) استفاده بیشتری کرد. شاید آقای نعمت زاده موفق بشوند در این مرحله کار بیشتری را به صنایع سنگین واگذار کنند. البته قطعاً ما مواجه با یک مقدار رکود در بعضی قسمتها ممکن است باشیم که اینجا باید با حمایت دولت و مجلس نگذاریم که در این بخش مشکلی بوجود بیاید. همانطور که شماسی دانید مسأله مهمی که الان در جریان است اصلاح ساختار و واگذاری کارخانجات است. اگر بنا باشد با همین حجم سنگین کارخانجات که مسؤلیت اجرایی آن هم تا حدود زیادی الان بعهده وزیر است کار ادامه پیدا کند خیلی کار سنگین است. خیلی از مسأله سیاستمداری و سیاستگذاری فراتر است. این همه کارخانه بزرگ و کوچک که هر روز هم مسأله خاص خودشان را هر یکی دارند و درست در موقعی است که ما داریم اصلاح ساختار می کنیم. چند سال پیش اکثر این کارخانه ها قابل واگذاری نبودند، همه زیانهای انباشته داشتند و قیمت گذاری نمی شد کرد. وقتی که قیمت می خواستیم بگذاریم علاوه بر اینکه موجودی های شان را باید می دادند، یک چیزی هم کسری آوردند. حالا قسمت عمده اینها دیگر این شرایط را دارند که با سودی وارد بورس بشوند و بر محور سود بتوانیم قیمت مناسبی را داشته باشیم. همین حالا که واگذاری میشود، بحث عمده این است که این مبالغی که بدست می آید چگونه مصرف شود و به کجا پرداخت شود. اولویتها به طرحهای نیمه تمام داده شده و حلقه های مفقوده ای که در بین صنعت ما هست که ممکن است سرمایه گذاری را دیگران نیابند و باید خود متولی صنعت این کار را انجام بدهد، به اضافه اصلاح ساختار که زمینه ساز واگذاری و اصلاح ساختار کلی اقتصاد است. بهرحال کار واقعاً دشوار و سنگینی برای وزیر الان وجود دارد که قطعاً پشتیبانی را لازم دارد و حمایت مجلس و نمایندگان محترم می تواند کار ساز باشد بخصوص رأی قوی که برای وزیر پشتوانه روحی میشود.

برای انتخاب وزیر جدید سه راه برای ما وجود داشت، دوتایش انتخاب یکی از دو وزیر و سومی هم فرد ثالث. در این فاصله، هم خودم فکر کردم و هم مشورت کردم از نظر خود من هر دو وزیر موجود موفق و دلسوز و صالح و امین بودند و هستند. واقعاً برای انتخاب یکی از این دو نفر بطور رأی شخصی دچار تردید جدی بودم. هر یک از آنها مزایایی داشتند که حالا من نمی خواهم چون مسائل شخصی آنهاست وارد این بحث بشوم که تأثیری روی کار می توانست داشته باشد. نقطه ای که می چرباند فکر من را به طرف وزیر صنایع، گستردگی بیشتر قلمرو وزارت صنایع بود که خیلی حجم کار تفاوت دارد با وزارت صنایع سنگین و مشکلی که یک دفعه وزیر دیگری که وارد نیست و این همه صنایع کوچک و بزرگ و دهها شهرک صنعتی که هر یک مسائل خودشان را دارند و هرواحدی هم مسأله خودش را دارد، یک مقدار نگرانی پیش می آورد که به اینها آسیب وارد شود. صنایع سنگین هم بخاطر اهمیتی که دارد در زیر بنای صنعت ما و اقتصاد ما آن هم باز جدا شدن از وزیر که برای آنها برنامه ریزی کرده بود یک مقدار مایه نگرانی بود. بهرحال من وقتی که در فکر و بررسی نتوانستم بر تردیدم فائق بیایم به مشورت پرداختم. نتیجه مشورت این شد که امروز در خدمت مجلس است. هم با وزرای ما در کابینه و هم بیرون کابینه با دوستانمان مشورت کردیم به این نقطه رسیدیم. این هیچ چیز از صلاحیت و شخصیت آقای نژادحسینیان که واقعاً انسان فعال، دلسوز، امین، پرکار و از مدیران لایق کشور است کم نمی کند ولی بهرحال نتیجه مشورت به اینجا رسید و من دیدم بعد از آنکه خودم در بین دو وزیر حالت مساوی دارم از عامل دیگر انتخاب که یک عامل هم عقلانی است و هم عامل شرعی است یعنی مشورت استفاده کردم و قرعه به نام جناب مهندس نعمت زاده افتاد. بنده از کار ایشان با همه جهاتش را که در نظرمی گیرم راضی هستم. یکی از ویژگیهایی که ایشان دارد و به درد این دوره خیلی خوب می خورد این است که خیلی مسلط و مطلع بر وضع همه واحدهای تحت پوشش خودش هست. نشده در یک جلسه ای (کم اتفاق افتاده) که مسأله ای در مورد یک واحد اتفاق بیفتد و ایشان موقوف بکند به مطالعه بعدی و نداند. ایشان اطلاعات همراه دارد

تا تاریخ ۴/۲۴ قیمت سیمان به این ترتیب بوده که من خدمت برادران عرض می‌کنم که هم مدارک از وزارت صنایع است و هم از سازمان حمایت از مصرف کننده. ببینید! «احتراماً پیرو جلسه مورخ ۷۳/۴/۲۴ در وزارت صنایع به اطلاع می‌رساند که قیمت فروش سیمان فله کلیه کارخانجات سیمان کشور به شرح جدول پیوست مکاشف یافت و براساس قیمت‌های جدید اعلام شده، قیمت فروش سیمان فله از تاریخ ۷۳/۴/۲۶ تا اطلاع ثانوی معادل (۳۶) هزار ریال جهت کلیه خریداران اعم از دولتی و مردمی و همچنین عاملین فروش تعیین گردیده است.»

این حالا قیمتی است که در ۴/۲۴ انجام شده و توسط یکی از مدیران عامل ابلاغ شده.

اینجا گزارش سازمان حمایت از مصرف کننده است که ما ببینیم چه کسی عامل گرانی سیمان بوده که من خلاصه آنرا می‌خوانم:

تا ۴/۲۴ سازمان مصرف کننده اعلام می‌کند که ماهیچه‌گونه مشکلی در رابطه با سیمان نداریم فقط بعضی از مناطق هستند که مشکلات جزئی راجع به تعیین نرخهای منطقه‌ای دارند.

باز در همین تاریخ افزایش عمومی نرخ سیمان در سطح کارخانجات کشور با حضور نماینده این سازمان در جلسه مورخ ۷۳/۴/۱۴، مدیران عامل و اعضای حاضر کمیسیون منتخب شورای اقتصاد طرح و طی آن به لحاظ عدم ضرورت و تعادل نرخ در اکثریت کارخانجات کشور... (توجه بفرمایید! تا ۴/۱۴ یا ۴/۲۴ تعادل نرخ سیمان در اکثر کارخانجات کشور وجود داشته) افزایش قیمت سیمان مورد تصویب حاضران قرار نگرفته. (اینجا حالا برمی‌گردیم به مدیریت جناب آقای نعمت زاده) بعد از مدتی از تاریخ فوق‌متأسفانه ناهماهنگیهای زیر در توزیع و قیمت سیمان بوجود آمده است. در استان گیلان از خروج سیمان تولیدی در دو کارخانه جلوگیری بعمل آمده، بدیهی است در این صورت فشار تقاضا بر دیگر کارخانجات کشور افزایش می‌یابد. سیمان اصفهان رأساً اقدام به افزایش نرخ سیمان کرده است، سیمان آبیگ، علی‌رغم ابلاغ کتبی این سازمان (یعنی سازمان حمایت از مصرف کننده) مبنی بر خودداری از افزایش قیمت یا با تأیید و ابلاغ وزارت صنایع نسبت به افزایش قیمت اقدام نموده است. یکی دیگر حواله‌های مربوط به توزیع سیمان نیازهای مردمی که از طریق واحدهای مصالح فروشی در سطح شهر توزیع می‌گردیده، روند کندتری یافته است. برخی از ارگانها با داشتن امکانات خاص نسبت به تحویل سیمان در سطح قابل توجه و عرضه آن با نرخی بالاتر از ۲ برابر بازار یعنی بعضی از ارگانها متأسفانه سیمان را می‌گرفتند با نرخ دولتی و تا (۳) هزار تومان اضافه بر نرخ می‌فروختند در بازار آزاد و در کنار موارد فوق، توقف محدود تولید (که برای تعمیرات کارخانه بوده) که عقل حکم می‌کند که تعمیرات کارخانه معمولاً در زمستان انجام بشود. طرح موضوع افزایش قیمت در جلسات متعددی روند متعارف توزیع و فروش را با احتیاط بیشتری توأم کرده است. این قضیه است ببینید یعنی در جلسات نرخ بتصویب نرسیده است، اما ببینید که وزارت محترم صنایع چکار کرده‌اند؟ در تاریخ ۷۳/۶/۸ یعنی اولین روز هفته دولت بایک فاکس... کشورهای اروپایی بعد از چندماه مذاکره قیمت را بالا می‌برند ولی در اینجا با یک فاکس فوری قیمت بالا می‌رود. بازگشت به نامه شماره ۵۶ مورخ ۷۳/۵/۴ در ارتباط با تعدیل نرخ فروش سیمان، بدینوسیله با پیشنهاد آن کارخانه مبنی بر افزایش مبلغ (۱۰) هزار ریال به قسمت پایه سیمان از این تاریخ موافقت میگردد (۷۳/۶/۸) پایان هفته دولت، (این یک قضیه) ببینید با فاکس، حالا این راجه کسی امضاء کرده است؟ یکی از مدیرکل‌ها، بعد دوبار یکی از معاونین وزیر محترم به کلیه سیمانهای کشور در تاریخ ۷۳/۶/۱۶ یعنی ۸ روز بعد ابلاغ می‌کند: نظر به اختلاف نرخ فروش سیمان آن واحد در بازار آزاد و بمنظور اجرای سریع مصوبه شماره ۳۴/۱۳۸۶ مورخ ۷۱/۹/۷ شورای محترم اقتصاد، من خلاصه آن را می‌خوانم:

مدیران کارخانجات تارسیدن به نرخ تعادلی ضمن نظارت مستمر و مضاعف بر توزیع سیمان، نسبت به عاملین و خریداران خود راهمراه میزان تحویلی طبق فرم درخواستی وزارت بازرگانی جهت کنترل توزیع به آن وزارتخانه سریعاً منعکس نمایند. حالا بند دوم آن مهم است. با توجه به فصل مصرف سیمان و افزایش تقاضا، از این تاریخ تا اطلاع ثانوی نرخ جدید فروش سیمان آن شرکت به مبلغ (۶۵) هزار ریال برای هر یک تن سیمان فله تعیین و جهت اقدام اعلام

میگردد. یعنی (۸) روز قبل مدیرکل فاکس فرستاده، (۸) روز بعدش دوباره معاون، یعنی ظاهراً اینها خبر دارند نیستند از کار همدیگر، بعد دوباره یک مدیرعامل دیگر در تاریخ ۷۳/۴/۱۱ نرخ فروش هر تن سیمان را به اینصورت اعلام کرده، که سیمان تیپ فله (۲) (۴۷۰۰) تومان، انواع سیمان را نوشته (۵۰۰۰) تومان که در برگ فروش درج و از خریداران دریافت گردد. این مربوط به ۷۳/۴/۷ است یعنی مربوط به قبل از گرانی است. حالا ببینید، این نامه‌ای است که خودسازمان حمایت از مصرف کننده اعلام کرده که اینها بدون هماهنگی مابوده وزارت صنایع رأساً اینکار را کرده، نرخهای اینها اینجوری است، حالا یکدانه از آن کفایت می‌کند چون همه کارخانجات کشور را نوشته، من یکی یا دوتا از آنها را می‌خوانم. تهران، قبل از نوسانات قیمت فروش کارخانه (۲۵۰۰) تومان بعد از فروش (۴۰۲۵) تومان بعد قیمت آزاد، (۳۵۰۰) تومان قیمت بعد از افزایش (۶۵۰۰) تومان که تا (۱۵۰۰۰) تومان و (۱۶۰۰۰) تومان هم در بازار سیاه رسیده و همکاران محترم هم در شهرهایشان خبردار هستند. بعد سیمان سپاهان، قبل از افزایش کارخانه (۲۴۰۰) تومان، بعد از افزایش (۳۴۰۰) تومان، این افزایش قبلی بوده، بعد شده (۶۰۰۰) تومان که در بازار آزاد و سیاه شده تا (۱۵۰۰۰) تومان. خوب ببینند دوباره در تاریخ ۷۳/۶/۱۶ با همان شماره همین معاون به کارخانه آبیگ اعلام می‌کند (۶۵۰۰) تومان، به کارخانه سیمان تهران می‌گوید آقا فروش سیمان ۷۵۰۰ تومان، اینهم مدارکش هست این (۷۵۰۰) تومان، حالا اگر آن مادرمرده‌هایی که این مدارک را به ما داده‌اند تا غروب پرکنار نشوند خوب است. بعد دوباره باز در همان تاریخ ۷۳/۶/۱۶ با همان شماره سیمان تهران اعلام میشود (۶۹۰۰) تومان. ببینید! این قدر ناهماهنگی زیاد است که یک نامه در ۷۳/۶/۱۶ با یک شماره و با امضای یک نفر به شرکت سهامی سیمان تهران دوتا نرخ میدهد، (۶۹۰۰) تومان و (۷۵۰۰) تومان. حالا دیگر از این مدارک تا شما بخواهید اینجا متأسفانه هست و این مسأله هم از اعتقاد شخص جناب آقای نعمت‌زاده سرچشمه میگردد. ما در کمیسیون بازرگانی که ایشان حضور داشتند و سؤال کردیم، ایشان معتقدند که باید دنبال بازار آزاد دوید. خوب حالا چه جوری دنبال بازار آزاد می‌دوند؟ کارخانجات سیمان می‌آیند یک مدتی تولید سیمان را متوقف می‌کنند، نرخ در بازار آزاد بالا می‌رود، فروش را هم کم می‌کنند، بعد وقتی نرخ رسید به (۱۵ - ۱۶) هزار تومان می‌فروشند. در این مدت هم افراد پولدار یا بعضی از ارگانهای دولتی آمدند حواله‌های (۱۰) هزار تنی، (۵) هزار تنی فروخته‌اند، خوب شما ببینید در این وسط چه کسانی پولدار می‌شوند؟

آیا بزرگترین متضرر خود دولت نیست که باید طرحهای عمرانی را انجام بدهد؟ آیا شهرداریهای ما نیستند که باید طرحهای عمرانی‌اش متوقف بشود؟ خوب این چه نرخ گذاری است که بعد از صحبت‌های مقام معظم رهبری که گفتند بعضی از گرانی‌ها اجتناب‌پذیر است، همان زمان آقایان در اثر بی‌سیاستی و متأسفانه بدون فکر می‌آیند این بخشنامه را انجام میدهند آنهم با فاکسهای فوری و در افراد متفاوت و در یکروز قضایای متفاوت! من بنظم مجلس محترم و نمایندگان محترم برای اینکه حداقل با یکی از این افرادی که باعث و بانی گرانی‌های اخیر بوده‌اند، این گرانی‌های جهشی! برخورد بشود، از شما همکاران عزیز تقاضا داریم که اولین برخورد را با جناب آقای نعمت‌زاده انجام بدهید که اینقدر دنبال بازار نخواهند بروند و یک مقداری هم بفکر این مردم مستضعف و بیچاره که می‌خواهند با (۲۵۰) هزار تومان، (۵۰۰) هزار تومان اگر به آنها وام بدهند یک خانه بسازند، در شهر و در روستا، چه جوری می‌توانند یک مشت سیمان یعنی یک کیلوسیمان را که می‌شود (۱۶) تومان بخرند؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نایب رئیس - اولین موافق را دعوت بفرمائید.

منشی (با هنر) - اولین موافق، آقای ساداتیان بفرمائید.

مید جلال ساداتیان - بسم الله الرحمن الرحيم

دلایلی که بنده می‌خواهم یا استناد به آن دلایل در موافقت با جناب آقای مهندس نعمت‌زاده صحبت بکنم این چند نکته‌ای است که خدمت همکاران گرامی عرضه میدارم.

اولا اگر به زندگی‌نامه ایشان مراجعه بکنیم، می‌بینیم که از ابتدای استمرار در صنعت داشته‌اند. تخصص خود ایشان مهندسی است و در کار مدیریت صنعتی این استمرار را حفظ کرده‌اند.

ثانیاً سخت کوشی ایشان و تلاش ایشان برای پیشبرد صنعت است. نکته دیگری که باید روی آن تأکید کرد حضور ذهن ایشان نسبت به صنعت و ریزه کاریهای صنعت است. اگر در یکی از نمایشگاهها شما به اتفاق ایشان حرکت بکنید می بینید که راجع به تک تک غرفه ها و تک تک صنایع، حتی از مسؤول غرفه هم زیباتر و مسلط تر توضیح میدهند و این تسلط، خودش برای پیشبرد امر صنعت در کشور بسیار مؤثر است.

نکته دیگر اعتقاد جدی ایشان بر امر سرمایه گذاری در صنعت و ایجاد اشتغال و اشتغال مولد است که از (۸۰۰) میلیارد تومان سرمایه گذاری صنعتی در برنامه پنجساله اول که تصدی عمده این دوران را ایشان در امر صنعت داشته، بیش از (۷۰) درصدش متعلق به وزارت صنایع و امر صنعت بوده و عمدتاً هم در برنامه پنجساله اول بر اساس آمار و ارقامی که ارائه کرده اند رشد صنعت متعلق به این وزارتخانه است.

اصولاً وظیفه ای که بعهده وزارت صنایع بوده، تولید کالاهای مصرفی است مثل: سیمان و پارچه و روغن نباتی و بسیاری از کالاهای بهداشتی، تلویزیون و خیلی از کالاهای دیگر، با این حال می بینیم که بیش از (۵۰٪) ارزشخصیصی در برنامه اول معطوف به امر سرمایه گذاری برای کالاهای تولیدی و سرمایه ای شده است. تلاشی که برای ایجاد شهرکهای صنعتی داشته اند و همتی که در پیشبرد امور داشته اند... مخالف محترم اشاره ای به نابسامانی امر صنعت سیمان کرده اند، من میخواهم عرض بکنم خدمت ایشان که شما (۲۰) سال گذشته صنعت سیمان را در نظر بگیرید و پیشرفتی که در پنجساله اخیر دانه به دانه سیمانهای کشور داشته را هم در نظر بگیرید. یک سیمان همگتان که در همدان هست را حداقل ما می توانیم بعنوان شاهد بگیریم که مشاهده کردیم و ناظر بر پیشرفت آن در مراحل مختلف ۲-۳ سال گذشته بوده ایم و اینها با ساخت کوشی و استمرار ایشان در بازدید و مراقبت و تسلطشان در امور مختلف صنعت، در جلسات مختلف و تشویق کسانی که و مدیرانی که دست اندر کار، کار بوده اند، بوده است. جناب آقای رئیس جمهور هم در صحبتهايشان باز روی همین اشاره فرمودند روی نکته هماهنگی که از این به بعد برای امر صنعت بوجود می آید، تأکید داشتند. البته به مسائل و مشکلاتی که در بخشی از قسمتها ممکن است داشته باشیم، رکودهایی که ممکن است داشته باشیم، که حالا ریشه یابی این رکودها یا صنعتی که در هر یک از بخشها داریم، اینها واقعاً چیزی نیست که ما بخواهیم متوجه یک وزیر بکنیم، عملکرد یک وزیر در حیطه کار خودش قاعدتاً باید مورد ارزیابی قرار بگیرد، آنچه که شخصی است و به مدیریت یک وزیر برمیگردد، قاعدتاً باید مورد توجه و عنایت قرار بگیرد، اما مسائل و مشکلاتی که صنعت کشور با آن روبرو هست را معطوف و مربوط به فقط یک وزیر نکنیم.

بحث مسأله سیمان یا افزایش قیمتی را که دارند مطرح می کنند و آشفته بازاری که در صنعت سیمان بوجود آمده، این افزایش قیمت که خودش می رود به سمت اینکه پیشرفت فیزیکی کار صنایع سیمان را قوت ببخشد و آن پول در خدمت توسعه و رشد تولیدات قرار می گیرد، اگر اینکار نشود، این احتمال وجود داشت که وارد بازار سپاه بشود با قیمتهای جهانی و با وضعیتی که وجود داشت و اشکالات بیشتری را در بازار ایجاد بکند و بعد می بینیم که با تصویب شورای محترم اقتصاد این امر صورت می گیرد. این را واقعاً نیائیم به حساب یک وزیر و عملکرد یک وزیر بگذاریم. با توجه به اینکه در برنامه دوم ما می باید طرحهای نیمه تمام را تمام بکنیم، حالا اگر یک وزیر جدیدی بیاید...، البته این به مفهوم نفی ارزشهای افراد دیگر نیست ولی با تسلط و احاطه ای که ایشان الان بر امر این صنعت دارند، می توانند بخوبی صنایع ما را، طرحهای نیمه تمام را به اتمام برسانند و به جلو ببرند. مافکر می کنیم که حضور ایشان در امر صنعت و بخصوص استمراری که اول عرایضم عرض کردم از ابتدا در سطوح مختلف صنعت داشته اند، می تواند کمک بکند، می تواند مؤثر باشد که در برنامه دوم ان شاء الله بسیاری از طرحهایمان به نتیجه برسد، بسیاری از طرحهای نیمه تمام مان را تمام بکنیم و صنعت کشور را وارد یک شکوفائی و یک حرکت جدید بکنیم و لذا استدعای بنده این است که بانکاتی که خدمت همکاران عزیز عرض کردم، با رأی قوی و قاطع این فرصت را به ایشان بدهیم که بتوانند در خدمت کشور قرار بگیرند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نایب رئیس - متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمائید.

منشی (با هنر) - آقای مطهری بفرمائید.

علی مطهری - بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة لاهل التقوى واليقين والصلوة والسلام على رسول الله وآله آل الله .

درود و رحمت بیکران الهی به ارواح طیبه شهیدان، شهیدان همیشه شاهد تاریخ انقلاب اسلامی و سلام به روح ملکوتی امام راحل است (قدس سره الشریف) و آرزوی صحت و سلامت برای ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (حضار صلوات فرستادند) دام ظلّه.

بحث امروز مجلس پیرامون رأی اعتماد به وزیر محترم صنایع می باشد و این نکته برای همگان روشن است که دولت کریمه شخصیت برجسته نظام، رئیس جمهور محبوب حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی دامه برکاته، تاکنون خدمات شایسته و قابل توجهی در کشور انجام داده که جای تشکر و سپاس فراوان دارد و حقاً معظم له خود را وقف خدمت به نظام اسلامی کرده و آبروی خود را در راه نجات کشور در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم خداوند کرده است. اما برخی از نارسائیهای اقتصادی و ضعف مدیریت بعضی از مدیران، موجبات نارضایتی شدید طبقات محروم جامعه را فراهم کرده، به گونه ای که توان تحمل را از آنها سلب کرده است.

اینجانب بر حسب وظیفه شرعی و قانونی بعنوان مخالف رأی اعتماد به آقای مهندس نعمت زاده و بدور از حب و بغض شخصی و پرهیز از مسائل جناحی و سیاسی، مطالبی را به عرض نمایندگان محترم و امت شهیدپرور کشور می رسانم، امید است مورد رضای خداوند تبارک و تعالی قرار گیرد.

با عنایت به اینکه آقای مهندس نعمت زاده قبل از ادغام دو وزارتخانه مهم صنعتی (صنایع سنگین و صنایع) چند سال وزیر صنایع بوده اند، مواردی از ضعف مدیریت ایشان را در وزارت مذکور عرض خواهم کرد.

۱ - حدود ۷۰٪ ارزش افزوده بخش صنعت در دست وزارت صنایع بوده و در واقع سکان اصلی و هدایت اصلی صنعت کشور بدست وزارت صنایع بوده است. وقتی که عملکرد ایشان را در برنامه اول با خود برنامه مقایسه می کنیم، ضعف مدیریت بخوبی دیده میشود. در حالیکه در برنامه اول قرار بود صنایع مصرفی حدود ۴/۲٪ رشد داشته باشد، حدود (۱۴٪) رشد داشته است و در عوض صنایع واسطه ای که مواد اولیه کارخانجات را تأمین میکردند، بجای آنکه به اهداف برنامه دست یابند، زیرا اهداف عملکرد داشته اند، یعنی صنعت در برنامه اول هر چه بیشتر مصرفی شده است. ممکن است گفته شود که صنایع مصرفی اگر رشد نمی کرد، صادرات صنعتی انجام نمیشد، در حالیکه نه تنها صادرات صنعتی ما به اهداف برنامه نرسید، بلکه مقادیر بسیار زیادی، یعنی سیلیاردها دلار، بی هدف در صنایع مصرفی خرج شده بدون اینکه حاصلی داشته باشد.

۲ - به موجب آثاری که وزیر محترم کشاورزی داده اند، در برنامه اول فقط ۱/۵٪ امکانات ارزی و ریالی به صنایع تبدیلی تخصیص یافته است. شامدار نظر بگیرید، وقتی که ما تا این اندازه مزیت نسبی در بخش کشاورزی داریم، آیا درست است که اینقدر امکانات مان را در صنایع مصرفی بی حاصل مصرف کنیم و شده بدون برنامه بوده است. مثلاً برخی از کارخانجات کنسائتره آمیوه که بدلیل حسابهای غیرقانونی در حال حاضر هزاران دلار محصولات این کارخانجات مانده و خریدار ندارد، آیا واقعاً درست بوده است که ارزش کشور را جهت تولید شکلات داده و برای واردات کاکائو از ارز ارزان (۴۰) تومانی استفاده شود و اسمش را هم حمایت از تولید بگذارند؟ کجای دنیا اینطور پول بیت المال را بین اینگونه کارخانه دارهای دوست و آشنا قسمت می کنند و اسمش را هم حمایت از تولید می گذارند؟ در حالیکه کشور از نظر ارزی با مشکل مواجه بوده است.

۳ - درست است که در (۵) سال گذشته سهم صنعت در تولید ناخالص ملی چند درصدی رشد کرده، اما چگونه و به چه قیمتی؟ رشد مانده تسهیلات بانکی به بخش صنعت ۶۰٪ افزایش داشته، در حالیکه تسهیلات اعطائی به بخشهای دیگر اصلاً به نصف این رقم نمی رسد.

آقای مهندس نعمت زاده نشان دادند که در قبال اینهمه حمایت ریالی و ارزی نتوانستند یک صنعت اشتغالزا و ثروت ساز درست کنند، بلکه بیشتر به دایره وابستگی و مصرفی بودن صنعت افزوده اند.

۴ - در موافقت اصولی های بی حساب و کتاب و ایجاد ارزش کاذب در سرمایه گذاران با هدف گرفتن پول از آنها بابت صدور موافقت اصولی، کار به آنجا

نایب رئیس - متشکر، موافق بعد را دعوت بفرمائید.
منشی (با هنر) - آقای دری نجف‌آبادی موافق، بفرمائید.

قربانعلی دری نجف‌آبادی - بسم الله الرحمن الرحيم

بحث وزارت جناب آقای مهندس نعمت‌زاده برای وزارت صنایع جدید کشور، موضوع بحث مجلس شورای اسلامی است. البته مجلس محترم در حدود یک سال قبل رأی خوب و مناسبی را به جناب آقای مهندس نعمت‌زاده داده و چهره آقای مهندس نعمت‌زاده چهره شناخته شده‌ای است، حدس نمی‌زنم که در طول یک سال گذشته آقدر در کار و برنامه‌های ایشان خللی ایجاد شده باشد که خدای نکرده مجلس محترم از رأی قبلی‌اش پشیمان شده باشد. بنابراین، این نکته‌ای است که همه همکاران عزیز و گرامی من مستحضر هستند و به آن عنایت دارند.

در رابطه با جناب آقای نعمت‌زاده، سوابق ایشان واقعاً سوابق روشنی است، از قبل از انقلاب، در دوران انقلاب، در زمان شورای انقلاب و در زمان دولت‌های مختلفی که از مجلس شورای اسلامی دوره اول داشتیم تا این تاریخ... بنده از مجلس اول در رابطه با آقای نعمت‌زاده و بحث وزارت ایشان مثلاً برای صنایع و قبلاً در رابطه با وزارت کار با ایشان کاملاً آشنا بودم. ایشان وزیر کار بود. یعنی وزارت معادن و فلزات و وزارت صنایع سنگین و صنایع یک وزارتخانه بود. البته وزارت معادن و فلزات به عنوان وزیر مشاور بود، اما وزارتخانه‌ها تفکیک نشده بود، بعد دوتا وزارتخانه تفکیک شد. قبل از تفکیک مسؤلیت با ایشان بود و من حدس می‌زنم کاش بعد از تفکیک هم مسؤلیت ایشان ادامه می‌داشت، شاید شرایط ما امروز هم بهتر بود.

بعد در فواصلی که ایشان مسؤلیت نداشت در «ساصد» و بعد هم مسؤلیت توانیر، هم در صنایع نظامی و هم در تأمین برق کشور مسؤلیت داشت و کار عظیمی را در توانیر با آشنایی و آگاهی بسیار خوبی عهده‌دار بود. چه در صنایع دفاع و چه در توانیر و تأمین برق برای کشور، آنهم در شرایطی که جنگ بود، خاموشی بود، مشکلات بود و یکی از بخش‌های عمده ماسرمایه‌گذاری برای تأمین برق کشور بود. بعد هم نامبرده در دولت جناب آقای هاشمی از سال ۶۸ مجدداً با رأی مجلس به عنوان وزیر صنایع منصوب شدند که تا این تاریخ هم این مسؤلیت را با موفقیت و با همه نوساناتی که در جریان اقتصاد کشور بوده است انجام داده‌اند.

الان با توجه به مصوبه مجلس محترم نسبت به ادغام دو تا وزارتخانه، یکی وزارتخانه صنایع سنگین با وزارتخانه صنعتی که یک وزارتخانه بشود. پیدا است که یکی از جهاتی که مجلس محترم روی این مسأله تصمیم‌گیری کرد استراتژی روشن و تدوین خط‌مشی واحد برای بخش صنعت کشور بود.

آقای مهندس نعمت‌زاده وجداناً آشنائی کامل نسبت به مجموع صنعت کشور دارند. تجربه لازم، آشنائی لازم، اطلاع خوبی از کلیه واحدهای تحت پوشش‌شان... حتی از تحت پوشش وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دیگر هم اطلاعات روشنی در اختیار ایشان است. به هر کیفیت اگر ایشان در توانیر بوده، با صنعت مربوط بوده، در «ساصد» بوده، با صنعت مربوط بوده، در زمان شهید رجائی و آیت‌الله مهدوی‌کنی وزیر صنایع بوده با صنعت مربوط بوده، در زمان شورای انقلاب در وزارت کار بوده، با صنعت مربوط بوده. برای همه اینها هم خودش یک آدم صنعتی، دانشجوی صنعتی، متخصص صنعتی، مهندس صنعتی و اصلاً اهل کار و تجربه صنعتی بوده و هستند.

بنابراین ویژگی‌هایی که لازم است در این مرحله یک وزیری که واقعاً صنعت کشور را به طور کامل بشناسد، آشنائی و اطلاعات همه‌جانبه‌ای از صنعت کشور داشته باشد، همه مدیریتی‌ها را بشناسد، دستگاه‌های ذیربط هم نامبرده را بشناسند و بعد بتواند در این مرحله واقعاً ساختار صنعتی کشور را شکل بدهد و استراتژی صنعتی کشور را با توجه به برنامه دوم با موفقیت ان‌شاءالله به پیش ببرد و بتواند اهدافی که در برنامه دوم پیش‌بینی شده و بعد هم در برنامه کاری‌شان مورد توجه قرار گرفته به نتیجه خوبی برسانند. ما امیدواریم که ایشان بتوانند یک چهره موفق با رأی مجلس محترم باشند.

لذا کسی که واقعاً هم از نظر تعهد و سوابق و تجربه کاری، هم از نظر آشنائی و آگاهی اینقدر ریز و عمیق در همه زمینه‌ها اطلاعات لازم را دارند قطعاً می‌توانند یکی از مدیران موفق کشور در امر صنعت باشند.

من اینجا دو، سه نکته را عرض می‌کنم:

می‌رسد که صدها هکتار سوله در کشور ساخته شده و رها گردیده و اگر هم مواردی راه‌اندازی شده، همچنان بابت مواد اولیه و تکنولوژی فشار بیشتری بر ارز کشور وارد کرده‌اند. اکثر این کارخانجات پس از راه‌اندازی و انبوه‌دین و قرض، تازه متوجه شده‌اند که نمیتوانند با کارخانه‌دارهایی که سابقاً یا لاحقاً کارخانه‌شان را با ارز دولتی وارد کرده‌اند رقابت کنند. یا اساساً بازاری برای عرضه محصولات خود در داخل ندارند، چه برسد به اینکه صادرکننده هم باشند. بخش عمده‌ای از موافقت اصولی‌های داده شده یا در مرحله سوله و وام متوقف شده و اگر هم راه‌اندازی گردیده، گره‌ای از مشکلات کشور نگشوده و دایره وابستگی را افزایش داده است.

۵- آمار نشان می‌دهد (نمایندگان محترم دقت کنند) که به اندازه جمعیت چین توسط وزیر محترم صنایع موافقت اصولی ما کارونی داده شده، به استثنای چند واحد که تولیداتی دارند، اکثر این موافقت اصولی‌ها متوقف شده و ما کارونی ترکیه الان به حد وفور و ارزان بازارهای کشور را پر کرده است.

۶- آقای نعمت‌زاده تحت عنوان حمایت از صادرات صنعتی! صدها میلیون دلار ارز بنام ارز تنخواه صادراتی از سیستم بانکی گرفته‌اند و متعهد شده‌اند که این ارز را از محل صادرات به سیستم بانکی برگردانند ولی متأسفانه کارخانجات با روابط خاصی که برقرار کرده‌اند، این ارزها را حیف و میل کرده و اکنون وزارت صنایع که چندسال از اجرای تعهدش می‌گذرد، معتقد است که نباید سیستم بانکی آن ارز را که بنام تنخواه بوده مطالبه کند و در واقع این ارزها را در کنار ارزهای دیگر هدر داده‌اند.

۷- جناب آقای نعمت‌زاده برای نمایندگان محترم ملت و ملت توضیح دهند که مدیر سابق شرکت احداث صنعت، چه میزان اسوال بیت‌المال را حیف و میل کرد و گزارش بازرسی پیرامون عملکرد ایشان را روشن فرمایند.

۸- استفاده از بعضی از عناصر فاسد و سوء استفاده‌گر در تمام طول مدیریت ایشان امری عادی بوده است.

فردی را چندسال در سمت مدیریت کارخانه دخانیات ابقاء کرده‌اند که چندین میلیارد تومان سوء استفاده کرد و سپس از دستگیری توسط سربازان گمنام امام زمان (علیه‌السلام) آقای نعمت‌زاده حکم آن فرد را لغو می‌کنند متأسفانه الان هم به قید وثیقه آزاد شده است که مردم از این ماجرا بشدت نگران هستند.

۹- جناب آقای نعمت‌زاده روشن فرمایند چگونه دستور خرید (۲۰۲) دستگاه لودر دست دوم از سوئد با ارز رقابتی صادر فرموده‌اند و شرکت احداث صنعت طبق دستور شما اعتبارگشایش می‌کند و چندسال این لودرها در انبار میماند و حتی گویا به قیمت خرید هم مشتری پیدا نمی‌کند؟ اگر نیاز نبود چرا خریدید؟ و اگر نیاز بود چرا در انبار چندسال اینها را نگهداری کرده‌اید؟

۱۰- گرانی و نبود نظارت بر قیمت کالاهای اساسی که نمایندگان خود در جلسات غیر علنی شاهد بوده‌اند بدلیل عدم نظارت بر کارخانجات روغن و اینکه مواد دولتی سراز بازار آزاد درآورد، میلیاردها تومان افراد سودجو سوء استفاده کردند و فشار شدیدی بر مصرف‌کنندگان وارد شد.

آقای وزیر محترم صنایع باید طرفدار ثبات قیمت‌ها باشند، خودشان پیشنهاد افزایش لیجام گسیخته قیمت سیمان را به شورای اقتصاد میدهند و در کشور تنش ایجاد می‌کنند. چون وقتم در حال اتمام است این نکته را هم من یادآور بشوم که حدود (۷) ماه پیش من رونوشت یک نامه‌ای را راجع به یکی از معاونینشان خدمت ایشان فرستادم که آن فرد در پیاویون (فرودگاه) نظام جمهوری اسلامی همراهانی داشته که به مقدسات این نظام اهانت کرده‌اند، توهین کرده‌اند و به ولی امر مسلمین، آنجا صراحتاً اهانت شد و متأسفانه آنها همراهم معاون ایشان بودند و من نامه را فرستادم که متأسفانه تاکنون که (۷) ماه می‌گذرد، هنوز ایشان پاسخی نداده است و وقتی که من حضوراً با ایشان صحبت کردم که چرا جواب ندادید، ایشان جواب دادند که بلی من با حاج آقا مشورت کردم! واقعاً این دور از شأن یک وزیر نظام جمهوری اسلامی ایران است که یک چنین معاونی در وزارتخانه داشته باشد که آنهم در پیاویون (فرودگاه) نظام جمهوری اسلامی! اینگونه رفتار نکنند.

ان‌شاءالله نمایندگان محترم رضای خداوند را هنگام رأی در نظر بگیرند و آنچه را که به مصلحت کشور می‌باشد، تصمیم بگیرند که فردای قیامت در قبال عمل امروزان مورد سؤال واقع خواهیم شد. روزی که لایف‌میل و لایف‌میل ربنای تقبل منااتک انت السميع العليم. والسلام علیکم ورحمة الله

در رابطه با برنامه اول، برنامه اول حدود (۱۲٪) میانگین رشد داشته که تقریباً (۷۷٪) رشد بخش صنعت مربوط به وزارتخانه صنایع میشود. (۱۲٪) میانگین رشد بخش صنعت کشور طبق گزارشی که در اختیار نمایندگان محترم هست (۷۷٪) آن مربوط به بخش صنایع است که یعنی (۷۷٪) بخش صنعت در رابطه با وزارتخانه صنایع بوده و این (۱۲٪) که حدود (۸۰۰) میلیارد تومان سرمایه گذاری شده، بیش از (۲۲۰) هزار شغل ایجاد شده به هر کیفیت سهم عمده آن به وزارت صنایع مربوط میشود.

یک مسأله مهمی که از اول انقلاب همواره ما داشتیم والان باید ببینیم آیا در برنامه اول حتی این مسأله چقدر تحقق پیدا کرده است. این است که ما در زمینه خود کفایی و خود اتکایی و استقلال صنعتی در کشور چه قدمهایی برداشته ایم؟ آیا جناب نعمت زاده از این استراتژی، از این سیاست، از این هدف چقدر دفاع و پشتیبانی کرده و چقدر کشور توانسته در زمینه صنعت به خود کفایی و خود اتکایی برسد؟ چه در زمینه تأمین نیازهای داخلی کشور و قطع وابستگی به بیگانگان، چه در زمینه ایجاد زمینه ها برای صادرات کشور!

به نظرم در هر دو بعد هم موفقیت نسبی را باید بگوئیم این وزارتخانه و جناب آقای نعمت زاده داشته اند. هم در بخش خود کفایی داخلی، قطع واردات و قطع وابستگی به خارج تا حدود فراوانی موفق بوده اند. حالا در رشته های مختلف قابل توجه است، خود این نمایشگاهها و از جمله نمایشگاه بیستم هم کاملاً نشان می دهد که واقعا صنعت کشور متحول شده. نمایشگاههای تخصصی که می گذارند، فرضاً در رابطه با صنایع دستی یک نمایشگاه تخصصی برگزار میشود واقعا حمایت و سیاست ما را در زمینه صنایع دستی یا در زمینه صنعت فرش به خوبی روشن می کند که در این بخش به هر کیفیت ما توانسته ایم از آن وضع فلاکت با قبلی نجات پیدا کنیم و موفقیت های چشمگیری داشته باشیم.

در زمینه صنایع ساختمانی مجموع کاری که در زمینه صنایع ساختمانی شده واقعا قابل تقدیر است و آنچه در آغاز برنامه بوده و آنچه در پایان برنامه اتفاق افتاده قطعاً بیش از سه برابر است. یعنی این خودش مسأله بسیار مهمی است و شما عزیزان در نمایشگاههای مختلف یا در واحدهای گوناگون کشور به طور کامل می بینید که موفقیت در بخش مصالح ساختمانی، در بخش کاشی، در بخش چینی، در بخش ابزار و ادوات، در بخش قفل و ابزار آلات، در بخش انواع درها و پنجره ها و غیره... واقعا قدسهای بسیار با ارزشی در کشور برداشته شده و پیداست که این قدسها مستقیماً مربوط به وزارت صنایع نیست. مردم این کارها را می کنند، من هم به سهم خودم از مردم شریفان تقدیر و تشکر می کنم، اما باید یک سیاست گذاری، حمایت، استراتژی، پشتیبانی باشد تا این بخشها بتوانند فعال بشوند و بتوانند جهش پیدا کنند و قدسهای با ارزشی بردارند. حتی در بخش پوشاک و تولید پوشاک و صادرات پوشاک، یک واحد تولید پوشاک به من می گفت ما (۲۰) میلیون مارک در سال گذشته صادرات به آلمان داشتیم و وضعیتمان چنین و چنان است که واقعا قابل تقدیر است. اصلاً چنین شرایطی قبلاً برای کشور فراهم نبوده. امروز چه پارچه اش در داخل تولید می شود، چه دوخت آن به هر کیفیت و چه زمینه سازی برای صادراتش، بسیار قابل تقدیر و با ارزش است و هر چه بتوانید از این واحدها حمایت و تشویق کنیم در حقیقت در جهت اشتغال، خود اتکائی، صادرات غیر نفتی و هدفهای برنامه ای واقعا کار کرده ایم.

یک بحث مهمی که برادران مطرح کردند در رابطه با سیمان است. خوشبختانه خود بنده یکی از کسانی هستم که از اول در رابطه با مسائل سیمان ارتباط داشتم، وضعیت سیمان کشور را تا کید می کردم و دنبال آن بودم. خوب است ملت شریف ما بدانند، در آغاز انقلاب ظرفیت تولید سیمان حدود (۸) میلیون تن بوده، امسال امید است که (۱۶) تا (۱۷) میلیون تن سیمان در کشور تولید بشود. یعنی قطعاً بیش از (۱۶) میلیون تن تولید خواهد شد. یعنی ظرفیت (۱۰۰٪) افزایش یافته. در آغاز برنامه تولید سیمان در کشور (۱۲) میلیون تن بوده... حالا اگر این عدد و رقمها اشکال دارد بعد خود برادران توضیح خواهند داد ولی ظاهراً دقیق است. (ان شاء الله حافظه من در این موارد خطا نمی کند).

الان الحمد لله (۱۶ تا ۱۷) میلیون تن تولید متعارف سیمان کشور است. (۲۰) تا طرح بزرگ سیمان در کشور هست، (۶) تا از این طرحها مربوط به احداث صنعت است. من یکی یکی با این طرحها آشنا هستم. شاید از (۸۰٪) این

طرحها بنده بازدید کرده ام یا مکرر یا حداقل یک بار، با تمام صاحب نظرهایش یا کارشناسهایش در رابطه با سیمان کشور صحبت کرده ام. امیدواریم در پایان امسال حتماً واحد خاش راه اندازی بشود که بسیار مهم است. به دنبال آن فقط در خراسان به تنهایی ما (۳) واحد توسعه سیمان یا احداث سیمان داشته ایم. واحد قائن، واحد مشهد و واحد بجنورد که ظرفیت را بیش از (۶) هزار تن در کشور افزایش می داده. واحدهای سیمان سفید و غیره... خوب، مجموع کاری که در رابطه با سیمان کشور انجام گرفته و حتی نسبت به ساخت داخلی که برنامه است تا حدود (۶۰٪) و غیره را ان شاء الله بتوانیم روی ساخت داخلی عمل بکنیم به نظرم از نقاط قوت کار است. البته نوسانی که اخیراً در رابطه با قیمت به وجود آمده قابل سؤال و توضیح است. باید دستگاههای ذریع پیگیری بکنند. اما واقعا در کشور ما با توجه به شرایط مختلفی که داریم یک نفر را نمی شود به خاطر یک نوسان کاملاً دراز کرد و همه ویژگیها، حسن ها را نادیده گرفت، یک مورد خاص را مطرح کرد گفت پس همه نقاط قوت نادیده گرفته میشود، اگر اینجا نقطه ضعفی باشد شما باید جوابگو باشید! درست است، تذکر از طرف مجلس محترم که نظارت دارد که در حقیقت یکی از کانونهای اصلی انقلاب و تکیه گاه اصلی رهبری و ملت است بسیار با ارزش است، اما خدای نا کرده اینطور نباشد که ما مثلاً در رابطه با یک نوسان راجع به فلان کالا، حتی مجموع خدمتی که در بخش سیمان کشور انجام گرفته آن را نادیده بگیریم و مثلاً زیر سؤال ببریم و اسئال ذلک.

به هر کیفیت مجموع کاری که وجداناً در بخش سیمان کشور انجام گرفته و دارد انجام می گیرد کار بسیار با ارزشی است. یکی از برادران فرمودند: (۳۵) میلیون تن، نه، (۲۵) میلیون تن مطرح بوده. من اسیدوارم تا پایان سال ۷۵ با برنامه ریزی جدی برادران مربوط، ان شاء الله تولید سیمان در کشور تا (۲۵) میلیون تن برسد. مجموع واحدهایی که در خوزستان و در سراسر کشور (خیلی از آنها را نام بردم) قطعاً این ظرفیت را در کشور ایجاد می کند که واقعا (۲۵) میلیون تن سیمان داشته باشیم و حتی امکانات صادراتی هم برای سیمان در کشور داشته باشیم، چون حتی صرفه صادراتی و ارزش افزوده صادراتی هم دارد. (نایب رئیس - وقتان تمام است)

در رابطه با این وضع قیمت، حالا خودشان توضیح می دهند. من مجالی ندارم. بنظرم می آید در رابطه با صادرات، ساختار صنعتی، استراتژی صنعتی، آموزش نیروی انسانی، تحقیقات، حمایت از مردم برای سرمایه گذاری در صنعت، زنجیره ای کردن مسیر صنعت کشور و آموزش لازم نیروی انسانی و تهیه درصد نیروی انسانی از نیروی انسانی ساده به تکنیسین، مهندس، کارشناس، صاحب نظر، متخصص در بخش صنعت از بهترین وظایفی است که آقای مهندس نعمت زاده ان شاء الله توانش را دارند، تا حدودی تجربه فراوانی هم دارند، همکارانشان هم برای این کار آمادگی لازم را دارند. البته تذکرات و احیاناً سؤالها می تواند ایشان را در بهتر کردن مسیری که ان شاء الله با حمایت مجلس و دولت انتخاب خواهند کرد یاری کند.

بنابراین من با این کیفیت واقعا حجت شرعی دارم، رأیم را به ایشان می دهم و از همه نمایندگان محترم، خواهران و برادران عزیز هم تقاضا می کنم که اگر حجت شرعی برایشان تمام شد (مثل بنده) رأی مثبت به ایشان بدهند. والسلام علیکم ورحمة الله

نایب رئیس - متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمائید.

منشی (باهر) - آقای جلیل رشیدی مخالف هستند، بفرمائید.

جلیل رشیدی - سلام علیکم جمعاً ورحمة الله، بسم الله الرحمن الرحيم

با کسب اجازه از نمایندگان محترم و برادر گرامی جناب آقای مهندس نعمت زاده.

بهترین قضاوت کنندگان، تولید کنندگان، محققین و صنعتگران ما هستند که هم اکنون تعداد زیادی از آنها در نمایشگاه بین المللی بیستمین نمایش خودشان را به معرض دید عموم گذاشته اند. نمایندگان محترم! من از شما استدعا می کنم و شما را قسم می دهم که یکسری به این نمایشگاه بزنید... (نایب رئیس - قسم ندهید، همینکه دعوت بفرمائید کافی است) دعوت می کنم! پای درددل آنها بنشینید آنوقت تصمیم بگیرید. بنده وقتی برای این کار گذاشتم، قبلاً هم کنکاشی در این مسأله داشتم. به این دلیل که شور اول ادغام وزارتخانه های صنعتی را هم اگر که یاد مبارکتان باشد خود من اینجا صحبت

من خدمتتان عرض می‌کنم در زمانی که طرح دوفوریتی نحوه واگذاری سهام کارخانجات به ایتارگران و کارگران مطرح بود، اینجا صحبت کردند. شما ببینید در مردادماه چقدر از این سهام واگذار شد؟ (آن زمانی که ما داشتیم این قانون را تصویب می‌کردیم) به سرعت... من از شما خواهش می‌کنم، من آمارش را دارم. چند تا از کارخانجات در روزنامه‌ها اعلام شد، چقدر از آنها با مذاکره به فروش رفت؟ این دهن کجی به قانونی که از مجلس می‌گذشت نبود؟ این نبود که ما سهام را به کارگران و ایتارگران واگذار نکنیم؟ وزیر محترم کار! بیا اینجا بگو ببینم از این سهام که قرار بوده (۳۳) درصد آن به کارگران واگذار بشود چند درصدش واگذار شده؟ چرا نمی‌آید از حقوق کارگران دفاع بکنید؟ به چهار تا مصاحبه در روزنامه اکتفا کردن که کار را حل نمی‌کند! (یکی از نمایندگان - ربطی به موضوع ندارد) این است که در واگذاری سهام صنایع که ما واقعاً میخواهیم ایتارگران را که حافظین نظام و وارثین بحق این نظام هستند مشترکشان بکنیم، زمینه مساعد نمی‌شود و مدیرعامل محترم سازمان صنایع ملی صریحاً می‌گوید که من دستور از وزیر می‌گیرم، کاری به این چیزها ندارم! (با همین لحن، با همین حرکت) و همین آقا با خرج همین کارخانه ما قبل از اینکه به فروش برود به خارج سفر کرده، همه مدارک و اسنادش هم هست. (ربوشه - کدام آقا؟) آقای دکتر بانکی.

یک مسأله دیگر، طرح تصدی ممنوعیت بیش از یک شغل داشتن را در مجلس داریم، نمایندگان محترم مطرح کردند. فقط به این دلیل که مدیر عامل سازمان صنایع دستی ایران با مخارج سنگین هزینه سومین نمایشگاه سراسری صنایع دستی ایران در تبریز به دلیل مخارج بالای (۱۰۰) میلیون تومان آن ویدئوهایش مخالفت کرده یک روزه عزل میشود! و برادر عزیز دیگر که من روی ایشان حرفی ندارم باحفظ سمت به عنوان مدیرعامل صنایع دستی معرفی میشود و من چون نسبت به این قضیه حساس شدم خدا را شاهد می‌گیرم که یک روز وقت گذاشتم برای این قضیه، به تبریز رفتم. آن در رابطه با واگذاری سهام، همزمان با اینکه قانون دارد تدوین میشود، این در رابطه با این مسأله!

من مطلب را خلاصه می‌کنم، علی‌ای حال عدم برنامه‌ریزی صحیح و کلان‌نگری و عدم انسجام در سرمایه‌گذاری در این بخش همانطور که برادرمان جناب آقای دری فرمودند (البته در آن مصاحبه‌شان!) صنعت داخلی نیازمند تحول در تئوری و عمل است و به نظر من حجت شرعی بر من تمام شد که مرد جدیدی بیاید و این تحول را ان‌شاءالله ایجاد بکند.

لذا من مخالفت کردم و با اینکه برای شخص ایشان احترام قائل هستم نتوانستم که رأیم را مثبت بکنم. چندتا مسأله دیگر هم اینجا داشتیم، منتها وقت نیست بگویم. در رابطه با دادن ارز به کارخانه پرموس و در رابطه با دادن ارز به آقای خسروشاهی (همایون‌گاز)، در رابطه با اینکه صنعت فرش دستباف از این تسهیلات نتوانسته استفاده بکند و در رابطه با چند مسأله دیگر. با کمال معذرت و عذرخواهی از جناب آقای مهندس نعمت‌زاده و همکاران ارجمنند.

والسلام علیکم ورحمة الله

(احسنت، احسنت)

نایب رئیس - متشکر، موافق بعد را دعوت بفرمایید.

نوروز زاده - تذکر آیین نامه‌ای دارم.

نایب رئیس - بفرمایید.

سیدرضا نوروز زاده - بسم الله الرحمن الرحيم

همانطور که نمایندگان محترم عنایت فرمودید جناب آقای رشیدی در مخالفت با وزیر محترم صنایع اسم بنده را بردند و جمله‌ای را از بنده نقل فرمودند که من عرض کرده‌ام عمده ارز مصرفی را وزارت صنایع در خرید مواد اولیه هزینه کرده‌است و این را به عنوان یک پوئن منفی وزارت صنایع از بنده نقل قول کردند.

رشیدی - اشتباه لفظی بوده است.

نایب رئیس - حالا تصحیح کنید دیگر، بهرحال شما آن را نگفتید، ایشان هم می‌گویند اشتباه لفظی شده.

سید رضا نوروززاده - بهرحال آنجا عرض کرده‌ام که ماهیت وزارت صنایع مصرفی است منتها اینها برای اینکه مصرف را به حداقل ممکن برسانند در

کردم، پیش‌بینی چنین روزی را هم کرده بودم (به دلایلی که خدمتتان عرض می‌کنم) و با خود جناب آقای مهندس نعمت‌زاده بعضی از این موارد را صحبت کردم، به این نتیجه رسیدم که به عنوان مخالف صحبت بکنم. نتیجه اساسی بنده این بود که بخش صنعت ما با سردرگمی مشهودی الان مواجه هست و نتوانسته ساختار مناسبی را برای خودش ترسیم بکند و تدارک ببیند. خیلی تعجب کردم از سرور گرانقدر جناب آقای دری نجف‌آبادی که مشروحاً بیاناتی را در این زمینه به عنوان موافق ارائه دادند. آن زمانی که این مسائل مطرح نبود مجله مجلس و پژوهش شماره (۴) راشما بنگرید. آنجا خیلی از این برادران ما از جمله جناب آقای دری مفصلاً توضیحاتی در رابطه با صنعت و نقاط ضعف فراوان و قوت کم آن صحبت کرده‌اند. در آنجا ایشان اشاره دارند که در ارتباط با صنایع تبدیلی ظلم مضاعفی به دامداران، کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع تبدیلی شده. در آنجا ایشان اشاره می‌کنند که به ساختار صنعتی ما توجه لازم نشده. ما باید به صنایع تبدیلی، الکترونیک، صنایع مادر و سرمایه‌ای توجه بکنیم. (توجه نشده!) این صحبت جناب آقای دری است که من وقت ندارم که بیشتر توضیح بدهم، خصوصاً در رابطه با مسأله سیمان که جناب آقای یوسف‌پور در رابطه با قیمت سیمان فرمودند که یک روز سه‌بار نرخ اعلام شده! یا کارخانه‌های سیمانی که در دست احداث هست. اینکه دیگر نمی‌خواست ما موادش را از خارج وارد بکنیم که اینقدر مسأله سیمان کشور وحشتناک شده! هیچ دفاعی از این قضیه نمی‌شود کرد.

ما پیام نا کاسی‌های برنامه اول صنعت کشور را قطعاً در برنامه دوم خواهیم داشت. نمایندگان محترم! ارزهای ارزان نفت در حلقوم صنعت ریخته شد و ما این وضعیت را داریم که نظرات همه عزیزان همکار ما در مجلس در این مجله‌ها هست (شماره ۸ و ۹) آقای نوروز زاده آنجا فرموده‌اند که: اضافه مصرف ارز در صنایع بیشتر صرف خرید مواد اولیه تولیدات مصرفی شده است، یک حرف کاسلا حسابی است. من امیدوارم الان هم ببیند این حرف را بزنند چون متأسفانه این حرف زده نشده. آقای دری فرمودند بله، ما در قسمت کاشی، کلید، پریر، آرنجینات، مواد مصرفی خوب کار کرده‌ایم. ولی حرف بهتر را جناب آقای سینی می‌زنند! باید بطور صریح اذعان کنیم که ساختار صنعتی کشور مناسب نیست و سهم صنایع مادر، واسطه‌ای و مصرفی سهم معقولی نیست.

از این نظرات برادران گرانقدر و عزیز اینجا باز هم من دارم. جناب آقای دکترزالی، جناب آقای مهندس اسینی و برادران دیگری که حالا چون موافق ثبت نام نکرده بودند من اینجا اسمشان را نمی‌خوانم ولی اسم این دوتا برادری که حالا موافق ثبت نام کرده بودند خواندم.

علی‌ای حال در رابطه با واگذاری سهام کارخانجات به بخش خصوصی، تفکر را بنگرید! بنده به عنوان یکی از نمایندگان استان فارس خدمتتان عرض می‌کنم، این گله را به جناب آقای مهندس نعمت‌زاده هم کرده‌ام. مجمع نمایندگان فارس با حضور استاندار و ایشان و معاونینشان در رابطه با فروش یک کارخانه به نام آزمایش، چهار ماه قبل از فروش ما با هم جلسه داشتیم، چون من زیاد وقت ایشان را روی این قضیه گرفتم، ایشان فرمودند در این رابطه ان‌شاءالله ما به شما اطلاع می‌دهیم و هماهنگ می‌کنیم، یک وقت متوجه شدیم که کار از کار گذشته!

به استاندار زنگ زدیم گفت اطلاع ندارم. به امام جمعه زنگ زدیم گفتند اطلاع ندارند، به نمایندگان گفتیم، گفتند اطلاع نداریم! آقای نعمت‌زاده! شما به ما اینطور قوی دادید. آزمایش رفت به دنبال ترگس شیراز که شما کم و بیش مسائلش را شنیده‌اید. چون جناب آقای نعمت‌زاده تفکرش در واگذاری سهام کارخانجات اینجور است و بیانشان هم در صفحه (۲۴۱) همین مجله اینجور است که: ما صنایع را به بخش خصوصی داده‌ایم... مثلاً همین کارخانجات قند و شکر، اما حالا کار را به بخش خصوصی داده‌ایم. قند و شکر هر چه میخواهد بشود.

نعمت‌زاده (وزیر صنایع) - من گفته‌ام؟

رشیدی - (این قسمتش از من بود: «قند و شکر هر چه میخواهد بشود») ما اگر کارخانجات را به بخش خصوصی واگذار کردیم که نتوانسته‌اند امین ما باشند قند و شکر اینجور میشود که الان هست. خوب بعد می‌گویند آقا! مسائل ارزی است، واردات و صادرات هست. خوب، سیمان که اینجور نبود.

ایشان در این قسمت گزارش کارشان فرموده‌اند که ما برای واگذاری صنعت (۱۳۷) شرکت را به ارزش سهام (۱۱۷) میلیارد تومان واگذار کرده‌ایم.

سرمایه‌گذاری هزینه کرده‌اند.

نایب رئیس - آقای رشیدی می‌گوید که اشتبهاً من اسم دیگر را - می‌خواستم بپرسم. متشکر، آقای مختاری بفرمایید.

حسن مختاری - اغوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
«رب اشرح لی صدری * ویسر لی امری * واحلل عقدة من لسانی * یفقهوا قولی».

عرض کنم حضور مبارک عزیزان، بنده دو دوره است که در مجلس شورای اسلامی در خدمت شما هستم و در چهارساله اول به عنوان مخبر در کمیسیون صنایع در خدمت صنعتگران مملکت بودم، خودم سالیان دراز است که در این زمینه فعالیت داشته‌ام البته فعالیت من بیشتر در رابطه با صنعت سنگین بوده و روحتاً هم آقایان من را می‌شناسند تا به حال مدح و ثنای کسی را نگفته‌ام هرچند به همه افراد ارادت دارم و فکرمی‌کنم که در مجموعه‌های موافق و مخالفت هیأت دولت که معرفی می‌شده معمولاً حالا نظر موافق جمعی نداشتم ولی در مورد ایشان احساس می‌کنم که وظیفه شرعی‌ام است که آنچه به نظر من می‌رسد بگویم و حالا سعادت یارشد که نوبتی هم به ما رسید.

جناب آقای مطهری اینجا اشاره فرمودند و کارهایی که آقای نعمت‌زاده کرده نام بردند که صدها سوله در این مملکت ساخته شده و به جایی نرسیده. ما خودمان می‌دانیم که برنامه ریزهای ارزی این مملکت برنامه‌هایی نبوده که در درآمد ثابت بماند یعنی یک وزیر اگر امروز آمد و یک فردی به او مراجعه کرد و یک موافقت اصولی آورد و گفت آقا من در این زمینه یک میلیون دلار ارزی می‌خواهم این وزیر نمی‌تواند به او بگوید آقا من می‌توانم تضمین کنم این ارزی که امروز به شما می‌دهم (مثلاً دلاری ۶۰) تومان سال دیگر هم می‌توانم به شما (۶۰) تومان بدهم، چون سیاست دولت این تضمین را به وزیر نداده. آنچه هم مسلم است یک کسی که می‌خواهد وارد صحنه کارزار صنعت بشود کارش یک دوره تمام شدن نیست نیازش را هم یک روزه نمی‌شود در اختیار گذاشت. من می‌گویم من مختاری آمده‌ام می‌خواهم یک کارخانه بزنم و امروز (۸۰۰) هزار دلار می‌خواهد بگویند آقا حالا بفرمایید (۸۰۰) هزار دلار را بگیرد نه ممکن است کار من چهار سال طول بکشد پس اسسال (۲۰۰) هزار دلار اولی را به من داده‌اند لذا می‌بینم با حسن نیتی که وزارتخانه داشته کار جلو رفته ولی بعضی وقتها در اثر مشکلات مانده. آقای مطهری فرمودند صدها سوله ساخته شده این حسن نیت نسبت به گسترش صنعت در مملکت را نشان می‌دهند. بدهد اگر این صدها کارسوله که شما در نظر دارید تمام شده بود آن لیوان پر بود اما الان که نصف لیوان پر است چرا فقط نصف خالی‌اش را نام بردید؟! پس نشاندهنده این است که یک سری کارها شده و قصد و نیت این بوده که در اقصی نقاط این مملکت هیچ کجا از نظر پوشیده داشته نشود و صنعت برود. وزیرری بوده که هر وقت مراجعه کننده می‌آسده و می‌گفتم آقا درخواستی برای این کار دارم می‌فرستاده بررسی می‌کردند و اقدام می‌کردند. یکی از عزیزان گفت بعضی جاها کار شده گفتم بخش خصوصی چیزی نیست که سرمایه‌گذاری دولتی باشد و برونند به همه نقاط سرمایه‌گذاری کنند بخش خصوصی وقتی سرمایه‌گذاری می‌کند وزارتخانه می‌نشینند هر کس آمده استقبال، آمد گفت من تخصص دارم و پول دارم می‌خواهم این کار را بکنم می‌گویند بسم الله. اگر هم بخواهند محدودش بکنند تو که از مشهد آمده‌ای مثلاً برو آذربایجان سرمایه‌گذاری کن که این عملی نیست خودتان هم می‌دانید. ایشان شبانه روز تلاش کرد و صادقانه کارخانه به کارخانه رفت تا به حقایق برسد و بتواند ارزی که می‌دهد درست باشد. بنده به ایشان مراجعه کردم یک بار در رابطه بایک کارخانه‌ای که تقریباً نیمه دولتی بود وزیر نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شود، آنجا آمدم گفتم آقا اینها می‌خواهند گسترش کار بدهند، اینها می‌خواهند ریسندگی و بافندگی بگذارند، یکی از آقایان گفت ارز (۶۰) تومان داده به صنایعی که خوابیده‌اند، ایشان گفت برای ریسندگی ارز ارزان می‌دهیم ولی برای بافندگی ارز گرانقیمت. چرا؟ چون بافندگی در مملکت زیاد داریم ولی ریسندگی کم داریم. این نیست، که بی حساب و بی کتاب داده باشند و کارخانه شکلات‌سازی زده باشند، ممکن است من بروم با ارز آزاد به مملکت بیاورم اینکه بسته نیست، قوانین و مقررات داریم باید از آن تبعیت کند. ممکن است برود ارز آزاد هم بیاورد کارخانه‌ای بزند. در مورد ما کاررونی اشاره کردند کارخانجات ما کاررونی وقتی ازدحام به سمتش هست و مردم می‌آیند اگر که موافقت نشود ما اعتراض

می‌کنیم. می‌گویم آقا ما کاررونی در بازار نیست چرا موافقت نداده‌ای؟ حالا چرا ما کاررونی از خارج آمده؟ خیلی خوب باید رقابت‌پیش بیاید تا آقایان کیفیتها را بالا ببرند از خارج هم وارد نشود اگر مشکلات گمرکی و ارزی دارند آن چیزی است که ما باید حل کنیم و رودش را ممنوع کنیم یا برایش تفاوتی قایل بشویم که نتواند با بازار داخلی رقابت داشته باشد پس اینها به وزیر بر نمی‌گردد. در مورد قیمت سیمان و دیگر قیمتها فرمودند تولید کننده و گسترش تولید با وزیر است ولی در مورد قیمت حالا در این مملکت هیچ وزیری به تنهایی تصمیم نگرفته است.

من یک آماری می‌خواهم خدمت شما عزیزان عرض کنم، جناب آقای رشیدی فرمودند: «شمارا بخدا بروید نمایشگاه را ببینید» من هم از قول ایشان می‌گویم بروید ببینید! آقای رشیدی شما رفتید دیدید که یک صنعتگری ایراد داشت، مشکل داشت بلکه آقا جان دیکته نوشته شده غلط هم دارد اگر آن کارخانه در مملکت زده نمی‌شد آن صنعتگر هم در نمایشگاه به شما ایراد نمی‌گرفت، باید اول این مسأله را در نظر بگیرد آن نمایشگاه با آن عظمت راجه کسانی برپا کردند دیدگاههای چه کسانی به آن نمایشگاه رونق داد که حالا من و شما به آن می‌رویم و ایراد می‌گیرند؟ ایرادی که آنها گرفتند به ما هم گفتند. ایراد صنایع نیست می‌گوید آقا من لنت ترمز تولید می‌کنم از خارج وارد می‌شود من نمی‌توانم رقابت کنم خوب این چه ربطی به وزارت صنایع دارد؟ بحث اینجوری است ولی شما بیایید منصفانه قضاوت کنید، در این مملکت تولیدات قبل از وزارت ایشان و بعدش را هم ببینید، قند و شکر که امروز بحث مملکت‌مست و مشککش گرانی ارز است تولیدش در ابتداء سال وزارت ایشان (۵۶۲۱۶۶) بوده حالا (۹۰۴۷۱۰) شده یعنی (۵۰۰ تا ۹۰۰) یعنی دقیقاً تولیدش دوبرابر شده (۶۱٪) افزایش تولید داشته. روغن نباتی که باز هم معضل ماست و بحث گرانی‌اش را داریم که من اعتقاد این است و هیأت دولت هم این اعتقاد را دارد تولید اگر بالا رفت قیمتها پایین می‌آید، عرضه اگر زیاد شد و تقاضا آمد پائین قیمتها پائین می‌آید و سوءاستفاده نمی‌شود. ایشان در جهت بالا بردن تولید و بالا بردن عرضه کار کرده‌اند. روغن نباتی (۲۷٪) افزایش داشته اینها دو، دو تا چهار تا است هر کسی خواست می‌تواند برود تحقیق کند. سیمانی که امروز بخش را مطرح کردید (۲۶٪) افزایش تولید داشته واقماً اگر ما این (۲۶٪) را نداشتیم امروز معضل سیمان چه جوری بود؟ هرپا کتس چقدر بود؟ درست است که حالا گران شده اگر این نبود آیا گرانتر می‌شد یا ارزانتر؟ بحث ما این است. لاستیک (۶۳٪) افزایش تولید داشته واقماً باید افتخار کرد به مملکتی که خدمتگزاری اینچنین در این زمینه‌ها داشته باشد. خدایا! توشاهدی من در عمرم تملق کسی را نگفته‌ام. کاغذ که امروز مشکل اصلی مملکت است (۵۴٪) افزایش دارد اگر در اول انقلاب تا حالا این نسبت را داشت و اگر به همین نسبت این افزایش را داشته باشد شاید در طول دوبرنامه دیگر مانیاز به خارجی نداشته باشیم. کاشی (۵۴٪) افزایش داشته، تولید آرد (۴۰٪) افزایش داشته این گسترش کارخانجات است درست است که گندش را کشاورز تولید کرده. کابل مسی که وارد کننده بودید (۴۱٪) افزایش تولید داشته. کنسرواترته میوه که میوه‌جات شما ازین می‌رفت و روی دست کشاورز می‌ماند امروز (۱۰۵٪) افزایش داشته. یخچال و فریزر که این همه گرفتاری هست (۱۲۰٪) افزایش داشته. می‌خواهیم ببینیم که اینها زاده فعالیت و تلاش چه کسی است؟ بخش‌های دیگر هم مقایسه کنید وزارتخانه‌های دیگر راهم ببینید همه آنها برای ما مقدس و محترم هستند اما ببینید که واقماً بالنسبه چه کسی فعالیت کرده؟ وزیرری بوده که هر لحظه‌ای شأن و کالت و شأن قانون برایش محترم بوده و با وجودی که در کمیسیون صنایع بودیم و هر جا که با ایشان می‌رفتیم بالاترین احترام را به نمایندگان می‌گذاشت اما کسی حاضر نمی‌شد دنبال آقای نعمت‌زاده برود می‌گفت که آقا پدر ما را درمی‌آورد صبح که نمازش را خوانده می‌خواهد تا آخر شب در کارخانجات بدود کسی توان اینکه با ایشان راه برود را ندارد. من یکسورد برای شما بگویم ایشان یک روزی می‌خواستند به سفر حج بروند اعلام کردند که هوا پیمادو، سه ساعت تأخیر دارد تلفن کرد گفت کارتابل من را بیاورید و بعد گفت من در این سفر (به نقل یکی از دوستان) از خدا خواسته‌ام که این عصبانیت را از من بگیرد، بعضی‌ها می‌گویند عصبانی هستی، بده معدل افراد را باید گرفت همه که همه نمراتشان (۲۰) نیست، اما عزیزان در مملکت باید دنبال یکی رفت که به این نظام و به جامعه ایرانی پایند و معتقد باشد بخاطر مسائل جزئی به نظام جمهوری اسلامی

آن اختصاص (۱۰) میلیارد ریال به دانشگاه پیام نور (اخذ رأی با ورقه بعمل آمد و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید)
 نایب رئیس - من نتیجه آراء را خدمت نمایندگان محترم نسبت به کلیات طرح الحاق یک بند به تبصره (۵۵) قانون بودجه سال (۷۳) عرض می‌کنم:

حاضر ۱۹۰ نفر، تعداد آرای که به گلدانها ریختند ۱۷۴ رأی می‌باشد.

موافق ۱۱۶ رأی

مخالف ۵۶ رأی

ممتنع ۲ رأی

بنابراین کلیات این طرح مجدداً به تصویب رسید.

(ادامه بحث در مورد رأی اعتماد به آقای نعمت‌زاده بعنوان وزیر صنایع)

نایب رئیس - آقای کامران بعنوان مخالف صحبت می‌کنند، فرمایید.

حسن کامران - بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به مقام معظم رهبری و تشکر از خدمات دولت خدمتگزار به ریاست حضرت آیت الله هاشمی بنده دلایل مخالفتم را عرض خواهم کرد:

۱ - در رابطه با واگذاری سهام و فروش کارخانجات به اعتقاد بنده یک گستاخی وجود داشته است که من می‌توانم مثال بزنم که گستاخی در فروش کارخانجات کدام است. ابتداء جلوه داده‌اند فلان کارخانه ضررده هست و بعد مدیری را منصوب کرده‌اند و به همان مدیر فروخته‌اند (کارخانه کلید و پرز).

۲ - کارخانه‌ای را بفروش رسانده‌اند (میل ایران) در قبال یک چک (۴۰) میلیون تومانی (من پرهیز می‌کنم از اسم بردن افراد ولی اسم افراد نزد بنده هست) در صورتیکه ارزش این بیش از (۱۵) برابر است.

۳ - فروش کارخانه نرگس شیراز به قیمت (۲) میلیارد و (۳۰۰) میلیون تومان در صورتیکه در همان سال اول یک میلیارد تومان سوددهی داشته.

۴ - فروش کارخانه نساجی قائم شهر... خوب من چون وقت کم است مصادیق زیاد دارم. این فروشها شتاب زده بوده و گستاخانه ضمناً به عوادل فروش و مسؤولین فروش هم فشار آورده‌اند. باعث تأسف من است که حتی بعضی از متصدیان امر در اثر این تهدیدات و فشارها توانسته‌اند با سرعت حتی ظرف یک روز تمام سراحل قیمت‌گذاری را بگذرانند من اسم نخواهم برد ولی در پایان حالا چه جناب وزیر رأی بیاورند یا نیاورند می‌توانم بعد خدمتشان اساسی را اقل بدهم که بعداً اقلاً اگر ان شاء الله رأی آورند اصلاح بکنند و اگر هم رأی نیاورند حداقل بدانند.

اخیراً یعنی در برج ۲۲/۴/۷۳ صنایع شیمیائی سینا ظرف (۳) روز با سرعت فروش می‌رود و مخفیانه نقل و انتقالاتش صورت می‌گیرد این همان زمانی است که مجلس فروش سهام را تصویب می‌کند و یا شرکت گسترش خدمات فنی به قیمت یکدهم قیمت واقعی به فروش می‌رود. شرکت داروسازی کوثر اصولاً وقتی مدیرش راجلو می‌اندازند برای فروش پشت‌پرده اخوی، یکی از مسؤولین هست باز اسم نمی‌برم که اتفاقاً اخوی همین آقا هم شریک این شده.

شرکت پارس توشه را باز آقای آمده خریده است که مدیر همین جاست و مدیرکل یک جای دیگر است و قائم مقام جای دیگر است و متأسفانه اینها گاهی وضع مذهبی‌شان خوب نیست. البته من اسم نمی‌برم که باز توهین به کسی بشود.

نازخ را باز به یک مدیر محترم دیگر فروخته‌اند من اگر باز اینها را بخواهم مثال بزنم عرض کردم زیاد است. اخیراً فکر کنم آقای نعمت‌زاده پشیمان شده باشند از فروش شرکت داروسازی ابوریحان چون آن مسؤولین محترم ظرف یک روز (۵۰) میلیون تومان تخفیف می‌دهند گویا سر و صدا ایجاد شده جناب عالی اسناد را باطل کرده‌اید، دیگر نمی‌دانم صحت دارد یا نه؟ خوب اینها در واقع وقتی که گستاخی در فروش می‌شود آیا این سازمانها را ما اگر اسمش را بگذاریم بنگاه معاملاتی بهتر نیست و واقعاً این توهین هم نیست. آیا این تاراج بیت‌المال نیست؟! مگر اینها ارث بابایمان است؟! یعنی وقتی که ما به راحتی می‌آئیم این تصمیمات را می‌گیریم واقعاً قابل تأسف است من از این بخش می‌گذرم و جناب آقای نعمت‌زاده برادر بسیار خوب و عزیز بنده که واقعاً هم من از تلاششان تشکر می‌کنم در این بخش سعی بکنند (من مصادیق آورده‌ام) روی مصادیق برای بنده بگویند.

اختلاس و حیف و میل بیت‌المال.

پشت نکند و یا خدای ناکرده پس از چند سال او را مسأله دارنیم. اینها افراد استخوان‌دار این مملکت‌اند، افتخارات جامعه ما هستند و باید حمایت کنیم، ان شاء الله که همه وزراء ماهمین شأنت را دارند. این عدد و آمار را خواندم که شما عزیزان توجه داشته باشید که چه کارهایی در این مملکت شده تا آن نمایشگاهها برپا شده و امروز در مقابل خارجی سربلندیم. مسلماً در کار ایراد و اشکال هست همیشه گفته‌اند دیکته نانوشته نمره‌اش (۲۰) است ولی هر کس دیکته نوشت غلط ممکن است داشته باشد و آن که بیشتر دیکته می‌نویسد ممکن است غلط بیشتری هم داشته باشد و اینکه صرفاً کسی کار نکند ایراد و اشکالی هم به او نیست.

در مورد فروش سهام فرمودند یک سیاستی مملکت اتخاذ می‌کند وفادارترین شخص آن کسی است که آن سیاست را بیشتر به آنها برساند، حالا ممکن است که اصلاً آن سیاست غلط باشد ولی تصمیم مجلس شورا است، تصمیم هیأت دولت است. ایشان به عنوان مجری اگر بیشتر تلاش کرده نمره مثبت به او بدهید.

در مورد یک فردی که برکنار شده اشاره فرمودند، من می‌خواهم از همان آقائی که کنار رفته سؤال کنم (که به او ارادت هم دارم) راه افتاده این روزها بر علیه رأی آوردن وزیر تبلیغ می‌کنند واقعاً آیا آقای نعمت‌زاده وزیر این مملکت بوده یا نبوده؟ آیا رأی اعتماد از مجلس داشته یا نداشته؟ آیا قانون گفته زیرمجموعه را خودت انتخاب کن؟ پس اگر حتی اشتباهاً وزیری زیرمجموعه خودش را جایجا کرد آن زیرمجموعه اگر اعتقاد دارد چرا می‌آید خلاف نظر رئیس جمهور که رئیس هیأت دولت است اعلامیه پخش می‌کند و با دیگران صحبت می‌کند؟! این مملکت خوب است وزراء آن هم خوب هستند وقتی که به نفع من باشد. اگر من اعتقاد دارم بیایم بگویم آقا جان اینجا تشخیص داده‌اید من صلاحیت ندارم در رهسنگری که نظام تشخیص بدهد فعالیت خواهم کرد، نه اینکه راه بیفتی و مخالفت و ستیز کنی، من نمی‌گویم که اصلاً کار درست بوده یا نفساً غلط بوده ولی بحث سر این است که آن آقا آیا رفتارش درست بوده؟ همین نشان دهنده این است که شایستگی این کار را نداشته. من به او ارادت دارم اما اگر تازمانی که سرکار بوده ثابت بوده بعد از برکناریش با رفتارش ثابت کرده که شاید نباید آنجا کاری کرده.

بیش از این دیگر عرضی ندارم من فکر می‌کنم آنچه که به نظرم رسید و در چهار سالی که در کمیسیون صنایع بوده‌ام واقعاً مشکلات یکی بعد از دیگری حل شده توانستیم شهرکهای صنعتی متعددی را در ایران برپا کنیم، توانستیم برویم مشکلات را بررسی کنیم که به چه صورت هست و هر سرمایه‌گذاری که آمد استقبال از او شد. ان شاء الله که ایشان بتوانند با قرار داشتن با رأی شما عزیزان در این سنگر همچون گذشته خدمتگزار صادقی باشند و ان شاء الله بتوانیم بیش از پیش اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی را به سر منزل مقصود برسانیم. والسلام علیکم ورحمة الله

نایب رئیس - متشکر، مخالف بعدی را دعوت فرمایید.

منشی (با هنر) - آقای کامران فرمایید.

ع - تشکیک عده‌ای از نمایندگان در خصوص تصویب کلیات

طرح الحاق یک بند به تبصره (۵۵) قانون بودجه

سال (۷۳) و تصویب مجدد آن

نایب رئیس - خوب قبل از اینکه آقای کامران بحث خود را شروع کنند من خدمت نمایندگان محترم عرض بکنم ما در جلسه گذشته نسبت به کلیات طرحی که مجلس محترم یک میلیارد تومان معادل ده میلیارد ریال اختصاص به دانشگاه پیام نور داد، رأی گرفتیم و طبق نظر منشی‌ها رأی آورده بود و اعلام کردیم که تصویب شد منتها بعداً (۲۵) نفر از نمایندگان نامه‌ای را امضاء کرده بودند فرستاده‌اند و نسبت به رأی آن روز تشکیک کرده‌اند. ما از نمایندگان محترم خواهش می‌کنیم رأی خودشان را به گلدان بیندازند، کارمندان محترم هم گلدانها را آماده بکنند، رأی کتبی را به صندوق بریزید. آنهایی که موافق با آن اختصاص هستند که رأی مثبت می‌دهند و آنهایی که مخالف هستند منفی و آنهایی هم که مرددند ممتنع، منتها خواهش می‌کنیم امضاء فرمایید البته رأی مخفی است برای اینکه شمارش آسانتر باشد امضاء هم فرمایید که ما مشکلی نداشته باشیم. حضار ۱۸۳ نفر، گلدانها را بچرخانید برای رأی نسبت به

مثال بزنم یکی صنایع تبدیلی ما در استان خودمان (۱۵) هزارتن در سال سیب زمینی داریم به قول آقای وزیر محترم کشاورزی (۱/۵٪) در رابطه با صنایع کشاورزی کار شده، به قول ریاست محترم کمیسیون کشاورزی (۰/۴٪). اما شما ببینید ما هنوز حدود یک میلیون تن شیر دور می ریزیم و در برنامه وقتی که ما آوردیم (۱۰) کارخانه پنیر بسازیم هنوز سهم عمده‌ای از واردات ما مربوط به پنیر است حالا اگر خود آقای نعمت زاده توضیح بدهند در این استراتژی که دارند چقدر ارز داشته به کجایی خواهیم برویم چه می شود یا آقای مختاری در بحث لاستیک که فرمودند ما حدود (۵۰۰) میلیون دلار برای احداث واحدهای جدید لاستیک سازی از محل تبصره (۲۹) داشتیم، اولاً تکنولوژی اش قدیمی است ما نمی توانیم با دنیا رقابت کنیم در ثانی ما فقط آمده ایم لاستیک کرمان را راه اندازی کرده ایم شما حالا می گوید که ما رشد داشته ایم این مربوط به توسعه بود، توسعه هم مربوط به برنامه اول نیست مربوط به قبل از برنامه اول است یا نساجی ها را شما در نظر بگیرید ما کجا آمده ایم ماشین آلات درست و حسابی جایگزین کنیم حداقل (۰/۴٪) نساجی ها در اصفهان است بنده از تک، تک این کارخانجات بازدید داشته ام اغلب فرسوده است هیچ جایگزینی هم نبوده ما آمده ایم بجای اینکه اشتغال ایجاد کنیم به بیکاری افزوده ایم در واقع مادر بحث استراتژیک این مشکل را داریم.

باتوجه به اینکه یک دقیقه هم بیشتر وقت من باقی نیست من راجع به اخلاق و تفکر هم خواستم بگویم بهرحال ما مسؤولین نظامان در یک رده بالایی هستند البته از تندی آقای نعمت زاده یک کمی کم شده ولی در عین حال هنوز آن برخوردها را دارند. ما در صنایع نظامی یادمان هست که خیلی از دستشان ناراحت شدند و رفتند و چه آنهایی که در همین واحدها هستند، معنایش می شود رشد چابک و آنتهایی می ماند که بتوانند ایشان را تحمل بکنند و من در این گروه ها که جمع کردم اغلب بچه مسلمانان تار و بار شدند و ایشان شده مظهر خشونت (نایب رئیس - وقتتان تمام است).

من یک نکته پایانی هم بگویم راجع به مسائلی که خود ایشان در رابطه با آلمان صحبت های داشته اند برخوردهایی که با متخصصین خارجی داشتند و یا اصولاً حمایت هایی که از بعضی از آدمها کرده اند که مال نهضت آزادی بوده اند. من بازاسامی آنها را دارم، خوب یک وزیرمان در انقلاب اسلامی نبایستی بهرحال طوری بشود که اینطور بشود. در ارزشها من مواردی داشته ام یعنی مثال می توانم برایتان بزنم (نایب رئیس - وقتتان گذشته) بلکه خواهش می کنم بهرحال من مستنداتم اینجا هست نمایندگان محترم می توانند به من رجوع کنند در خدمت خود آقای نعمت زاده هستیم خیلی بیخشنید. وصلی الله علی محمد و آله ((حضور صلوات فرستادند) نایب رئیس - موافق بعد را دعوت بفرمایید.

منشی (باهنر) - آقای زالی بفرمایید.

عباسعلی زالی - بسم الله الرحمن الرحیم

من چند نکته را می خواستم در رابطه با صحبت مخالفین و همچنین نکاتی که موافقین روی آن تأکید داشتند اشاره بکنم و بعد از صحبت نتیجه گیری کنم. مسأله اولی که من فکریکنم واقعاً مجلس محترم و هر کدام از ما بعنوان موافق یا مخالف صحبت می کنیم، در صحبت هایمان باید رعایت انصاف باشد. نه من موافق باید از انصاف دور بشوم و اگر نواقصی هست نادیده بگیرم و نه آن برادر و خواهری که احیاناً میخواهد مخالف صحبت بکند، صحبتها نسجیده و دور از واقعیتها و نامتعادل باشد. عزیزانی که در رابطه با مسأله نظر مخالف داشتند نکاتی را مطرح میکردند که خیلی از آن جنبه کلی در کشور دارد و حل بعضی از این معضلات و مشکلات بدست یک وزیر نیست. همینطور که می بینید ما وقتی در بین مردم حضور پیدا بکنیم، مردم بعنوان نماینده بما بگویند گرانیها مربوط به شما است. خوب، من نماینده چه جوری باید مسایل را از هم تفکیک بکنم که طرف من بداند نه، مشکلات، مشکلات ریشه ای است و اینکه به یک وزیر یا یک نماینده مربوط بشود، مربوط نیست، به بسیاری از کمبودها و تنگناها و مشکلات کشورستگی دارد که همه باید در جهت حل آن کوشش بکنیم.

صحبت میشود صدها هکتار مثلاً سوله خالی مانده، تقصیر وزیر صنایع چیست وقتی که ما مشکلات ارزی داریم و خود ایشان هم بیشتر از همه شاکی است که دست من به این علت بسته است. من موافقت اصولی را میدهم و اگر موافقت اصولی ندهم صدجور دیگری ایراد بمن گرفته میشود، ولی این موافقت اصولی ها به سوله ختم میشود و بعداً امکانات از نظر نقدینگی، از نظر ارز

اول - قراردادی بوده، (۶) میلیون فوت چرم از هندوستان از طریق شرکت نیتکو در آلمان آمده، قرار بوده که این از قرار هر فوتی (۹۵) سنت خریداری بشود ولی در فاکتور (۱) دلار و (۲۰) سنت آمده یعنی کاملاً در اینجا سوء استفاده شد.

دوم - لغو قرارداد (۳) هزارتن چرم که بعد دوست و رفیق آنها در سازمان همیاری شهرداری استان مازندران بوده هر کیلو (۱) دلار و (۸۰) سنت. آقای نعمت زاده نمی دانم گوش می کنند که بعد پاسخ بدهند به اینها یا نه؟ این دو سه مورد سوء استفاده که عرض کردم نمی دانم که گوش کردید یا نه؟ آقای نعمت زاده! یکی گفتم (۶) میلیون فوت چرم از هندوستان وارد کردید که تفاوت قیمت داشت (۹۵) سنت بود در فاکتور (۱) دلار و (۲۰) سنت شده. یعنی اختلاس شده. یک قرارداد خرید هم (۳) هزار تن چرم بوده از ترکمنستان به قیمت هر کیلو (۸۰) سنت شما با آن دوست و رفیقها با آن اطرافیان، کارمندان...

نایب رئیس - آقای کامران، آقای کامران اجازه بدهید ببینید! ما در بحث وزراء اینجوری نمی توانیم مطلبی را مطرح کنیم یک نماینده ای بیاید پشت تریبون بگوید آقا در فلان پرونده فلان مشکل بوده وزیر باید راجع به برنامه اش راجع به شخص وزیر، یک وزارتخانه یک دستگاه بزرگ است ممکن است در این دستگاه بزرگ (۱۰) مورد هم اشکال باشد، اشکال ندارد، آن موارد را نمایندگان مجلس دستشان باز است بصورت سؤال می توانند مطرح بکنند، بصورت تذکر می توانند مطرح بکنند ولی اینجا الان طبق آئین نامه درست نیست، انصاف هم نیست که ما یک موضوعی را مطرح بکنیم که بعد وزیر بخواهد جواب بدهد خوب نمی داند باید برود بررسی کند آن پرونده را ببیند چه بوده. من خواهش می کنم در موضوع صحبت بکنید.

حسن کامران - بله، بسیار خوب ما هم که آدم حرف شنوی هستیم، البته در موضوع بود اما چون فرمودید چشم من از مواردی که فرمودند اینگونه نگویند، باشد نمی گویم.

راجع به ریخت و پاش های بی حد و حصر من می توانم مثال بیاورم دیگر نمی دانم این هم اشکال داشته باشد یا نه؟ مثل بودجه سمینار اسکاپ تنها هزینه هتل آن (۳۳) میلیون تومان شده این یک قلمش و باز سمینار صنایع دستی شیراز هدیه هایی که از طرف وزارتخانه داده اند (۷) میلیون تومان (اینها حالا رقمهای کلی است) یابیه یک خبرنگارش برای اینکه تبلیغات خوب بکند (۲۲۰) هزار تومان داده اند یا در رابطه با سفارتخانه های خارج به بعضی از اینها که نفر دوم هستند دیگر لزومی ندارد که ماهدیه بدهیم مثلاً در آلمان (۱۴۰) هزار مارک هدیه داده شده که بعضی از آنها به این نفرات دسته دوم است.

نایب رئیس - شما باز هم از همان مواردی که فرمودید من گوش می کنم و نمی گویم، باز هم از همان موارد را مطرح می کنید (کامران - بسیار خوب این را اصلاً کنار می گذارم) بهرحال این موارد اشکال ندارد دست مجلس باز است شما می توانید بعد سؤال بکنید، می توانید تذکر بدهید، حتی می توانید تقاضای تحقیق و تفحص روی یک موردی بکنید، دست مجلس باز است ولی الان موقعش نیست (کامران - حاج آقا ما اصلاً کنار گذاشتیم) مثل اینکه تمام هم شد (کامران - نه حاج آقا هست) مثل اینکه یک دوخطی باقی مانده، بسیار خوب بفرمایید.

حسن کامران - البته ان شاء الله از وقت من هم نگذرد. بحث بعدی ما که حالا کلی است، استراتژی صنعت است. من در مباحثی که آقای نعمت زاده همین جزوه هایی که پخش شده بنده خودم استراتژی صنعت را ندیده ام که حاج آقا دری فرمودند: «روی استراتژی صنعت توجه شده». شما سطر به سطر بخوانید اصلاً تولید تکنولوژی نیست. بالاخره ما می خواهیم در این ادغام صنایع تولید تکنولوژی داشته باشیم یا نه؟ خوب وقتی وزارتخانه ای از قبل در ارتباط با همین مسائل استراتژی مشکل داشته یعنی آقای نعمت زاده روی کارهای اجرایی واقعاً تلاش داشته اند ولی روی برنامه های ستادی و برنامه ریزنه، کما اینکه ما وقتی در مسائل مختلف ریز بشویم شهرکهای صنعتی را من برایتان مثال بزنم اصفهان یک شهر صنعتی است تشریف بیاورید ببینید. یک شهرک صنعتی در پایگاه هشتم شکاری اصفهان است اغلب این فضا خالی است بعضی اوقات هم بورس بازی و دلالی می شود و اصولاً موافقت های اصولی هم که وجوه است این نیاز را تأمین نمی کند. می توانید در شهرک سمنان بروید، دماوند بروید، فیروزکوه بروید. پس در ارتباط با برنامه ریزی من این را می توانم

از نظر مشکلاتی که ما تا حالا از نظر خارج با آن مواجه هستیم، اجازه نمیدهد که مردم ببینند به آن صورتی که ما میخواهیم سرمایه گذاری بکنند. باید مشکلات آنها را رفع بکنیم تا اینکه زمینه حرکتها فراهم بشود. در حقیقت در هر بخشی وزیر سیاستگذار و حمایت کننده است و اگر راه برای مردم هموار نباشد و آنها در صحنه نیابند و سرمایه گذاری نتوانند بکنند، مشکلات بجای خودش باقی میماند و مسأله سرمایه گذاری و نقدینگی و مسایل ارزی مسایلی هست که به یک وزیر و یک وزارتخانه مربوط نمیشود.

اعدادی که در اینجا میگوئیم واقعاً اعدادی باشد که بشود تصورش را کرد. به اندازه جمعیت چین موافقت اصولی ما کارونی داده شده. خوب شاید ما نمیدانیم جمعیت چین چقدر است؟ آخر عدد را درست بگوئید که خدای ناکرده استنباط نشود که مافقط میخواهیم جنبه منفی را بزرگ کنیم. ممکن است که نقص باشد ولی آن نقص را اگر درست بگوئیم من که میخواهم قضاوت بکنم شاید بهتر بتوانم تصمیم بگیرم. قیمت سیمان را اشاره می کنند، برادران و خواهران بالاخره نمایندگان محترم این ملت هستند باید از نحوه سیاستگذارها در کشور مطلع باشند که کجا تصمیم گیری برای قیمت میشود، براساس چه سیاستها و براساس چه تکنیکهاست؟ و اگر احیاناً اشتباهی باشد در کجا صورت میگیرد و من وزیر به چه صورت میتوانم در این رابطه نقش آنچنانی داشته باشم؟ خوب، قیمت سیمان را شورای محترم اقتصاد از سال (۷۱) یک ضوابط خاصی برایش تعیین کرده که وزارتخانه مجبور است طبق آن ضوابط حرکت کند، حتی خود کارخانه ممکن است ناراضی باشد که قیمت من بالامیرود بدون اینکه هیچ پولی عاید من بشود. همه تفاوت را باید در صندوق حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان بریزم. بنابراین خلاصه عرض من این است که اگر مسایلی اینجا درست تکنیک بشود شاید امکان قضاوت بهتر، بهتر فراهم بشود و ما بهتر بتوانیم تصمیم گیری کنیم.

خرید مواد اولیه برای مصرف، خوب معضلات کشور بیندیشید؟ شما اگر شوینده در کشور نداشته باشید بلافاصله مشکلات بر مصرف کننده تحمیل میشود. اگر ما الان مجبور هستیم به کارخانه های مصرف سان بهیم که حتی در این زمینه ها هم امکانات کشور اجازه نمیدهد، بعلمت اینکه جامعه ما با این رشد جمعیت نیاز به مصرف دارد حالا ما الگوی مصرف را تغییر بدهیم، فرهنگ مصرف را تبدیل به تولید کنیم. این حرکتها در جامعه بوجود بیاید بنظر من اینها فراتر از توان یک وزیر و سیاستگذارهایی که در حیطه قدرت یک وزیر هست، هست و بنابراین ما نباید همه مشکلات را به یک وزارتخانه و یک وزیر مربوط بدانیم.

بعضی از عزیزان صحبت می کنند، نامه ای دادم جواب داده نشده یا مواردی یکی یکی اسم میاوریم که اینجا گفته شده این سوءاستفاده آنجا گفته شده... یا فلان فرد را آزاد کردید، مگر آقای نعمت زاده قوه قضائیه است. یا قوه دیگری هست که بیاید روی آزادی افراد مثلاً تصمیم بگیرد. خوب شاید خیلی از ما هم معترض باشیم که چرا کسیکه این قدر سر و صدا در جامعه ایجاد کرد و گفتند اختلاس شده یک دفعه آزاد بشود. آیا خود آقای نعمت زاده معترض به این مسأله نیست؟ من معتقدم که ایشان هم معترض است ولی اختیار در دست ایشان نیست و شاید قضاوت وقتی شده، چیز دیگری نتیجه شده ما که قاضی نیستیم که حالا در رابطه با اصل مسأله هم قضاوت بکنیم ولی همیشه درخواست رسیدگی دقیق را داریم.

از این چند تا نکته که من بگذرم، میخواهم راجع به خصوصیات آقای نعمت زاده به آن صورتی که من از قبل از انقلاب ایشان را میشناسم خدمتتان عرض کنم، خدا رحمت کند شهید قندی را که خوب، از آن زمانی که ایشان در ایران بود قبل از اینکه حتی ادامه تحصیل بدهد، خدمت آقای نعمت زاده بودیم و جلساتی را ایشان در منزلش برگزار میکرد که شرکت میکردیم. وقتی من خودم را با آقای نعمت زاده مقایسه میکنم، از یک طبقه ای است که سرفه تر از من بوده است. ولی خدا شاهد است زندگی او زندگی است که حتی حساب یک چوب کبریت مشخص است. زندگی ذی طلبگی محض. کسیکه اگر میخواست حالا در سطح مدیریت حتی در سطح ثروت پدري، حتی در سطح امکانات تحصیلی خودش، از زندگی استفاده بهتری برد خیلی بیشتر مقدور بود. ولی خدا شاهد است من همیشه ناظر بودم، یکی از الگوها برای ما ایشان بوده که بدانیم واقعاً چه جوری زندگی بکنیم. حالا اگر چه ما توانش را شاید نداشتیم، ولی ایشان در

زندگی اش حساب یک ریال (من به جرأت در اینجا قسم میخورم) مشخص است. هم قبل از انقلابش و هم بعد از انقلاب و هم در زمان وزارتشان مشخص است. وزیری است که هر جایی رفته است هدیه ای به او دادند آن هدیه را یا در وزارتخانه گذاشته یا یک جوری به دیگران داده است، یک ذره به منزلش نبرده است. خوب، تدین یعنی چه؟ ما مرتب میگوئیم چون بعضی از افراد متدین نیستند مسؤولیتها با مشکلات مواجه است. بنظر من از جنبه تدین آقای نعمت زاده کسری ندارد و واقعاً زندگیش برای خیلی از ما مسؤولین و من نماینده (در سطوح بالاتر من نمیدانم) از نظر صرفه جویی و حفظ رعایت همه مسائلی می تواند الگو باشد. تسلط ایشان، ما مرتب میگوئیم یک وزیر باید متخصص باشد، وارد بکارش باشد، نتواند سرش کلاه بگذارد، بتواند پرخاش بکند که آقا! چرا این کار را کردی، چرا آن کار را نکردی. آن وقت میانیم همین نکات مثبت را بعضی وقتها اینجا منفی تلقی می کنیم. خوب، برادرانی که با ایشان کار می کنند همیشه اذعان کرده اند یک سر و گردن از نظر تسلط نسبت به مجموعه واحدهایی که زیر نظرش هست، نسبت به دیگران بالاتر است. واحدهایش را می شناسد. من خدمت ایشان در چند تا از نمایشگاهها بودم. خدمت ایشان در بازبینی چند تا از این مراکزی که در دست ساخت هست، کارخانه های سیمان بودم. ایشان افراد را به اسم می شناسد، میداند چه روزی مثلاً موافقت اسضاء شده، چه روزی تا فلان مرحله پیش رفته و تا چه وقت باید انجام بدهد. اینکه برادرها فرمودند سخت گیری می کند بله، مسؤولین را میخواهد، گاهی وقتها هم اوقات تلخی می کند (و گفتند مکه رفته و مثل اینکه اوقاتش بهتر شده) بنابراین این نقطه ضعفی نیست. اگر یک وزیری نتواند اخم بکند، کسی گوش به حرفش نمیدهد. مگر که ریخت و پاش زیاد داشته باشد و به هر کسی یک پولی بدهد که او گوش بدهد. خوب، آقای نعمت زاده از آن طرف کوتاه میاید، از این طرف فقط اخم میتواند بکند. خوب، این بنظر من نکته مثبت است. رشته او مدیریت صنعتی است. ما مرتب میگوئیم تخصص میخواهیم، ایشان هم متخصص هستند.

صدائقش: آقای نعمت زاده کسی است که اگر یک ضعفی هم داشته باشد وقتی اینجا صحبت بکند، نمیخواهد ضعف خودش را بیوشاند. واقعاً ایشان صادق است. اگر حرفی را زد. حداقل من با شناختی که دارم قبول میکنم و میدانم که ایشان چیزی را خلاف نمیگوید.

پشتکار و تلاش او: شما از همه کسانی که با ایشان مسافرت میروند پیرسید، معاونین او، مدیرکل های او، کارشناس های او، پیمانکارها، مشاورینش پیرسید، از صبح زود که ایشان حرکت می کند تا آخر شب، کمتر کسی هست که بتواند پایه پایش حرکت کند. خوب ما تلاش و پشتکار میخواهیم، این هم تلاش و پشتکار. بنابراین وقتی ما میخواهیم در رابطه با افراد قضاوت کنیم خدای ناکرده حالا من هم در یک حدی قرار نگیرم که بگویم نه، ایشان دیگر جزو یکی از معصومین است، خیر، هر مسؤولی در این کشور نقاط ضعف هم میتواند داشته باشد و آقای نعمت زاده هم قطعاً بری از آن نیست. ولی آیا ما با چه ملاکی میخواهیم افراد را مقایسه کنیم؟ باید روی این مسأله بررسی کنیم.ایشانی که این خصوصیات را در رابطه با صنعت کشورمان که مریض بوده... بعضی از برادران آمدند اشاره کردند مثل آقای دری نجف آبادی، آقای نوروززاده و... در صحبتها ایشان گفتند که بله، صنعت کشور مریض است باید اصلاح شود. خوب این حرف خود ایشان هم هست. مثل اینکه من بگویم کشاورزی ضعف دارد، پانزده سال هم هست که ما میگوئیم باید به کشاورزی توجه کنید ولی این به این معنایست که مسؤول کشاورزی ایراد داشته باشد. مسأله این است که شناخت ایشان ایجاب می کند که خودش هم بگوید بله، صنایع ما بدست آن زنجیره های تکاملی اش باید برود، مصرفی بودنش کم بشود، صنایع مادرش اضافه بشود خوب، این چیزهایی است که دنبالش بودند و بنابراین من فکرمیکنم که خود ایشان هم مخالفت با این مسایل ندارند.

در رابطه با رشد صنعت، درست است برادرها اشاره کردند، صنعت ارز زیادی برده، خوب اگر ارز زیاد برده، یک مقداری از آن همین ارز مصرفی بوده. وقتی جمعیت کشور یک دفعه (۲۰) میلیون شده دو برابر همیشه قبل از انقلابش کالای اساسی میخواهد. صنایع باید بسازند باید ارز بدهیم تا ساخته بشود. ولی رشد صنعت، وضع صنعت را هم در اول برنامه میدانیم، باز بعضی ها وقتی می آیند اینجا صحبت می کنند منفی بودن رشد صنعت را به این عنوان که نمیدانم

کرد، صراحت قانون اساسی این قدر صریح است، متأسفانه نمیدانم این برادرها بخاطر چه مسایلی اینقدر در مسایل وزارتخانه صنایع تعلل می کنند و حق بنده است که قضیه را از راه دیگر دنبال کنم.

نایب رئیس - متشکر، آقای یوسف پور! ان شاء الله در این تذکر قصد قربت بود، چشم! به کمیسیون میگوئیم که رسیدگی بکنند.

(دنباله بحث راجع به رأی اعتماد به آقای نعمت زاده بعنوان وزیر صنایع)

نایب رئیس - مخالف بعدی آقای موحدی ساوجی هستند، بفرمایند.

علی موحدی ساوجی - بسم الله الرحمن الرحيم

در رابطه با جناب آقای نعمت زاده که بعنوان وزیر محترم وزارت صنایع جدید معرفی شده اند و وزیر محترم صنایع گذشته هم بوده اند، من لازم میدانم که ابتدائاً اصل (۱۳۷) را بخوانم تا هم نمایندگان محترم تذکرتذکاری برایشان باشد و هم موافقین محترمی که به تشبیهاتی چنگ زدند که بگویند مشکلاتی که وجود دارد، گرانی سیمان، مسایل دیگر، به ایشان مربوط نیست، این مسأله روشن بشود که بالاخره اگر هیأت وزیران هم چیزی را تصویب کند آیا هریک از وزراء مسؤول هستند یا نه؟ اگر شورای اقتصاد هم چیزی را تصویب کند آیا هریک از وزرای عضو آن شورا مسؤول هستند یا نه؟ ما نباید با توجه به اینکه نماینده مجلس هستیم و بحمد الله به قانون اساسی از همه باید واقفتر باشیم و قسم هم خورده ایم که رعایت کنیم، خلاصه اینجا نیائیم بعنوان حمایت و دفاع اگر یک مطلب حساسی داریم بگوئیم، اما اینطور نباشد...

اصل (۱۳۷): «هریک از وزیران مسؤول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اسوری که به تصویب هیأت وزیران میرسد مسؤول اعمال دیگران نیز هست».

این را من خواندم که دیگر آقایان نیابند وقت مجلس و وقت مردم را با گفتن این مطالب بگیرند، مطالبی که اصلاً هیچ متناسب نیست و آن حرفها با قانون اساسی هماهنگی ندارد.

اما در ارتباط با جناب آقای نعمت زاده، موافقین محترم یک سری در ارتباط با کارایشان، تخصص ایشان، تدین ایشان، مطالبی بیان کردند ما وارد این مقوله نمیشویم، ما نسبت به آقای نعمت زاده بعنوان یک فرد متدین، به ایشان ایمان و اعتقاد داریم و به ایشان هم در گذشته بعنوان وزیر بکار، بلکه چند بار رأی دادیم. اما معنی آن این نیست که ما در قبال مسؤولیتهایی که داریم در هر زمان، در هر شرایط و واقعاً وظیفه ای را که در هر زمان احساس می کنیم را نخواهیم انجام بدهیم. من ابتدائاً به ریاست محترم جمهوری حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی که در مقدمه معرفی ایشان فرمودند که در رابطه با وزیر جدید این وزارتخانه با اعضای محترم دولت مشورت کردند، البته کار خوبی کردند، من نمیگویم مشورت اشکال دارد. اما من به جناب آقای رفسنجانی عرض میکنم چندتن از نمایندگان محترمی هم که در چهار دوره مجلس بودند هم الان یادشان هست حتی در دوره اول که اصطکاک کامل بود بین خط فکری سیاسی رئیس جمهور آن وقت، آقای بنی صدر و مجلس آن زمان، رئیس جمهور زمان یعنی بنی صدر، سعی میکرد که نخست وزیر و وزرایی را که میخواهد برای خودش انتخاب بکند، افرادی باشد که در جمیع جهات هم خط و هم فکر و همراهش باشند، مثلاً آن که او میخواهد باشند. مجلس هم بالاخره طبق رسالتی که داشت معتقد بود باید به کسانی رأی بدهد که آن اختیار دارد که علاوه بر شایستگی علمی، دارای شایستگی از لحاظ اعتقادی و تعهدی باشد. بر این اساس در همان زمان هم بنی صدر ناچار بود بطور غیر مستقیم و غیر رسمی ببیند نمایندگان مجلس به چه کسانی میتوانند رأی بدهند و موافق هستند رأی بدهند و بالاخره آقایان میدانند که سرانجام منتهی شد به اینکه شهید رجایی - رضوان الله تعالی علیه - بعنوان نخست وزیر از طرف مجلس انتخاب شد. یعنی سهره ها و افرادی را که بنی صدر میخواست بعنوان نخست وزیر معرفی بکند، مجلس روی آن ها بحث کرد غیر علمی، غیر رسمی و نظر مشورتی ... میدانست که مجلس رأی نمیدهد به کسانی که او میخواهد معرفی کند و لذا این کار را نکرد نه بخاطر اینکه با مجلس هماهنگ بود، بخاطر اینکه دید چاره ای غیر از این ندارد. البته این مثل با مجلس فعلی و رئیس دولت محترم فعلی از جهاتی فرق دارد. ما نمیخواهیم بگوئیم که مجلس حال و رئیس جمهور حال ... خیر، الحمد لله این جور نیست و امیدواریم که هیچوقت آن طور نشود. اما ما انتظار داریم، از رئیس جمهوری که بحمد الله هم مجلس در خط رهبری و انقلاب است، هم رئیس جمهور در خط

قبلها چنین و چنان کردند، خیر، چون جزو قبلی ما بودیم، شرایط جنگ چنین و چنان شرایطی را برای ما بوجود آورد. خوب، صنعت مان را کد بود، صدمه دیده بود، بالاخره یک وزیر صنایع آمده اینها را راه اندازی کرده، رشدهم حالا (۲۰٪) بوده و ان شاء الله ادامه پیدا بکند و این نواقصی که گاهی مشاهده میشود، اینها برطرف بشود. بعضی ها نمایشگاهها را نقطه ضعف گذاشتند. بالاخره ما یا باید زمینه ای برای بروز خلاقیت مردمان فراهم بکنیم. صنعت مان را به دیگران بشناسانیم، دیگران را به کشورمان جذب کنیم که بیایند و امکاناتشان را ارائه بدهند یا امکان ارتباط برقرار بشود. خوب، نمایشگاهها هست، حالا کشاورزی میتواند باشد، صنعت میتواند باشد، نمایشگاه هم خرج دارد. ولی یک وقت است که شما میگوئید فلان وزیر خیلی ریخت و پاش دارد ولی من این قول را میدهم که آقای نعمت زاده ریخت و پاشی در این زمینه ها ندارد، برای اینکه حساب مال دولت را مثل حساب زندگی شخصی اش همیشه داشته است. بعضی از جنبه هایی که ما در امر صنعت پیشرفت داشتیم، برادرمان گفتند. مسأله صنایع تبدیلی. همیشه ما می نالیدیم که صنایع تبدیلی در کشور نیست این سه، چهار سال تفاوت پیدا شده، الان ما از نظر صنایع شیر، از نظر صنایع بسته بندی، کمپوت سازی، میوه و تبدیل های دیگر، قدمهایی را برداشتیم البته خواسته خود من (قبلاً خدمت ایشان عرض کردم)، واقعاً خیلی بیشتر از زمینه است که ما روی صنایع تبدیلی مان کار بکنیم و زمینه احیای کشاورزی را فراهم بکنیم حالا اگر کشاورزی محور قرار گرفت، ایشان هم مجبور میشود که طبق آن محور بیشتر نسبت به صنایع تبدیلی حرکت بکند.

کارخانه ای را ما بازدید کردیم سوچ سازی بود. مربوط به صنایع است. خوب (۱۰۸۰۰) واحد سوچ را میسازد که قبلاً نظیر نداشته و این میتواند زمینه های بهتری را در آینده داشته باشد. ساخت P.C در داخل کشور، راهنمایی هایی که بوجود میاید یا اینکه هسته هایی که برای مشاورت و بنیاد صنعت و راهنمایی بوجود آوردن باز خیلی میتواند مؤثر باشد. بود سازی که در حقیقت از نظر مواد اولیه اش هم حتی خود کفا داریم میشویم و بسیاری از صنایع دیگری که متناسب با امکانات ممکن هست. اگر من هم بجای آقای نعمت زاده بودم فکر میکردم که اگر امکانات خیلی بیشتر بود، من خیلی بیشتر میتوانستم کار بکنم. ولی چون امکانات کشور کم هست، وقتی ما میخواهیم قضاوت بکنیم در رابطه با کارآیی یک وزیر، باید مجموعه شرایط را ببینیم. (نایب رئیس - وقتان تمام است) بنابراین نظرم این است که چون ثبات مدیریت هم خودش یک عامل بسیار مهم در مواجه شدن با پیچیدگیها هست و ما هم تجربه خوبی از بعضی از تغییر مدیریت ها نداشتیم، قطعاً آقای مهندس نعمت زاده اگر رأی بیاورند، بهتر میتوانند کارایی داشته باشند تا اینکه ما یک وزیر جدیدی را بادوسه سال زمینه آشنا شدن خواسته باشیم بکار بگذاریم که مشکلات کشور نمیتواند این قدر تحمل داشته باشد که ما دوباره این مسأله را در کشور بوجود بیاوریم. البته اگر نقاط ضعفی بوده، خود آقای مهندس نعمت زاده اشاره خواهند فرمود و ما هم امیدواریم بعنوان موافق که اگر نقاط ضعفی بوده در آینده اینها جبران بشود. اگر کسانی را در رأس بعضی از مسؤولیتهای گذشته که مورد اعتراض مجلس بوده، حالا موارد معدود، خوب تصمیم گیری میشود و ان شاء الله با یک قوت بیشتری حرکت را ادامه خواهند داد.

۵- تذکر آیین نامه ای آقای علی یوسف پور نماینده محترم اردل

یوسف پور - اخطار آیین نامه ای دارم.

نایب رئیس - آقای یوسف پور اخطار آیین نامه ای دارند بفرمایند.

علی یوسف پور - بسم الله الرحمن الرحيم

ماده ۱۴۶ - هر نماینده ای میتواند راجع به مسایل داخلی کشور از وزیر

سؤال نماید.

طبق قانون اساسی باید سؤال ده روزه در صحن مجلس بیاید اینجانب مدت (۲۳) روز است که از وزیر معادن و فلزات در کمیسیون صنایع سؤال کردم، متأسفانه برادران کمیسیون صنایع با اینکه هفته اول هم برنامه ای در کار نبود، در دستور نیاوردند حالا برنامه دو هفته هم که باشد، یک ساعت بشود رسیدگی

ولایت فقیه و انقلاب و مصالح نظام و کشور است، ما از جهات مختلف خودمان را در یک مسیر و یکسان می بینیم. ما از ایشان انتظار داشتیم که در رابطه با وزیری که می خواهد معرفی کند، لااقل غیررسمی، غیرعلنی در حد یک مشورت مسلمانی و برادرانه ای که یک مسلمانی با یک مسلمانی مشورت می کند از ما نظرخواهی بکند. یعنی ما که می خواهیم رأی اعتماد بدهیم نظر مشورتی ما به اندازه وزیری محترم در این زمینه نبود؟ این گله بنظر می آید یک گله حقی است. یعنی اگر هر کسی انصاف بدهد این واقعاً خواسته و انتظاردرستی است که نمایندگان از رئیس جمهور محترم خودشان داشته باشند. خیلی خوب، حالا این کار را نکردند و بهیچوجه هم ما ایشان (جناب آقای رئیس جمهور) را از این جهت ملامت نمی کنیم که چرا مشورت نکردید. البته یک انتظار برادرانه، دوستانه از ایشان داشتیم بعنوان نماینده مجلس، اما، خوب، ایشان عمل نکردند. اما ما هم باید بوظیفه خودمان عمل بکنیم. یعنی وقتی که قبلاً هیچگونه گفتگویی، مشاوره ای، نظرخواهی ولو غیررسمی نشده است و وزیر محترمی را ایشان معرفی کرده اند، بنابراین نمایندگان هم حق دارند که در رابطه با وزیر محترمی که معرفی شده است، به وظیفه خودشان عمل کنند.

(سید محمود دعائی - با شعار حمایت از آقای هاشمی، ایشان فکر کردند قبول دارید)

شما وقت بگیرید رسماً از تریبون صحبت کنید من هم رسماً جوابتان را بدهم. در ارتباط با این مسأله باید این نکته را توجه داشت که ما در برابر مردم و مشکل تورم و گرانی که امروز در جامعه ایجاد شده و همه نمایندگان با این مسأله برخورد و تماس از نزدیک دارند. حتی اگر ما با مردم هم تماس نداشتیم بالاخره ما بعنوان یک فرد از احاد این ملت، ما هم بالاخره خانواده ای داریم، مراجعه به مغازه می کنیم، جنس می خریم، می بینیم که لوازم التحریر مثلاً قبل از سال (۷۳) چند بوده بهار سال (۷۳) چند شده، پائیز سال (۷۳) به چند رسیده است؟! ما این مقدار را بعنوان یک فرد در یک خانه که بالاخره مسؤول تأمین معاش خانواده خودمان هستیم اگر با هیچ کس هم در تماس نباشیم، دقیقاً این نرخها و این جنسها و این کالاها و مواد خوراکی، لوازم التحریر، سیمان و مسایل دیگر را میدانیم و بالا تر از این، وزیری محترم مربوطه را ما در جلسات غیر رسمی غیرعلنی، یعنی جلسات دوستانه سه جلسه دعوت کردیم با حضور رئیس محترم مجلس یا نایب رئیس محترم مجلس و نمایندگان، مطالبی که داشتند، در رابطه با گرانی افسار گسیخته بی نظم، بی ضابطه و قاعده، حرف مردم را بیان کردند اما ما دیدیم که هر کدام از وزراء که آمدند جواب قانع کننده ای نداشتند. نه آقای وزیر بازرگانی، نه آقای وزیر اقتصاد، نه آقای وزیر صنایع جناب آقای نعمت زاده که جزو کسانی بودند که در آن جلسات شرکت داشتند و در رابطه با گرانی کالاها عموماً و کالاها مربوط به سیستم ایشان خصوصاً، مواردی بیان شد، سؤال شد. ولی در عین حال هیچگونه جواب قانع کننده ای نداشتند. اگر قرار باشد مثلاً وزیر محترم بازرگانی بگوید که تقصیر من نیست، چون به موقع بانک مرکزی گشایش اعتبار نکرد، بعد وزیر محترم وزارت صنایع همین جا آمد گفت مسأله نرخ و نرخ گذاری و کنترل نرخها وظیفه ما نیست، مربوط به وزارت بازرگانی است. اینکه نشد، خیلی ساده است. ما میدانیم چند تا وزارتخانه داریم و هر وزارتخانه هم یک وظایف خاص خودش را دارد، اما در عین حال تمام وزراء یک خانواده هستند، اعضای یک خانواده هستند و این خانواده دولت و هیأت محترم وزیران مسؤول اداره کشورند. قانون اساسی هم همین را میگوید. اینکه در اینجا گفته بشود که مثلاً به ما مربوط نیست، اینها درست نیست.

در رابطه با سیمان من باید این نکته را عرض کنم که جناب آقای زالی متأسفانه مطالبی را گفتند که همواره گفتند بلی این اشکالات هست، این مشکلات هست ولی مربوط به آقای نعمت زاده نیست. دقیقاً مورد سیمان از موارد «اظهار من الشمس» است که گران کردن و گران شدنش مربوط به ایشان میشود (نایب - رئیس - آقای موحدی! وقت تان تمام است) در رابطه با سیمان شورای اقتصاد اختیار داده به یک شورای دیگری به یک هیأتی مثلاً که اینها بنشینند تصمیم گیری کنند (که وزیر صنایع بوده سازمان حمایت هم بوده) آن هیأت هیچگونه تصمیمی راجع به گرانی سیمان نگرفت. بر طبق مدارکی که در اینجا وجود دارد، تمام دستور العمل های گران کردن سیمان مربوط میشود به آقای عباس خلیج مدیر عامل شرکت سهامی عام سیمان فارس و خوزستان که چندین کارخانه سیمان

را شامل است، آقای صفا کیش مدیر کل صنایع کانی فلزی وزارت صنایع (نایب - رئیس - آقای موحدی! شما یک دقیقه بیشتر از وقت تان صحبت کردید) ۲- ۳- مورد دیگر مثل آقای حسین ناجی معاون صنعتی و بهره وری که ۳۶۰۰ تومان هرتن سیمان بشود ۴ هزار تومان، بعد بشود ۶ هزار تومان، بعد بشود ۹ هزار تومان، تمام اینها دستور العمل های آقایان است و همین طور بگوئیم شورای اقتصاد ... بفرض هم اگر شورای اقتصاد بود باز هم اگر وزیر پیشنهاد ندهد، دفاع نکند، تصویب نمیشود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نایب رئیس - متشکر، موافق بعدی را دعوت بفرمائید.
منشی (با هنر) - آقای روح بخش مهربانی بفرمائید.
محمود روح بخش مهربانی - بسم الله الرحمن الرحیم
من فکر میکنم که اگر اول خودم را معرفی کنم شاید بهتر باشد، به لحاظ اینکه در تجربه ای که داشتم دیدم در رأی گیری هایی که بنایش افکار سیاسی است و رأی گیری سیاسی میشود، ما همیشه برای تحقق برنامه های اقتصادی مان (به ویژه) ضربه خورده ایم. بنابراین خودم را عمدتاً نماینده سرمایه گذاران کشور میدانم، در بخش خصوصی رشد کرده ام و عرایضی را هم که تقدیم می کنم خدمت تان، عمدتاً بحث عمده بخش خصوصی نظام است.

اینکه امروز مخالفین از تندخوئی وزیری صحبت می کنند، جز اینکه کلاس مجلس و کلاس وزیر و کلاس بحث را پائین می آورند، حرفی نیست، ولی سرمایه گذاران و صنعتگران کشور این جور فکر می کنند که برخورد تند یک وزیر برای صنایع کشور، میتواند نقش عشق باشد در سینه صنعت، نه نقاط ضعف آن. در نظام ما به ویژه نظام اداری ما که هر کسی در جای خود به صورت استاندارد کار نمی کند... حتی من خاطر هست آقای دکتر حبیبی در تبریز ساعت کار پرسنل دولت را با پرسنل بخش خصوصی مقایسه کردند. با این نیروی انسانی که خدمتگزار بخش دولت است می بایست با این بد اخلاقی رفتار کرد. پس این نتیجه مثبتی است و عشقی است بر سینه صنعت. امروز ما باید بینیم برنامه ریزی اقتصادی مان چیست، جایگاه صنعت تولید کجای آن قرار دارد و وزیر ما چقدر توانائی دارد و چقدر امکانات در اختیارش هست تا بتواند این اهداف را تحقق ببخشد. اگر بحث استراتژی صنعتی و تولیدی می کنیم، باید برگردیم و مجموعه کلان تر از آن رایج بار بینیم. اگر درجائی نقطه ضعف است بینیم عیب از مجموعه کلان اجرائی کشور است یا عیب از خرج شروع میشود. من در کمیسیون اصل (۹۰) بخش عمرانی فنی هستم و در پرونده اکثر سؤال هایی که از وزراء شده بعنوان مسؤول بررسی کرده ام، متأسفانه در کشور بخش نگری غالب بر کلان نگری کشور است و اگر شما معایبی را می بینید، اگر فکر می کنید که سیمان که گران شده بخاطر این است که وزیر صنایع خوب عمل نکرده، این بخاطر این است که وزیر بازرگانی بخش نگر فکر کرده یا وزیری دیگر درجای خودش بخش نگری کرده اند. در حال می پردازم به مسائلی که مربوط به استراتژی کلان است و وزیر جدید میتواند به اینها تحقق بدهد. استراتژی در صنعت تولید در نهایت باید به این دستاورد برسد، قادر باشد ارزش افزوده زیاد شود، قادر باشد با امکانات کمتر، با دانش فنی بیشتر، با تکنولوژی بهتر، قیمت تمام شده را پائین بیاورد. استراتژی وزیر صنایع نمیتواند این باشد که کنترل قیمت کند و کاهش قیمت تمام شده در تولید هست که میتواند نجات بخش این مشکلات باشد. خوب، حالا بینیم اینها از کجانشی میشود. من یک مثال زنده ای از این می زنم. ما در کشور ۲۵۰ روز کاری داریم، بخش خصوصی آن وزیری را می طلبد که با این ۲۵۰ روز مبارزه کند، بیاید این ۲۵۰ روز کاری را برساند به ۳۰۰ روز کاری، چون یک ششم از سرمایه های صنعتی و تولیدی کشور در ازای این تعطیلات از رکود استفاده می کنند و ما قیمت تمام شده مان خود بخود بالا میرود. وزیر صنایع اگر بتواند با برخورد های خودش بستر و امنیت سرمایه گذاری را بیشتر کند، توانسته نقش خودش را خوب انجام بدهد. اگر بتواند نسبت افزایش تولید و سرمایه گذاری در کالای واسطه ای را به کالای مصرفی بیشتر کند، خوب عمل کرده است. اگر بتواند از تولید کننده، صادر کننده با ایجاد مکانیزم بیمه های خاص حمایت کند و جلوگیری از ارز را بگیرد و ارز وارد کشور کند، خوب عمل کرده است. متأسفانه مخالفین محترم هم در مخالفت شان بخش نگری کردند، یعنی همان اشتباهی را کردند که بخش اجرائی کشور می کند، پای شان را به جای پای دولت گذاشتند.

در بحث سیمان من وظایف وزارت صنایع را در رابطه با سیمان عرض کنم.

شما هیچ موافقت اصولی را نمیتوانید پیدا کنید که با ۵ میلیارد تومان سرمایه - گذاری صادر شده باشد. مخالفین فرمودند از ۲۰ سال پیش یک مورد سیمان شروع شده و از ۱۰ - ۱۵ سال پیش هم همین طور است. اگر شما طرح های توجیه دار را بخوانید همه اش نزدیک به یک میلیارد تومان است. اگر امروز این تبدیل ۵ میلیارد تومان شود، بانک های عامل توان پرداخت تسهیلات و مشارکت های مدنی این را ندارند که بدهند، خوب، مسلم این به کلیه بخش - اجرائی برسی گردد. اگر در سیستم بانکی تکلیف میشود که این عدد چند صد میلیارد ریالی به این پروژه خاص داده شود و پروژه سیمان می ماند و زمان بندی اش نمیتواند در عمل اجراء بشود، اینکه به وزیر صنایع برنمیگردد. این برمیگردد به آنجائی که مسؤولین اقتصادی کشور از نظر علمی توانائی ندارند در برابر این تکلیف های تحمیلی بایستند و شعاع و ترکش این، خود بخود وزارت صنایع را میگیرد. برای اینکه یک موافقت اصولی در صنعت صادر شود، اولین برخورد کارشناسی یک کارشناس (نه وزیر) این است که یک کارشناس در وزارت صنایع به این فکر می افتد که آیا این متقاضی صاحب انگیزه سرمایه گذاری هست؟ خود صاحب دانش است و یا میتواند دانش بخرد بیاورد برای اجرای این پروژه اش؟ این پروژه توجیه اقتصادی دارد؟ بانک ها توانائی شان برای پرداخت وام برای این درجه حدی است؟ زمان بندی تولیدی اش علمی است؟ نیروی انسانی برایش قابل تأمین است؟ و دلایل دیگری که ... بعد این پروژه جانمائی میشود که مثلاً در اردیبهشت بوجود بیاید کارشناس محاسبه می کند که قیمت تمام شده این سیمان این عدد است، سودش این عدد خواهد شد و این قدر ارزش افزوده و نقش های غیر مستقیمی که دارد، همه اینها را بررسی می کند، می گوید موافقت اصولی میدهم و تمام این موافقت اصولی ها هم برای یک سیمان ۲ هزار تنی نزدیک به یک میلیارد تومان بوده است. من بحث سیمانی را که تا به این لحظه شده، به عنوان یک نقطه ضعف برای مجلس شورای اسلامی میدانم. ما باید از مسؤولین صنعتی مان تشکر کنیم که توانسته اند در بین سرمایه گذاران، سرمایه گذار و سرمایه دار را تعریف کنند که عمدتاً آقای مهندس نعمت زاده این کار را در بحث ها، چه در مطبوعات و روزنامه ها کرده است. ایشان بایر خورد های شان با کسانی که سرمایه گذاری کرده اند و کارخانه درست کرده اند برای جامعه تعریف کرده که در نظام، سرمایه دار کیست، سرمایه گذار کیست، ولی متأسفانه هنوز در مجلس، ما خودمان به این تعریف نرسیده ایم، برای همین فکری کنیم اگر کارخانجات را ما به مدیر آن کارخانه می فروشیم، این را فروخته ایم به یک سرمایه دار، در صورتی که همان مدیر آن کارخانه صادق به نظام بوده، خدمتگزار سیستم بوده، ۱۰ سال برای نظام زحمت کشیده، میتواند مثل مابقی بخش خصوصی در سال ۶۲ بیاید و ارز دولتی هم مصرف کنند. ایشان مانده، خدمتگزار بوده و حال، کسی بوده که به آن دانش و تکنولوژی دست داشته و دعوت شده در مذاکره، ایشان دلایلی را که میتواند موفقیت را بیشتر کند نسبت به دیگران، بیشتر از همه داشته است. خوب، اگر ما می آمدیم این را به یک سرمایه داری می فروختیم و آن سرمایه دار این کارخانجات را به شکل شرکت سهامی عام میکرد و در جامعه به مردم می فروخت و پول هایش را تبدیل به ارز میکرد و از کشور خارج میکرد، طبیعی بود که خلاف بود. ولی اینکه یک کارخانه را به متخصص می فروشند که خطا نیست، تازه هنر است و اما برگردیم به اینکه اصلاً چرا این کارخانه ها را می فروشند؟ معایب این کارخانه ها چیست که همکاران ما فکری کنند که فروش این کارخانه ها به مردم و جانبازان هنر بوده؟ من حالا توضیح میدهم که این کارخانه ها که دولت می فروشد معایبش چیست. اکثر این کارخانه ها قبل از سال ۶۵ به تولید رسیده اند، عمر تکنولوژی و دانش فنی در کره زمین الان پنج ساله است. یعنی ماشین آلات و امکانات که در این کارخانه ها وجود دارد از نظر عمر نزدیک به استهلاک و نزدیک به این هست که عمرش تمام شود و از نظر تکنولوژی اکثراً نسبت به تکنولوژی و دانش جدید عقب تر هستند. نیروی انسانی غیر استاندارد (از نظر تعداد) در این کارخانه ها وجود دارد. قیمت تمام شده این کارخانجات عمدتاً بالا بوده و در وهله اول بررسی قیمت اینها زیان ده بوده اند و اینکه در قیمت گذاری می بینند یک کارخانه ای سود نمیدهد، این کار عمدی نیست، این کار طبیعی است، این کاری است که اتفاق افتاده، این تفاوت بین بخش خصوصی و بخش دولتی هست. مثال زنده اش کارخانه تراکتور سازی تبریز است که نیروی انسانی اش حدود ۶۸۰۰ نفر است که همان را اگر به بخش خصوصی بفروشند با ۳ هزار نفر اداره می کنند

و همه پرس و ماشین آلات و غیره اش هم مربوط به حدود ۱۰ یا ۱۵ سال پیش است. بنابراین، اینکه ما بیائیم یک کارخانه فرسوده ای را، یک کارخانه ای را که ۱۰ سال دیگر نمیتواند با دنیا رقابت کند، به این روش به مدیران آنها می فروشیم، دقیقاً یک سیاست صحیحی بوده که این مدیر قدیمی بتواند این تشکیلات را اداره کند و این نمیتواند یک نقطه ضعف به حساب بیاید. در چند سال گذشته و سال جاری هم که در آن هستیم تولید کنندگان ایرانی در حدود ۳۰ نمایشگاه بین المللی شرکت دارند، یعنی در ۳۰ نمایشگاه بین المللی، پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی، صدور انقلاب می کنند، انقلاب در تولید، انقلاب در صنعت می کند. وقتی ما قادر بشویم در نمایشگاه لندن، توکیو، مونیخ، سن شرکت کنیم و قادر شدیم پرچم عزیز ایران را بلند کنیم در کنار پرچم آمریکا، این مبارزه اصلی صنعتگر است، این مبارزه اصلی آن کارگری هست که با عشق و علاقه، بدون تحصیلات دانشگاهی، بدون سیاست بازی، بدون سیاستمداری، به نظام و انقلاب وفادار است (نایب رئیس - وقت نان تمام است) من تشکر می کنم از فرصتی که پیش آمد و بهر حال این فرصت را قانون به من داد، ولی خواهش من این است که به صنعت فکر کنید و بیائید این رأی مان را رأی تخصصی بدهیم، تجربه هم کرده ام، وزرائی که عوض شده اند، وزرای جدید نتوانسته اند آن جور که انتظار مجلس بود، عمل کنند. والسلام

نایب رئیس - متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمائید.

منشی (با هنر) - آقای مرحبا بفرمائید.

شاپور مرحبا - بسم الله الرحمن الرحيم

رب اشرح لی صدری * ویسرلی امری * واحلل عقدة من لسانی * یفقهوا قولی. همکار عزیزمان جناب آقای روح بخش در خصوص شرکت ها و فروش کارخانجات به بخش دولتی صحبت کردند و لازم دانستم که در این خصوص صحبتی خدمت عزیزان داشته باشیم.

اولاً، ما در تاریخ ۷۳/۵/۹ از وزیر محترم صنایع سؤال کردیم (در خصوص فروش کارخانجات دولتی به بخش خصوصی) و در تاریخ ۷۳/۵/۱۲ نیز ابلاغ شده بود که هنوز هم ایشان به عللی در مجلس حاضر نشدند که به سؤالات اینجانب پاسخ دهند. در صورتیکه طبق ماده (۱۴۷) آئین نامه داخلی و بر طبق اصل (۸۸) قانون اساسی، وزیر محترم مورد سؤال، مکلف است حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ سؤال در مجلس حضور یافته و پاسخ دهد والا از طرف رئیس مجلس بازخواست میشود، مگر در مواردی که وزیر رسماً تقاضای تأخیر نموده و پس از صحبت یک مخالف و یک موافق (هر کدام ۵ دقیقه) در این مورد رأی گیری به عمل خواهد آمد.

آنچه که امروز موجب شده است که بنده وقت نمایندگان محترم را بگیرم و به عنوان مخالف صحبت کنم، وضع اسف بار شرکتهای دولتی و کارخانجات است که به علت سوء مدیریت و سوء استفاده از مدیریت و عدم برخورد با مدیران متخلف و تخلف آشکار و نهان آنان، بجائی رسیده است که امروز چوب حراج بر آنها فرود آمده است. البته بنده در تقوا و تدین و تعهد وزیر محترم صنایع جناب آقای مهندس نعمت زاده تردیدی ندارم و حتی در دلسوزی ایشان به انقلاب که ریاست محترم جمهور هم فرمودند. اما مردم خیلی ساده می پرسند چرا باید کارخانه هایی که همه ابزار و امکانات سوددهی را داشته، امروز با زیان انباشته و گاهی چندین برابر سرمایه خود مواجه هستند؟ سؤال و خواسته اینجانب بر این مبنا نیست که چرا کارخانجات دولتی به بخش خصوصی واگذار میشود، این واگذاری ها بر اساس مصوبات مجلس محترم و هیأت محترم وزیران است و خود نیز از طرفداران فعال نمودن بخش خصوصی در تولید هستیم. اعتراض و سؤال و مخالفت من به شیوه واگذاری و عدم رسیدگی به تخلفات و خطاهائی است که مدیران بی توجه، سهل انگار و سوء استفاده گراست که موجب از بین رفتن سرمایه این ملت شده اند و حال خود این مدیران مشتری همین کارخانه ها هستند که چندین کارخانه هم به همین مدیران واگذار شده است. ما به جای استفاده از امکانات و واگذاری از طریق بورس که ریاست محترم جمهور بعنوان بهترین شیوه واگذاری از طرف دولت، بیان داشتند، بدون توجه به اینکه خریداران این کارخانجات اغلب و یا بعضاً همان مدیران متخلف و ایادی آنان هستند که کارخانه هایی را که خود به روز سیاه انداخته اند به ثمن بخش خریداری می کنند، کارخانه ها را دو دستی تقدیم آنها می کنیم، بدون آنکه صرفه و صلاح دولت از نظر شیوه واگذاری در نظر گرفته شود. نمونه آن را در

استان گیلان عرض می‌کنم که به عنوان مثال :

- ۱ - کارخانه نازپوش انزلی
- ۲ - کارخانه شرکت تندرشت
- ۳ - واگذاری چوب‌بری اسالم

که اگر به شیخ ماجرا بیشتر پرداخته شود قطعاً نمایندگان محترم متأثر خواهند شد و بدتر از آن، عدم تعقیب مدیرانی است که چه در گذشته و چه در حال این وضعیت مصیبت‌بار را عالماً و عامداً به سر این کارخانه آورده‌اند و مدیر فعلی جزو حلقه زنجیره‌ای است که به شکل هیأت مدیره دائماً جای خود را به دیگری داده و در این دایره به تاراج اسواال شرکت پرداخته‌اند، بدون آنکه کمترین بیعی از تعقیب و مجازات داشته باشند و حال خریداران کارخانه هستند. سؤالی که از وزیر محترم صنایع شده بود این بود که تاکنون چند کارخانه از طرف وزارت و با چه قیمتی و با چه شرایطی به بخش خصوصی واگذار شده است؟ با توجه به اینکه کارخانه اسالم در خاورمیانه نمونه و منحصر بفرد از نوع خود است و هیچگونه ارزیابی از نظر مسواد اولیه نداشته و این امتیاز فوق‌العاده را دارد که مسواد اولیه در اطراف خود کارخانه است، علت ضرردهی بسیار سنگین آن چه بوده است؟ صرفنظر از ارزش واقعی خود کارخانه و تأسیسات، ماشین‌آلات، اراضی و املاک کارخانه، با توجه به اینکه طبق مدارک، هزینه بسیار بالائی برای احداث کارگاه و محوطه خارجی و داخلی کارخانه نئوپان و ماشین‌آلات بسیار مدرن آن، صورت گرفته، علت پایه‌گذاری بهای اولیه کارخانه در آن حد نازل که در آگهی فروش، مندرج است چه می‌باشد؟

سؤال چهارم - با توجه به علم مدیریت جدید که مدیر از عوامل لاینفک کارخانه در امر تولید است، اعلام فرمایند آقای مدیر عامل اسالم در ماه چند روز در کارخانه حضور داشته‌اند؟ هدف اصلی احداث این کارخانه اشتغالزائی در منطقه بوده و بهره‌وری چند منظوره در آن ملحوظ شده بود، حال با روند فعلی عملکرد وزارت صنایع در مورد بیش از ۵۰۰ کارگر مسلمان و زحمتکش چه خواهد بود؟ کارخانه چوب‌بری اسالم خانه‌های سازمانی متعددی را با هدف اسکان کارگران و کارمندان احداث کرده بود، حال چند درصد از منازل سازمانی در اختیار این گروه است؟

نمایندگان محترم استحضار دارند حدوداً ۱۳۸ واحد کارخانجات دولتی به بخش خصوصی واگذار شده است و از طریق بورس کمتر استفاده شده، در صورتیکه فروش کارخانجات به دو شکل بیشتر نبوده، یا عرضه در بورس، یا فروش آن به قیمت کارشناسی، در حالیکه متأسفانه تاکنون کمتر یکی از این دو شیوه مورد عمل بوده و واگذاری بیشتر از طریق مذاکره و با صطلاح چانه‌زنی صورت گرفته است. روشن است در چنین شرایطی آنچه به حساب نیامده است ارزش واقعی کارخانجات بوده است. کارخانه نازپوش انزلی که معروف‌ترین کارخانه است حدود ۳۰۰ میلیون تومان واگذار شده است. کارخانه تندرشت که تولیدکننده لوازم برقی اتومبیل است حدود ۶۰۰ میلیون تومان (بیش از ۱۰ هکتار زمین)، در شهرک صنعتی علاوه بر سالن تولید و تأسیسات جمععی و ماشین‌آلات کاملاً مدرن و مجهز که حتی بعضی از قطعات و ماشین‌آلات از جعبه هم باز نشده‌اند.

تولید شرکت صنایع چوب اسالم تحت پوشش صنایع ملی ایران که از نوع خود در خاورمیانه منحصر به فرد است، چوب‌آلات صنعتی، الوار، تراورس راه آهن، دونل و اشان تخته و چوب‌آلات ساختمانی، مبلمان منزل و لوازم اداری و سایر اشیاء پیش ساخته، که هدف از تأسیس و احداث شرکت در منطقه، بهره‌برداری و بهره‌وری صحیح و اصولی از جنگل‌های منطقه تالش و تاسین چوب‌آلات صنعتی مورد نیاز کشور و جلوگیری از تخریب بی‌رویه منابع ملی عظیم در این منطقه و همچنین موجب ایجاد اشتغال سالم در این منطقه محروم روستائی بوده و از مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها جلوگیری نمایند.

براساس مصوبه مورخه ۱۹/۱۲/۷۰ کمیسیون مالی و فنی شورای سازمان صنایع ملی ایران، سرمایه شرکت را از ۳۰۰ میلیون ریال به دو میلیارد ریال افزایش داده که توسط سازمان صنایع ملی به شرکت پرداخت کرده که این مبلغ صرف احداث ابنیه... (من اینها را مثال می‌زنم که شما ببینید آگهی‌فروشی که برای این کارخانجات منظور شده، حتی این مبلغ، ارزش زمینش هم نیست، ارزش زمینش بیش از قیمت پایه است که برای این منظور شده است). شما ببینید! در سال ۷۲ همین کارخانه چوب‌بری اسالم حدود ۲۳۰ میلیون تومان

براساس گزارش حسابرسی کل کشور ضررده نشان داده شده، یعنی اگر کارخانه تعطیل میشد و کارگران در خانه خودشان می‌ماندند و سهم کارگر و کارفرما را در پاکت می‌گذاشتند و برایشان می‌فرستادند، میشد ۱۵۰ میلیون تومان که اخیراً هم بخاطر ضررده نشان دادن این کارخانه، ۶ سکه بهار آزادی به این مدیر و سایر هیأت مدیره داده می‌شود.

پروژه‌هائیی که در اینجا ساخته شده عبارت است از: بهسازی کل کارخانه که انجام شده، آسفالت و بتون‌ریزی کل محوطه داخلی شرکت، ساخت و توسعه ابنیه واحد سبیل‌سازی و جایگزین و تکمیل ماشین‌آلات مدرن و ایجاد خط تولید صفحه که قسمت اول آن انجام شده و پروژه کارخانه تولید نئوپان و نئوپان روکش شده با ظرفیت ۲۰۰ متر مکعب که تاکنون بالغ بر ۳۰۰ میلیون هزینه شده و امروز شاهد واگذاری این کارخانجات با قیمت پایه (۴) میلیارد و (۸۷۲) میلیون و (۷۵۰) هزار ریال هستیم و با در نظر گرفتن سهام کارگران کلاً حدود ۷۰۰ میلیون تومان می‌شود. حتماً آقای وزیر خواهند گفت که ایسن مبلغ نیز اصلاح شده است. آنچه را که در آگهی مزایده است، بنده عرض می‌کنم و بقیه توجیه کردن است.

کل دارایی شرکت به ارزش دفتری (۳) میلیارد ریال تعیین شده در صورت تجدید ارزیابی بیش از (۳۰) میلیارد ریال خواهد بود. یعنی چنانچه دولت اکنون بخواهد کارخانه شباهی احداث نماید، حداقل به مبلغی در حدود (۳۰۰) میلیارد ریال نیازمند است. (۳۰۰) میلیون تومان در سال ۶۸، برای ساختمان و محوطه‌سازی هزینه شده و برای کارخانه نئوپان هم حدود (۳۰) میلیون تومان، بیش از (۲۵) هزار قطعه لوازم یدکی در انبار شرکت به قیمت یک ریال به ثبت رسیده و همچنین اسواالی نظیر مهمانسرا، لودر، ژنراتور برق و بسیاری از ماشین‌آلات سبک و سنگین و از جمله اره نواری و غیره که در قسمت برش کاری نجارخانه نصب گردیده، در حال حاضر برای تولید اشیاء و چوب‌آلات از آنها استفاده می‌گردد، در دفاتر شرکت ثبت نگردیده و جزء اسواال محسوب نمی‌شود (براساس گزارش ۲۶ تیر ماه ۱۳۷۳ سازمان حسابرسی کل کشور). ارزش منطقه‌ای این زمین بیش از این مبلغی است که در آگهی فروش منظور شده. مدیر عاملی که قبلاً (۶۰) میلیون تومان حیف و میل کرده هیچگونه برخوردی با او نشده، مدیر بعدی آمده (۴۰) میلیون تومان حیف و میل کرده هیچ برخوردی نشده، مدیر بعدی که جزو همان حلقه زنجیره‌ای بوده هیچ برخوردی با آنها نشده. برادر عزیزمان جناب آقای روحبخش در خصوص این فروش کارخانجات به متخصصین اشاره کردند، ما مخالف فروش کارخانجات به متخصص نیستیم. فروش کارخانجات به آن افرادی که متخلف هستند و خلاف نهان و آشکار آنها برای دستگاه اجرایی هم مشخص است، برای خود اینها هم مشخص است چطور می‌شود همین مدیری که کارخانه را ضررده معرفی کرده و سواد اولیه هم در کنار همین کارخانه واقع است دوباره دو دستی به خود آنها تقدیم بکنیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نایب رئیس - تا موافق بعدی صحبت کند عرض کنم که بعضی از نمایندگان نامه‌ای نوشته‌اند و کفایت مذاکرات را مطرح کرده‌اند.

نوشته‌اند چون مباحث دیگر تکراری است تقاضای کفایت مذاکرات را کرده‌اند. البته من تردید دارم که از لحاظ آیین‌نامه‌ها می‌توانیم کفایت مذاکرات را مطرح کنیم یا نه، البته به‌طور مشخص در آیین‌نامه نیامده که ما در این گونه موارد می‌توانیم تقاضای کفایت مذاکرات را بپذیریم و مجلس رأی بدهد یا نه، روشن نیست. البته در یک مقطعی شاید در مجلس سوم یکبار نظرخواهی شده بوده در آن زمان گفته شده بود که مواردی که وقت مشخص در آیین‌نامه دقیقاً مشخص شده در آنجا ما نمی‌توانیم کفایت مذاکرات داشته باشیم و اکثر موارد هم خوب وقت مشخص شده. البته وقت به صورت حداکثر است ولی خوب به‌رحال وقتی مشخص شده. البته آن رأی مجلس است مگر اینکه این جلسه مثلاً نمایندگان رأی بدهند به اینکه ما می‌توانیم اینگونه موارد را کفایت مذاکرات داشته باشیم. حالا اگر راجع به آیین‌نامه کسی بحثی دارد می‌تواند مطرح کند و یکی دو نفر صحبت کنند، ببینیم ما راهی در اینگونه موارد داریم بعد در این مورد که مسأله رأی اعتماد وزیر مطرح است، از نمایندگان نظرخواهی کنیم. آیا ما می‌توانیم از همه وقت استفاده نکنیم و کفایت مذاکرات را بپذیریم؟ اگر مجلس اصل آن را قبول کرد آنوقت این پیشنهاد را بحث می‌کنیم، مخالف و موافق صحبت می‌کنند بعد رأی می‌گذاریم. پس ما در دو مرحله وارد بحث می‌شویم: اول

مطرح کرده‌اند، مخالف و موافق بحث کرده‌اند و رأی‌گیری شد. اگر مجلس رأی داد، دست ما بسته باشد. والا پس اصلاً کفایت مذاکرات کجاست؟ در هیچ جا ما نمی‌توانیم مطرح کنیم یعنی اصلاً مورد ندارد.

سوحدی ساوجی - هر موردی که ذکر شده می‌شود، هیچ کجا ذکر نشده نمی‌شود. بهرحال آیین‌نامه می‌خواهد.

نایب رئیس - کدام مورد ذکر شده شما بگوئید کدام مورد است؟ پس چرا اصلاً عنوان کفایت مذاکرات آمده؟ چرا یکبار رأی‌گیری شده؟! ببینید! می‌گویم در مجلس سوم همین بحث مطرح شده و نظر خواهی شده مجلس رأی داده معلوم است که بهرحال قابل بحث بوده والا مجلس می‌گفت اصلاً قابل بحث نیست چرا بحث می‌کنید؟! خیلی خوب حالا بحث کنید ببینیم به کجا می‌رسیم.

آقای مهندس باهنر جناب عالی بفرمائید.

محمدرضا باهنر - بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر روحانی مدیر محترم مجلس مسأله را مطرح فرمودند ما در هر صورت معتقدیم که اولاً اینکه سرفصلی به نام کفایت مذاکرات در آیین‌نامه آمده و حداقل سه ماده آیین‌نامه به کفایت مذاکرات اشاره کرده. یکی در ماده (۷۸) گفته موقعی که خواستید کفایت مذاکرات را بدهید یک پیشنهاددهنده یک مخالف، یک موافق صحبت کند. در ماده (۷۶) گفته کسانی که می‌خواهند در مورد کفایت مذاکرات صحبت کنند مثلاً (۵) دقیقه مخالف (۵) دقیقه موافق و (۵) دقیقه هم پیشنهاددهنده. در ماده (۱۳۲) هم آمده که کفایت مذاکرات را حتماً باید با قیام و قعود رأی‌گیری کرد و با رأی کتبی و غیر از این نمی‌شود بنابراین خود کفایت مذاکرات از نظر شکلی و ظاهری در آیین‌نامه ما یک مسأله‌ای است که موضوعیت دارد و قابل طرح است.

مسأله دوم هم اصلاً مسأله عقلی است. واقعاً مذاکراتی که دارد در مجلس انجام می‌شود به چه منظور است؟ به منظور اینکه اطلاعات نمایندگان بالا برود و بهتر بتوانند تصمیم بگیرند. اگر اکثریت نمایندگان اعلام کنند که آقا ما به تصمیم رسیده‌ایم، مذاکرات برای ما کافی است و نیازی نیست که این مذاکرات ادامه پیدا کند... جناب آقای سوحدی ساوجی می‌فرمایند که بله اگر موافقین و مخالفین صرفنظر کردند. خیلی خوب اگر (۲۶۹) نفر صرفنظر کردند یک آقای صرفنظر نکردند خوب اینکه حق ندارد وقت جلسه علنی را وقت (۲۶۹) نفر را بگیرد برای اینکه می‌خواهد باز یک مطالبی را بگوید که (۲۶۹) نفر می‌گویند ما حاضر نیستیم این حرفها را بشنویم و ما این حرفها را گوش کردیم و بحث کردیم و صحبت کردیم و کفایت می‌کنند. بنابراین من درست عکس آن را می‌گویم اگر جایی کفایت مذاکرات نمی‌شود داد ماصلاً را طبق ماده (۷۸)، ماده (۱۳۲) و ماده (۷۶) فکر می‌کنیم کفایت مذاکرات در همه جا می‌شود داد، اگر جایی نمی‌شود کفایت مذاکرات داد آن را باید استدلال کنند و باید بگویند طبق ماده (۲۹) آیین‌نامه یا (۴۵) آیین‌نامه در فلان مورد نمی‌شود پیشنهاد کفایت مذاکرات داد والا اصل بر این است که کفایت مذاکرات را بپذیرند، مدیر مجلس بپذیرد یک مخالف و یک موافق هم صحبت کند و طبیعی است که مجلس رأی و نظرس هرچه که باشد آن نظر صائب است و باید عمل شود.

کوهکن - آقای باهنر! اگر قانون به یک نفر حق بدهد حق او محفوظ است.

نایب رئیس - ببینید! ما از مجلس نظر خواهی کنیم حالا راجع به سوارده مشابه این یعنی سوارده‌ای که حداکثر تعیین شده، گفتند مثلاً حداکثر (۵) ساعت است، آیا در اینگونه موارد ما می‌توانیم کفایت مذاکرات بدهیم بعد از اینکه مقداری از مباحث... مثلاً الان نمایندگان (۵) ساعت وقت دارند، حدوداً نصف وقت را استفاده کرده‌اند. آیا ما می‌توانیم اینجا کفایت مذاکرات بدهیم یا نه؟ البته اگر این رأی را مجلس داد در اینگونه موارد بعد راجع به اینکه الان کفایت مذاکرات باشد یا نباشد دوسرتبه پیشنهاد دهنده، مخالف و موافق صحبت می‌کنند و رأی می‌گیریم. اما کلی آیا در اینگونه موارد که در آیین‌نامه یک وقتی مشخص شده ولو بعنوان حداکثر مثلاً گفته حداکثر وقت مخالف (۵) ساعت و موافق هم (۵) ساعت نسبت به کل کابینه و نسبت به یک وزیر هم نصف آن وقت می‌شود که (۲/۵) ساعت مخالف و (۲/۵) ساعت موافق می‌شود. آیا در اینگونه موارد راهی برای کفایت مذاکرات

اصل اینکه ما می‌توانیم کفایت مذاکرات را مطرح کنیم؟ بعد آنوقت یکی از پیشنهاددهندگان کفایت مذاکرات را مطرح کند، مخالف و موافق صحبت کنند بعد دو مرتبه رأی می‌گیریم.

منشی (باهنر) - آقای کوهکن بفرمائید.

محسن کوهکن - جناب آقای روحانی توجه بفرمائید! اگر کفایت مذاکرات به معنی قطع مذاکره و رأی‌گیری باشد که اینجا معنا و مفهوم ندارد چون اگر به کفایت مذاکرات رأی دادیم یعنی بلافاصله بعدش رأی‌گیری شود. لذا اگر کفایت مذاکرات هست بدین معنا خواهد بود که وزیر محترم و دولت نباید دفاع کند و پاسخ بدهد، یعنی مذاکرات ادامه دارد.

نایب رئیس - خیر، وزیر که در وقت خودش صحبت خواهد کرد، حالا هر مقدار از وقتش را که بخواهد می‌تواند استفاده کند.

محسن کوهکن - پس کفایت مذاکرات معنی ندارد.

نایب رئیس - کفایت مذاکرات خودمان، کفایت مذاکرات نمایندگان یعنی مخالف و موافق که داریم صحبت می‌کنیم آیا می‌توانیم با رأی مجلس اگر مجلس موافق بود مثلاً از پنج ساعتی که نمایندگان باید صحبت کنند بعد از دو ساعت، سه ساعت، کفایت مذاکرات بدهیم یا نه نمی‌توانیم این کار را بکنیم ما این را می‌خواهیم صحبت کنیم.

سوحدی ساوجی - بنده می‌خواهم صحبت کنم.

نایب رئیس - بفرمائید صحبت کنید، بعد هم آقای مهندس باهنر می‌توانند صحبت کنند.

علی سوحدی ساوجی - بسم الله الرحمن الرحيم

من فکر نمی‌کنم که جناب آقای دکتر روحانی به آیین‌نامه و مواد مربوط به این مسأله تسلط نداشته باشند. حالا یک مشکلی پیش آمده فرض کنید روز آخر هفته است و ممکن است جمعی از...

نایب رئیس - ما مشکلی نداریم، اگر از لحاظ آیین‌نامه نشود ما مشکل نداریم. آن مورد آیین‌نامه را شما بفرمائید که ما نمی‌توانیم.

سوحدی ساوجی - عرض می‌شود که شما به مواد (۱۴۴ و ۱۴۳ و ۱۴۲) که در ارتباط با مسأله بحث پیرامون دولت، بحث مخالف و موافق، مدت نطق مخالفین و موافقین تعداد آنها و بعد هم بحث در باره یک وزیر یا چند وزیری که کمتر از نصف مجموع هیأت وزیران باشد، اگر مراجعه کنید ملاحظه می‌کنید که هیچ جایی برای کفایت مذاکرات وجود ندارد و اگر موافق و مخالفی باشد طبق آیین‌نامه حق دارند تا آخرین وقت قانونی از حق خودشان استفاده کنند مگر اینکه مخالفین یا موافقین نخواهند دیگر بحث کنند. فکر کنند مثلاً مطلب جدیدی برای گفتن وجود ندارد. جناب آقای روحانی! من معتقدم آن کسانی که می‌گویند کفایت مذاکرات می‌تواند مطرح شود آنها باید ماده آیین‌نامه بیاورند. ما که می‌گوئیم نمی‌شود چون در آیین‌نامه پیش‌بینی نشده (نایب رئیس - کفایت مذاکرات در آیین‌نامه هست) شما مورد کفایت مذاکرات را بیاورید. در باره بحث هیأت وزیران یا چند وزیر بهیچوجه مسأله کفایت مذاکرات وجود ندارد، حتی در رابطه با طرحها و لوایح هم نیست. جناب عالی آن ماده مربوطه را بیاورید بخوانید هیچ مورد شما ندارید که کفایت مذاکرات بتواند تقاضا شود، بحث شود و بعد رأی‌گیری بشود. بله یک زمانی در دوره‌های اول مجلس شاید اوایل دوره دوم در آیین‌نامه بود اما آیین‌نامه فعلی چنین چیزی را ندارد. والسلام

نایب رئیس - آقای سوحدی ساوجی ببینید! ما یک عنوانی داریم به عنوان کفایت مذاکرات، این عنوان که عنوان لغوی نیست. ماده (۷۸) هم کفایت مذاکرات را مطرح می‌کند می‌گوید در مواردی که می‌توان پیشنهاد کفایت مذاکرات داد، هرگاه مذاکرات لازم و کافی بعمل آمد برای جلوگیری از تکرار مطالب و اتلاف وقت... (تا آخر) منتها اینکه در آیین‌نامه... بلکه مشخصاً نگفته در کدام مورد کفایت مذاکرات می‌شود یا نمی‌شود. یک رأی‌گیری از مجلس شده که در به اصطلاح پاورقی این آیین‌نامه در صفحه (۵۰) آمده، در آنجا در آن رأی‌گیری گفته‌اند در سوارده‌ای که آیین‌نامه وقت فیکس مشخص کرده کفایت مذاکرات نمی‌شود، در بقیه سوارده می‌شود. البته مجلس با رأی امروز می‌تواند این را بهم بزند. اینکه حالا آیین‌نامه نیست. ما در متن آیین‌نامه جایی نداریم که در طرح یا لوایح یا در بحث وزراء اگر خود مجلس به این نظر رسید که دیگر نیازی به ادامه مذاکره نیست، پیشنهاددهندگان

در مورد این فصلهای مخالفتها استدلالهای خودشان را مطرح کرده‌اند. موافقین هم بعضاً به این استدلالها پاسخ دادند و تعدادی دیگر از موافقین هم یکسری نقاط مثبت را در دفاع از نظریه خودشان و در دفاع از وزیر محترم مطرح فرمودند. الان این یکی دوسه نفر اخیر که صحبت کردند تقریباً همه مجلس متوجه شدند که بحثها از نظر ماهوی تکراری است. ممکن است از نظر شکلی یکی یکی مثالی زده و نفر بعد بیاید در استدلال حرفش مثال دیگری بزند اما سرفصل استدلالها دقیقاً الان مشخص شده چون من الان در منصب مخالفت یا موافقت نیستم اسم نمی‌برم اما دقیقاً مشخص است سرفصل مخالفتها چه فصولی است و سرفصل موافقتها هم چه فصولی است. بعضی از این مخالفتها را موافقین پاسخ داده‌اند، من به نظرم می‌رسد اگر عزیزان پیشنهاد کفایت مذاکرات را تصویب بفرمایند جناب آقای نعمت‌زاده هم وقت خودشان را دارند که به سؤالات مخالفین پاسخ بدهند و یا اگر مطالبی دیگر هم می‌خواهند مطرح بفرمایند وان‌شاءالله رأی‌گیری شود و ما هم در بررسی برنامه هستیم گرفتاری داریم. خلاصه بعد از ظهر همه کمیسیونها گرفتار هستند و مشکلات این تیبی را داریم. به نظر می‌رسد که اگر ان‌شاءالله معطل نکنیم و قبل از ظهر مسأله را تمام بکنیم خیلی بهتر است.

نایب رئیس - متشکر، مخالف را دعوت بفرمایید.

منشی (انگلیسی) - آقای موحدی ساوجی بفرمایید.

علی موحدی ساوجی - بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً باید تذکر عرض کنم که اگر این رأی‌گیری برای این مورد معتبر باشد برای موارد دیگر قابل اعتبار نیست. باید آیین نامه را بوسیله طرحی اصلاح کنیم. (نایب رئیس - حالا دست شما برای طرح باز است، شما طرح بدهید) حالا عرض اینکه شما که رأی‌گیری کردید برای همیشه نمی‌توانید عمل کنید. (نایب رئیس - نه ما بعنوان پاورقی رأی گرفتیم).

مسأله دوم اینکه پیشنهاددهنده محترم آمدند قیاس کردند گفتگوها و مذاکرات و نطقهایی که صورت گرفته با مطالبی که هنوز بیان نشده. من نمی‌دانم آقای پیشنهاددهنده محترم (آقای باهنر) از کجا فهمیدند که آن عده‌ای که می‌خواهند در مخالفت و موافقت صحبت کنند همین حرفها را می‌خواهند تکرار کنند؟ یعنی مطلب نگفته و بیان نشده را ما نمی‌توانیم اینجور قضاوت کنیم. همین الان یکی از برادرانی که مخالف هستند و آمدند اینجا می‌گویند من مطالب جدید دارم و مدارک جدید هم بدستم رسیده، غیر از آنچه را که آقایان دیگر گفتند. بنابراین، اینطور پیشگویی کردن به نظرم کار ما نیست که پیشگویی کنیم و از غیب بخواهیم خبر بدهیم که حالا «ما فی الضمیر» افراد چیست و مخالفین چه می‌خواهند بگویند و موافقین بعداً چه می‌خواهند بگویند.

نکته سومی که می‌خواهم به همکاران عزیز و محترم عرض کنم این است که بالاخره ما ممکن است بعضی مواقع در یک تنگنایی قرار می‌گیریم واقعاً مشکلاتی هست که به نظرم می‌آید آقای باهنر یکی از مطالبی که درست گفتند این است که حالا بالاخره همین الان ظاهر شده و بعد از ظهر هم ممکن است بعضی‌ها بلیط هواپیما گرفته‌اند و امثال ذلک و می‌خواهند بروند، تعطیلی است هفته آینده هم... از این چیزها. ولی مجلس را من معتقدم همان افرادی که بلیط گرفته‌اند اهمیت مجلس را از هر کار دیگری بیشتر می‌دانند یعنی اگر واقعاً بینند وظیفه قانونی آنها ایجاب می‌کند اهم و مهم را همه ما درک می‌کنیم که مجلس از همه چیز مهمتر است. بنابراین ما برای اینجور بهانه‌ها درست نیست که بیایم دست مجلس را و دست نمایندگان را ببندیم و حق نمایندگان را سلب کنیم، این را من یک زنگ خطری برای آینده می‌دانم. کم‌کم بالاخره حقوق مسلم نمایندگان، حقوق آیین‌نامه‌ای نمایندگان نقض خواهد شد. من خواهش می‌کنم که به این کفایت مذاکرات آقایان رأی ندهند. والسلام

نایب رئیس - آقای موحدی ساوجی! این فرمایش جنابعالی فرمایش درستی نیست، یعنی نمایندگان محترم مسلماً وقت اصلی آنها برای مجلس است نه بلیط هواپیما برای آنها مهم است و نه اینکه بعد از ظهر چیست، فردا چیست اصل، مجلس است. در بحث اول که بحث کردیم اصلاً ربطی به امروزنداشت، کل مسأله مطرح بود. من واقعاً شهادت می‌دهم موارد متعددی در این مجلس بوده ما از مذاکرات تکراری همه خسته بودیم اکثریت نمایندگان می‌گفتند ما می‌گفتیم کفایت مذاکرات مشکل داریم چون تکلیف ما روشن نبود و واقعاً با رأی امروز مجلس محترم یک‌گروه‌ای را پیش روی خود کار مجلس برداشت، ما

وجود دارد یا نه؟ اگر مجلس رأی داد آنوقت می‌رویم راجع به امروز دوبرتبه بحث می‌کنیم.

رهبری املشی - یک دفعه رأی‌گیری شده است.

نایب رئیس - نه آنکه دست ما بسته نیست، ما ده مرتبه دیگر هم می‌توانیم رأی‌گیری کنیم، در رأی‌گیری که دست ما بسته نیست. اتفاقاً یکی از دلائل اینکه ما می‌توانیم رأی‌گیری کنیم آن رأی قبلی است. آن رأی قبلی نشان می‌دهد که قابل رأی‌گیری است، مجلس می‌تواند رأی بدهد.

موحدی ساوجی - تذکر آیین‌نامه‌ای در ماده (۷۸) دارم.

نایب رئیس - ماده (۷۸) را که من خواندم اگر واقعاً مطلب جدیدی دارید بفرمایید.

علی موحدی ساوجی - من تذکر دارم، جلو تذکر را نمیشود گرفت.

نایب رئیس - تکراری است. باز هم کفایت مذاکرات است، بفرمایید.

موحدی ساوجی - بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر آیین‌نامه‌ای حق هر نماینده‌ای است. بنابراین اگر چه ماده راجع به آقای روحانی یکبار خوانده‌اند اما چون الان کاری که می‌خواهد صورت بگیرد اصلاً بدون سابقه است، سابقه نداشته که یک آیین‌نامه‌ای را حتی در یک مورد اگر اختلاف نظر بوده، از مجلس هم رأی گرفتند، مجلس رأی خود را داده باز هم بگویند خوب باشد ما همان رأی قبلی مجلس را داریم...

نایب رئیس - شما تذکر آیین‌نامه‌ای، خود را بگویید شما استدلال عرفی نکنید.

موحدی ساوجی - رئیس باید طاقت داشته باشد اینقدر بی‌طاقت باشد خوب نیست. (نایب رئیس - آخر تکرار مغل فصحاحت است) در ماده (۷۸) صریحاً می‌گوید در مواردی که می‌توان پیشنهاد کفایت مذاکرات داد شما باید برای... (نایب رئیس - حالا شما بگویید آن موارد کجاست؟) فرض کنید هیچ موردی هم نیست. (نایب رئیس - پس لغو که ما اینجا نگذاشتیم) ما اینجا مأسور به عقل نیستیم ما مأسور به آئین‌نامه هستیم (نایب رئیس - لغوی گویم عقل نمی‌گویم) من عذر می‌خواهم، اگر قرار باشد که هر کسی مطابق عقل خودش آیین‌نامه را تفسیر کند. ما در اینجا باید مطابق آیین‌نامه عمل کنیم. من خواهش می‌کنم که با آیین‌نامه مخالفت نشود.

نایب رئیس - متشکر، ببینید! سؤال ما از نمایندگان محترم الان این است! ماده (۷۸) می‌گوید: «در مواردی که می‌توان پیشنهاد کفایت مذاکرات داد» این موارد را آیین‌نامه توضیح نداده، باز نکرده. سؤال ما این است که آیا اینگونه موارد (مثل امروز) که در آیین‌نامه برای آن وقتی بعنوان حداکثر مشخص شده آیا در اینگونه موارد مجلس می‌تواند در یک مرحله بعد از اینکه نصف، یک سوم و یا هر مقدار بحث شد، قابل طرح کفایت مذاکرات هست یا نیست؟ بعد از اینکه اصل آن را نمایندگان قبول داشتند بعد آنوقت نسبت به امروز دوبرتبه پیشنهاددهنده بحث خواهد کرد. حضار ۱۹ نفر هستند ما از مجلس محترم نظر خواهی می‌کنیم نسبت به مواردی که در آیین‌نامه وقتی بعنوان حداکثر تعیین شده، آیا در اینگونه موارد مثل مسأله رأی اعتماد به وزراء، مثل طرح و لوایح که جزو اینها هم می‌شود، آیا در اینگونه موارد کفایت مذاکرات قابل طرح هست یا نیست؟ نمایندگان محترمی که معتقدند کفایت مذاکرات قابل طرح است قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) رأی بسیار قاطعی بود اکثریت قاطع نمایندگان رأی دادند که قابل طرح هست.

منشی (باهنر) - آقای روحانی ببخشید! البته این در مذاکرات ثبت شد چون ما می‌خواهیم چاپ کنیم این جمله را موافقت «در مواردی که نهی برای کفایت مذاکرات وجود ندارد کفایت مذاکرات قابل طرح است» این باید باشد؟ این را بنویسیم؟ (نایب رئیس - این که ما الان رأی گرفتیم...) پس همان که فرمودید می‌نویسیم. متشکر.

نایب رئیس - بله مواردی که حداکثر وقت مشخص شده در آنگونه موارد آیا کفایت مذاکرات قابل طرح است یا نیست. پس یکی از پیشنهاددهندگان صحبت کند.

محمد رضا باهنر - بسم الله الرحمن الرحيم

من خودم پیشنهاد دهنده برای کفایت مذاکرات هستم و بحث من هم به نظر می‌آید که کاملاً روشن است یعنی استدلال آن چنانی نمی‌خواهد، مخالفین مخالفتهاشان یکسری فصولی دارد که

نایب رئیس - خیلی متشکر، موافق را دعوت بفرمایید.
منشی (با هنر) - آقای دلبری بفرمائید.

محمد اسماعیل دلبری - بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين متأسفانه طرح موضوع رأی اعتماد برای جناب آقای نعمت زاده در یک جو نا مطلوبی صورت گرفت و این جو من فکر نمی کنم که تأثیر منفی در ذهن نمایندگان محترم که شخصیت‌هایی هستند منصف و عادل تأثیر بگذارد.

موضوع گرانی و گران فروشی و تورم یک بحث عمده و کلان در اقتصاد کشور ما است و هیچ ارتباطی با عملکرد یک وزیر و یا دوزیر ندارد. این راسن استدعا می کنم که عزیزان نماینده لحاظ بکنند تا ان شاء الله در تصمیم گیری بتوانند آنچه را که حق هست تصمیم بگیرند و عمل بکنند.

اما برای اینکه مابه عنوان نمایندگان مردم به یک وزیری در نظام جمهوری اسلامی ایران رأی بدهیم از دو جنبه باید وارد موضوع بشویم یکی صلاحیت‌های مذهبی، دینی و اخلاقی فرد و یکی هم صلاحیت‌های تخصصی و آشنا بودن به شغلی که وزیر می خواهد به عهده بگیرد. شما کم و بیش از ویژگی‌های جناب آقای نعمت زاده شنیدید و همه، چه موافقین و چه مخالفین بر این اذعان داشتند که ایشان ضمن اینکه فردی متدین، متقی و متعهد هستند در عین حال در طول این (۱۰) سال گذشته‌ای که در صنعت کشور بوده اند تسلط کافی و وافی بر این صنعت داشته اند. شناخت صنعت، شناخت افرادی که در صنعت هستند، شناخت نقاط ضعف و قوتی که در صنعت کشور هست همه در ایشان مستتر است.

بعد ما در کشورمان اولین برنامه پنجساله را تدوین کردیم و به سورد اجرا گذاشتیم، ایشان از اول تا به آخر بوده و حالا شروع کردیم برای تدوین برنامه دوم که از تدوین کنندگان اصلی برنامه، شخص ایشان هستند و برنامه‌ای هم که برای مجلس ارائه داده اند تماماً روی نقاط برنامه دوم صحبت کرده اند. خوب شخصی با این ویژگی، شخصی با این صلاحیت‌ها آیا شایسته نیست که در سکان این کشتی رابدست بگیرد و هدایت بکند؟ ما مگر چه می خواهیم؟ ما در مملکت مشکل داریم ولی اینها به آقای نعمت زاده تنها بر نمی گردد. بر روی سیاست‌های کلان اقتصادی مملکت، هم دولت و هم مجلس صحه گذاشته و اگر آثار منفی دارد تقصیرش تنها به من نماینده، تنها به شخص یک وزیر نیست، مشکلات را باید جای دیگری جستجو کرد و بعد از معیارهایی که ما می توانیم به آن تمسک بجویم و بگویم فردی، وزیری در کاری که به او محول شده آیا موفق بوده یا نه؟ همین برنامه پنجساله اول هست. شما همه از آمارهایی که دوران این پنجساله گذشته جهت آگاهی ملتمان ارائه شده است مطلع هستید، چه رشدی ما در صنعت داشته ایم من به چند مورد از آنها اشاره می کنم خود شما قضاوت بفرمایید:

رشد روغن نباتی در برنامه اول (۲۷٪) بوده. رشد سیمان (۲۶٪)، یعنی از (۱۲) میلیون تن در اول برنامه به (۱۶) میلیون تن رسانده ایم، شروع عملیات اجرایی (۲۰) طرح سیمان در کشور از کارهایی بوده که در طول این برنامه پنجساله اول صورت گرفته به ظرفیت (۱۴) میلیون تن.

حالا قیمت، مگر قیمت گذاری دست یک وزیر است؟ مگر وظیفه وزیر صنعت غیر از تولید چیز دیگری هم می تواند باشد؟ شما همه بهتر می دانید قیمت گذاری در شورای اقتصاد صورت می گیرد و وزیر هم موظف به تبعیت از تصمیمات شورا است اگر اعتراضی به نحوه قیمت گذاری هست، اگر اشکالی به بالا رفت قیمت‌ها هست تنها وزیر مقصر نیست، شما اگر اشکالی در قیمت دارید آن وقت باید همه اعضای کابینه دولت را به زیر سؤال بکشید که چرا قیمت‌ها بالا رفته و علت آن چیست؟ آن وقت قضیه در یک جو دیگری، در یک صحن دیگری، در یک جلسه دیگری قابل بررسی و قابل بحث است و آن وقت معلوم میشود که تقصیر چه کسی بوده.

صادرات در طول برنامه اول از (۳۴) میلیون دلار به (۴۱۰) میلیون دلار رسیده. تعداد شهرک‌های صنعتی اول برنامه (۷۳) واحد بوده و در آخر برنامه (۱۳۱) شهرک صنعتی در اقصی نقاط کشور ایجاد شده یعنی رشدی برابر (۱۴۰٪) است. خوب همه نمایندگان عنایت به این دارند که اشتغال، مشکل اصلی مملکت است و صنعت و کشاورزی هست که می تواند جوابگوی این اشتغال باشد آن هم در نقاط محروم. کسی که در نقاط محروم می رود سرمایه گذاری می کند این به زمینه سازی نیاز دارد، این به بستر سازی نیاز دارد که در عهده وزیر است و این کار را هم کرده. شما در اقصی نقاط کشور مملکت حتی در مناطق جنگی بروید

راه را باز کردیم اصلاً این مسأله مطرح نیست واقعاً نمایندگان محترم بر مبنای مصالح دارند رأی می دهند هیچیک از آن نکاتی که جناب عالی مطرح فرمودید حتماً نیست.

یحییوی - تذکر آیین نامه ای دارم.

نایب رئیس - تذکر آیین نامه ای جناب عالی هم همین بود من توضیح دادم خواهش می کنم دیگر جناب عالی تذکر...

سید محسن یحییوی - من و آقای مهندس باهنر که امضاء کردیم هفته آینده اینجا هستیم بخاطر کمیسیون تلفیق، ایشان حق ندارند...

نایب رئیس - به قول آقای مهندس آنانی که پیشنهاد دهنده بودند اعضای کمیسیون تلفیق هستند که اصلاً بعد از ظهر در مجلس هستند بعد از ظهر وفردا و حتی هفته آینده هم جلسه دارند، خود جناب عالی هم عضو کمیسیون تلفیق هستید.

خوب ما از مجلس محترم نسبت به این مورد رأی می گیریم، حضار ۱۹ نفر، البته من یک توضیح بدهم الان ما رأی که گرفتیم یک موافق باید صحبت کند چون طبق آیین نامه باید تعداد مخالف و موافق به یک اندازه باشد بنابراین اگر مجلس رأی هم داد یک موافق صحبت می کند بعد وقت نمایندگان تمام می شود ما آنوقت وقت می خواهیم برای وزیر محترم جناب آقای نعمت زاده که اعلام کرده اند اگر حدود سه ربع ساعت وقت باشد کافی است برای اینکه مطالب خود را توضیح بدهند. آنوقت از مجلس می پرسیم آیا همین الان ادامه بدهیم یا بعد از ظهر حالا آن بحث بعدی ما هست. حضار ۱۹ نفر، نمایندگان محترمی که با پیشنهاد کفایت مذاکرات موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. من از مجلس محترم سؤال کنم ببینید! یک موافق باید صحبت کند برای اینکه آیین نامه به ما می گوید به اندازه هم باید باشد.

دوم اینکه سه ربع ساعت هم ما برای وزیر محترم وقت می خواهیم بنابراین ما مجموعاً یک ساعت وقت می خواهیم.

اکرمی - همین را ادامه بدهیم.

نایب رئیس - ما وقت داریم. ببینید امروز مجلس ما پنج ساعته است. من فقط چون وقت نماز است می خواهم از مجلس رأی بگیرم که ادامه بدهیم. عده ای از نمایندگان - ساعت یک بگذارید.

نایب رئیس - آیین نامه می گوید ما وقت نماز نمی توانیم بگذاریم.

اکرمی - آن وقت فضیلت است.

نایب رئیس - بعضی ها می گویند وقت فضیلت است، ببینید این را هم از مجلس سؤال می کنیم. اگر موافق بودند تا ساعت یک ادامه می دهیم که همه بحث‌ها تمام شود و رأی بگیریم والا تنفس می دهیم. ساعت یک دوسر تبه جلسه تشکیل شود تا بحث را ما تا ساعت ۲ تمام کنیم. نمایندگان محترمی که موافقت تا ساعت یک جلسه را ادامه بدهیم قیام بفرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. پس ما الان تنفس می دهیم ان شاء الله رأس ساعت یک در خدمتتان باشیم.

(جلسه ساعت ۱۱/۵۵ بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً در ساعت ۱۳/۱۶)

به ریاست آقای «حسن روحانی» تشکیل گردید.

نایب رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه برای ادامه مذاکرات رسمی است. دستور ما همان طوری که می دانید مربوط به رأی اعتماد به وزیر محترم صنایع بود که مخالفین و موافقین صحبت کردند به دنبال رأی که برای کفایت مذاکرات گرفته شد فقط طبق آیین نامه برای اینکه بین مخالف و موافق تعادل باشد آخرین موافق صحبت می کند و بعد، از بیانات وزیر محترم صنایع استفاده می کنیم.

غلامرضا انصاری - تذکر آیین نامه ای دارم.

نایب رئیس - بفرمایید.

غلامرضا انصاری - بسم الله الرحمن الرحيم

ماده (۷۸) که حضرت عالی به آن استناد کردید در مورد رأی جلسه قبل، زیر نویس همین تبصره اشاره کرده در مواردی که مدت برای مذاکرات مشخص شده است نمی توان پیشنهاد کفایت مذاکرات را داد.

نایب رئیس - شما مگر صبح تشریف نداشتید؟ (انصاری - بله من بودم)

خوب ما همان زیر نویس را در جلسه صبح عوض کردیم.

انصاری - بهر صورت من خواستم آیین نامه را بخوانم.

ببینید در خود آبادان شهرک صنعتی را ایجاد کرده، در مردم جذبه و رغبتی ایجاد شده که بروند آنجا برای ایجاد اشتغال و برای تولید سرمایه گذاری کنند. اینها کار می‌خواهد، اینها انرژی می‌خواهد، اینها وقت می‌خواهد، همینجوری نیست که شما فکر کنید که یک سرمایه‌داری می‌آید پولش را می‌ریزد در یک دشتی به امید اینکه یک چیزی بتواند از اینجا بهره برداری کند این کارها شده. رشد صنعت در قبل از برنامه با (۷٪) منفی بوده (عزیزان عنایت بکنند (۷٪) منفی رشد صنعت داشتیم) یعنی نه تنها رشد نداشتیم بلکه عقب‌گرد هم داشتیم. بعد از برنامه (۱۲٪) رشد مثبت را این آقایان به ما داده‌اند آیا این قدردانی نمی‌خواهد؟ آیا این تشکر نمی‌خواهد؟ تعداد اشتغالی که صورت گرفته برای متجاوز از (۱۵۵) هزار نفر فقط در این زمینه‌ها در طول این چند سال گذشته اشتغال ایجاد شده اینها همه آمار است آمار دقیق، روشن و متقن.

بعد ما همه گله داشتیم از کیفیت کالاهایمان، عزیزان عنایت بکنند! همه از کیفیت کالاها و از استاندارد نبودن کالاها ناراضی بودیم. من یک آماری می‌دهم: استاندارد، در مورد صدور مجوز (۷۰۰) پروانه کار برد علامت استاندارد معادل (۱۰۰٪) کل پروانه‌های صادره در طول (۲۵) سال گذشته و به عین‌شما بروید از این نمایشگاه‌های بین‌المللی که در طول چند سال گذشته دایر شده بازدید بفرمایید ببینید انصافاً چه پیشرفتهای عظیمی در کالاهای صنعتی کشور، در تولیدات صنعتی کشور حاصل شده است. چه صادراتی! من مبلغ صادرات را یادداشت کرده بودم که چه میزان صادراتی در این کالاها صورت گرفته است که بعداً عرض می‌کنم، خوب اینها از چه بوده؟ زمانی که ما جنس ایرانی‌را، کالای ایرانی را نمی‌توانستیم مصرف بکنیم الان همه مشتری کالای ایرانی شده‌اند. کیفیت‌ها خیلی بالا رفته و این خود بخودی نبوده، این بصورت آسان و معمولی انجام نگرفته، این کار برده، انرژی برده، آقایان وقت صرف کرده‌اند و این مشکل سهم مملکتی را بحمدالله تا اندازه بسیار زیادی حل کرده‌اند. متشکر نایب رئیس - خوب از جناب آقای نعمت‌زاده دعوت می‌کنیم مطالبی را که دارند بیان بفرمایند، بعد از صحبت جناب عالی، اگر آقای دکتر حبیبی مایل باشند به عنوان نماینده رئیس جمهور می‌توانند صحبت کنند، بفرمایید.

همانطوری که مستحضر هستید در دوماه سال قبل از برنامه اول ارزش افزوده صنعت رویه کاهش بود که در دوماه آخر با (۷٪) رشد منفی سالانه با آن مواجه بودیم و سهم صنعت در کل اقتصاد ملی به حدود (۱۰/۵) درصد رسیده بود، بحمدالله با توجهی که در برنامه اول نمایندگان محترم و همچنین دولت محترم عنایتی که فرمودند بخش صنعت کشور در مجموع به حرکت در آمد و برابر پیش‌بینی‌هایی که در برنامه شده بود با توجه به زیربخش‌های مختلف و مکانیزمها و سیاستهایی که در برنامه پیش‌بینی شده بود این صنعت رشد کرد و اغلب نیازسندی کشور ما را امروز تأمین می‌کند و کار بجائی رسید که خوشبختانه ضمن تأیید مراتب توسط مقام معظم رهبری اخیراً باز به همه ما و است اسلامی تأکید شد که به فرآورده‌ها و محصولات داخلی توجه بیشتری بشود و ان‌شاءالله مصرف محصولات داخلی بیشتر مورد عنایت قرار بگیرد که امیدواریم به سهم خودمان بتوانیم در جهت تحقق فرمایش ایشان و بابرنامه ریزی صحیح ان‌شاءالله نیازسندی جامعه را در این زمینه تأمین کنیم. برابر آخرین آمار که کمیته برنامه ریزی صنعت و معدن و بازرگانی که یکی از کمیسیونهای مربوط به تدوین برنامه پنجساله بود تنظیم کرده طی آخرین سال برنامه (سال-۷۲) سهم ارزش افزوده صنایع زیر مجموعه وزارت صنایع به (۷۷٪) بالغ گردید این در آغاز برنامه (۸۹٪) بود، عزیزانی که انتقادی کردید ما به صنایع مصرفی بیشتر توجه کرده‌ایم این آمارگویای واقعیت و پیش‌بینی است که در خود برنامه شده بود، یعنی سهم صنایعی که تحت پوشش ما هست کاهش پیدا بکند و در مقابل صنایع استراتژیک و صنایع واسطه‌ای و صنایع سرمایه‌ای توسعه پیدا کند. بنابراین سهم ما که در شروع برنامه (۸۹٪) بود به (۷۷٪) رسید البته به این معنی نیست که ما رشد نداشتیم، ولی رشد ما در برنامه نسبت به بقیه کمتر دیده شده بود. بنابراین، این خودش یعنی اصلاح ساختار صنعتی یعنی اینکه صنایع استراتژیک و واسطه‌ای مثل پتروشیمی و فولاد از رشد بیشتری برخوردار شد که به استحضار خواهیم رساند. وزارت صنایع سنگین و صنایع که در زیرمجموعه آن هست در سال ۷۲ از (۶/۵٪) سهم ارزش افزوده برخوردار بود که مجموعه (۶/۵٪ و ۷۷٪) حدوداً (۸۴٪) صنعت در وزارت صنایع اخیر متمرکز هست که ان‌شاءالله باید شروع بکار بکنیم. بقیه (۸۴٪ تا ۱۰۰٪)، (۳/۳٪) مربوط به فعالیتهای پتروشیمی می‌شود که جزء صنعت طبقه بندی می‌شود و (۱۲/۷٪) مربوط به انواع فلزاتی است که در درون وزارت معادن و فلزات اداره و مورد برنامه ریزی و بهره‌برداری قرار می‌گیرد. بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که سیاستگذاری و برنامه ریزی برای وزارت صنایع یعنی مساوی است با سیاست‌گذاری (۸۴٪) فعالیت‌های صنعتی کشور و متجاوز از (۸۵٪) اشتغال صنعتی کشور و حدود (۱۵٪) تولید ناخالص ملی کشور که ماعنایت سروران و عزیزان را می‌طلبیم که ما را راهنمایی بفرمایید تا در رابطه با این (۸۴٪) ان‌شاءالله بتوانیم به وظایفمان عمل کنیم. مجموعه رشد ارزش افزوده صنعت در پنجساله متوسط سالانه‌اش (۱۲٪) شده است، اول (۱۴٪) برآورد شده بود که مربوط به چهار سال بود. با عملکرد سال گذشته که در بخشهای مختلف ما افت داشتیم رویهم رفته متوسط سالانه پنجسال برنامه (۱۲٪) بالغ شد که در این (۱۲٪) صنایع سنگین از رشد معادل (۱۶٪) برخوردار بود، همانطور که در برنامه به آن توجه بیشتری شده بود و صنایع زیر مجموعه ما که (۷/۵٪) پیش‌بینی شده بود با (۸/۹٪) یا نزدیک

محمد رضا نعمت‌زاده (وزیر صنایع) - بسم الله الرحمن الرحيم
بادرود به ارواح پاک شهدای اسلام و درود به روح پر فتوح امام راحل
قدس سرم بزرگ بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و عرض سلام به مقام معظم رهبری ولی امر مسلمین و سلام بر شما برگزیدگان است اسلامی.
به موجب اصل (۱۳۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عطف به قوانین و مقررات جاری کشور و معرفی مجدد اینجانب به مجلس محترم شورای اسلامی، قبل از ارائه برنامه‌های آینده خود و توضیح و پاسخ به فرمایشات نمایندگان عزیز (چه موافق و چه مخالف)، لازم می‌دانم از حسن نظر مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی‌مان حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی و همکارانم در دولت تشکر و قدردانی نمایم. قطعاً تلاش و خدمات ارزنده همکاران و همراهانم در وزارت صنایع، سازمانها و شرکتهای وابسته و اغلب مدیران و کارگزاران و کارگران صنایع کشور در کسب این موفقیت مؤثر بوده است که از این تریبون مجلس شورای اسلامی و جایگاه مقدس نمایندگان است اسلامی از یکایک آنان تشکر می‌نمایم و همچنین لازم می‌دانم از زحمات برادر ارجمند و بزرگوارمان جناب آقای دکتر نژادحسینیان که در اداره بخشی از این صنعت که اخیراً با تصویب مجلس محترم شورای اسلامی دو وزارتخانه صنایع سنگین و صنایع در هم ادغام گردیده‌اند و امروز در حضورشان در اینجا نیستیم تشکر و قدردانی نموده و امیدواریم ان‌شاءالله همیشه از همکاریها و رهنمودهای ایشان در اداره امور صنعت اگر توفیقی باشد در خدمتان باشیم و بهره‌مند بشویم.

امروز که در محضر مردم شریف ایران و در حضور نمایندگان گرانقدر آنان و در خانه ملت قرار داریم با تقدیم برنامه‌های خود در وزارت صنایع جدید که ان‌شاءالله اساسنامه آن برابر قانون مصوب در آینده نزدیک تقدیم، دولت و مجلس محترم شورای اسلامی خواهد گردید، امیدوارم از سوی شما نمایندگان محترم مورد قبول و عنایت قرار گیرد. حمایت همه جانبه یکی از مهمترین بخش مولد کشور که از ارکان مهم اقتصاد کشور و رها بخش معضلات اقتصادی و بیکاری و تعالی بخش رفاه جامعه و ان‌شاءالله موجبات گسترش درآمد عامه و تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد مورد توقع و انتظار اینجانب می‌باشد. برنامه مختصری را طی چند صفحه

حالا دیگر اگر اتومبیل‌مان را مثلا کلا نمی‌توانیم تأمین بکنیم آن چیزهایی که معدنش، امکاناتش همه چیزش اینجاست یا این پنیرمان را باید خودمان بالاخره تولید بکنیم. من می‌خواهم عرض بکنم یکی از افتخارات وزارت صنایع و شما و آقای رئیس جمهور در این مملکت... خداشاهد است من این را که عرض می‌کنم به عنوان همکاری شما هستم و در اینجا راست می‌گویم، دروغ هم بلند نیستم، اگر بخواهید بنده دروغ بگویم ترجیح می‌دهم در یک کارگاه کوچک کار بکنم ولی پشت این تریبون نیایم و این مسؤولیتها را نداشته باشم چون بالاخره ما در همین پای منبر آقایان بزرگ شده‌ایم. بنده می‌خواهم عرض بکنم که برای (۹۰) هزارتن و بالاتر، سرمایه‌گذاری روی پنیر صنعتی در این کشور شده است که از کل تاریخ صنعت کشور تا قبل از این حدوداً (۷) هزارتن سرمایه‌گذاری شده بود اگر این افتخار برای شما و برای دولت نیست من نمی‌دانم چه هست که تا حال (۱۸) هزارتن این راه‌اندازی شده است. من در این طرح نوشته‌ام بعضی-هایش حالا چون وقت نداریم اینجا زیاد توضیح نمی‌دهم، (۶) طرح دیگر با حدود (۲۵) هزار و (۵۰۰) تن تا آخر سال ان‌شاءالله راه‌اندازی خواهد شد و الباقی‌اش هم در سال ۷۴ راه‌اندازی می‌شود و برای همیشه ما از واردات پنیر خارجی بی‌نیاز می‌شویم. کنسانتره میوه که صنایع تبدیلی می‌فرمایند ما (۳) هزار تن ظرفیت در کشور داشتیم امروز به (۵۰) هزار تن رسیده. خلاصه من نمی‌خواهم قسم بخورم ولی بدانید همه‌اش با کمک شما در این برنامه انجام شده و سرمایه‌تان صنعتی شما اینها را انجام داده‌اند، ما هم به عنوان پادو دویده‌ایم که مشکلاتشان را حل کنیم حالا کم است کافی نیست بلی، همین‌طور است. ولی لاهی شما ببینید که بعضی مناطق میوه‌خیز ما مثل خراسان، مثل ارومیه که هر روز می‌آیند پشت تلویزیون می‌گفتند این سیب‌های ما ضایع می‌شود اسمال بروید ببینید سیب‌شان ضایع می‌شود؟ به اندازه کافی سردخانه دارند، به اندازه کافی صنایع تبدیلی دارند اینها به برکت همین نعمت‌های شما درست شده و بعد ما متهم شویم که اینها ارزشها را گرفته‌اند به صنایع مصرفی داده‌اند. ما ضابطه داشتیم آن موقعی که می‌گفتند هر ارزی که می‌خواهید بیاورید بگیرد به مقدار کافی هم داریم، ما دستورالعمل داشتیم به چه چیز ارز بدهیم، به چه چیز صد درصد بدهیم. نه اینکه ما داشته باشیم آقای نژاد حسینیان هم در صنایع سنگین داشتند و خودم دیدم، باهم همفکری کردیم اینها را درست کردیم. منتهای برادران چون وقت کمتر دارند و نمی‌رسند تشریف بیاورند... ما در شیشه جام دوتا طرح (۶۰) هزار تنی را تکمیل کردیم که یکی از آنها را آقای دکتر مثل اینکه بازدید فرمودید، دوتا شیشه (۶۰) هزار تنی افتتاح شد (۱۲۰) هزار تن، شما امروز نه تنها کمبود شیشه جام که برای شیشه پنجره باید حواله می‌گرفتند و اینها بلکه ما داریم از کشور مازادش را صادر می‌کنیم و زیادی هست و یکی دو طرح دیگر هم داریم ان‌شاءالله آنها هم در دست احداث است که حدوداً (۲۰۰) هزار تن شیشه دیگر هم اگر مشکلات ارزی‌اش که در بانک ان‌شاءالله حل شود آنها هم تمام شیشه‌های اتومبیل و آینه و شیشه‌های ساختمان شما را تأمین خواهند کرد و مازاد خواهد داشت. ما در ظروف بسته‌بندی دارو همین شیشه‌ای که دارو در آن می‌ریزند همه‌اش از خارج شیشه خالی می‌آوردیم، امروز مازاد داریم. اینها با همین حمایت‌های شما عزیزان توسط مردم شریف و دلسوز شده، من نمی‌گویم در بخش خصوصی مثل همه بخش‌ها آدم‌های ناجور هم ممکن است پیدا شوند ولی لاهی‌اش آن امکاناتی که به من دادید جز همین زبان و خواهش و تمنا و فضای سرمایه‌گذاری است، شما به ما بودجه عمرانی دادید؟ ما اصلاً موظف شده بودیم برویم طرح عمرانی ایجاد کنیم، در زیر مجموعه ما چون صنایع کوچک و متوسط طبقه‌بندی میشد اصلاً ما بودجه عمرانی نداشتیم همین خواهش و تمنا بوده که از مردم کردیم آمدند سرمایه‌گذاری کردند. تنها چیزی که ما داشتیم طی آن چند سال اول ارز بود که می‌گفتیم اگر بیائید این کار را بکنید ارز میدهیم اگر نه بخواهید شکلات یا فرش ماشینی تولید کنید خودتان بروید بدهید، ولی جلوی آن را نگرقتیم. اگر کسی می‌خواست نوشابه تولید کند ما جلوی او را نگرقتیم ولی رفته با پول خودش سرمایه‌گذاری کرده که دیگر از دوی و اسارات کمتر وارد شود. چون می‌دیدید که مرتب با این مارک‌های خارجی در مغازه‌های ما حتی در روستاها متأسفانه می‌آمد. در صنعت کاغذ کشور نزدیک (۲۷۰) هزار تن سرمایه‌گذاری شده که تا حال دو طرح آن راه‌اندازی شده ان‌شاءالله یک طرح دیگر هم اسمال راه‌اندازی میشود و بزرگترین طرح چوب و کاغذ مازندران

(۹٪) ما رشد داشتیم. این تفاوت (۱٪، ۱/۵٪) هم بیشتر توجهی بود که ما به صنایع تبدیلی کشاورزی و دامی کردیم و همچنین صنایع غذایی، چون تمام این صنایع تبدیلی کشاورزی و صنایع دامی و مواد غذایی مثل روغن نباتی، قند و شکر اینها جزو صنایع مصرفی تلقی می‌شود و حال اینکه از طرف دیگر به عنوان کالاهای اساسی و ضروری و حساس است. من یک بار هم اینجا عرض کردم دارو جزء صنایع مصرفی است بنابراین وقتی از صنایع مصرفی صحبت می‌شود ما نباید فکر کنیم که این صنایع بی‌مورد است و دلیل ندارد. رشد (۱/۵٪) اضافه هم شامل این می‌شود که ما در این صنایع از آن اعدادی که در برنامه پیش‌بینی شده بود فروتر رفتیم که آمار و ارقام هم در این عملکرد در بعضی از مواد خدمت عزیزان ارائه شده در کل صنعت طی پنجساله اول حدوداً (۸۵۰) میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شد که (۴۰۰) میلیارد تومان آن مربوط به وزارت صنایع (صنایع زیرمجموعه ما) بود، باز ملاحظه می‌فرمائید که عنایت برنامه که صنایع استراتژیک و سرمایه‌رشد را بیشتر کنند اینجا هست علی‌رغم اینکه آنها حدوداً (۱۶، ۱۵) درصد صنعت را تشکیل می‌دادند ولی نصف سرمایه‌گذاری را دولت اعم از جهت ریالی و ارزی به آنها اختصاص داد به همین دلیل پتروشیمی، فولاد و ماشین‌سازی ما از رشد بیشتری برخوردار بوده.

یکی از عزیزان عرض کردند که ما ارزها را به شکلات و از این حرفها داده‌ایم ما اینجا به عنوان ان‌شاءالله یک متدین قسم می‌خوریم که ما از این کارها نکرده‌ایم. بله شکلات در کشور رشد کرده ولی با امکانات خودشان. نه تسهیلات خاصی داده‌ایم نه ارز ارزانی داده‌ایم. بلکه ارز آزاد، ارز بدون انتقال ارزی که همه می‌توانستند از آن استفاده بکنند، تاجر هم می‌توانسته استفاده بکند آن را استفاده کرده‌اند ما ارز ارزان و ارز دولتی مان را برابر ضوابط به کالاهای ضروری تر داده‌ایم مثلاً به صنایع تبدیلی به صنایع پنیر، بله ما ارز (۷) تومانی وقتی که بود وقتی که نبود ارز (۶) تومانی دادیم ولی به فرش ماشینی که یک صنعت مصرفی است ما ارز ارزان نداده‌ایم جز دودستگاه به (۲) جانباز در دو منطقه محروم کشور آن هم واقعاً دیگر دلمان سوخت یعنی به عنوان یک نمونه کسانی بودند که بالای (۵۰٪) در جنگ ضایعه دیده بودند ولی این همه سرمایه‌گذاری که در فرش شده با ماشین آلات ایرانی یا ماشین آلات خارجی با ارزشناور یا آزاد شده است ولی ملاحظه می‌فرمایید از (۱۴) میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ارزی کشور، (۴) میلیارد به پتروشیمی داده شده، (۴) میلیارد به فولاد و فلزات داده شده یعنی حدوداً (۵۰٪) آن، ولی سهمش را دیدید که چقدر است ولی چون استراتژیک بود این عنایت شده و اغلب اینها هم طرحهای عمرانی بوده که خودتان در مجلس تصویب فرموده‌اید. به وزارت صنایع که (۷۷٪) ارزش افزوده را داشته (۴) میلیارد از (۱۴) میلیون تخصیص داده شده که از این (۴) میلیارد هم (۲) میلیاردش به صورت فاینانس است که هنوز پرداخت‌هایش بعد از این به تدریج خواهد رسید، ظرف (۸، ۷) سال آینده باید بدهیم. (۲) میلیارد دلار کلاً در این همه صنعت کشور ایجاد شده که افتخار این را داریم حدود (۴۸۵۰) طرح طی این پنجسال گذشته تکمیل و راه‌اندازی شده و کمتر جایی در کشور هست که شما تشریف ببرید و یک صنعت جدید را در آنجا ملاحظه نکنید، البته کمبودها خیلی است و ما هم این انتظار را داریم که کمک بفرمایید تا وضع صنعت در کشور را بهتر بکنیم. در سال گذشته سهم صنعت در تولید ناخالص ملی به (۱۷٪) در مجموع رسید. ما برآوردیمان این است که اگر بخواهیم نیاز جامعه خود مان را با کالاهای ایران تأمین کنیم حداقل باید (۲۰٪) سهم تولید ناخالص ملی به صنعت اختصاص پیدا بکند. همین امروز همینجا نشسته بودم یکی از برادران آمد که این ورق آهن را این کارخانه می‌خواهد شما یک چیزی بنویسید. فولاد مبارکه که خدمت آقای رئیس جمهور بودیم و بازدید کردیم در نمایشگاه خودشان قبول کردند که آقا نیاز کشور به مراتب از توان مایشتر است، درست است به ظرفیت نرسیده‌اند ولی اگر برسد باز بیشتر است یعنی ما با تمام این سرمایه‌گذاری‌ها که فکر می‌کنیم زیاد است و نعمت زاده (به عنوان یک کارشناس ناقابل در خدمتتان) فکر می‌کند خیلی کم است، برای اینکه با شاخصهایی که در دنیا هست مقایسه می‌کنیم. اگر سرمایه‌گذاری در صنعت کشور نشود علاوه بر مسائل اشتغال و حفظ و نگهداری نیروهای متخصص و تحصیل کرده در داخل کشور و مناطق محروم کشور شما کمبود کالا خواهید داشت. یک کمی اثرات آن را اسمال دارید ملاحظه می‌فرمایید ما باید به جایی برسیم که حداقل این خاک خودمان را خودمان سیمان بکنیم

متوقف نکردند. ساعت کار را از (۱۰) شب تا صبح گذاشتند که شبانه بتوانند بتون بریزند. خوب، اگر ما امروز بیائیم بگوئیم که اینها پیش نرفته و کار نکرده اند، کسی که در این گرمای تابستان کار کرده (خدا شاهد است) چون ما میرویم سرکشی می کنیم خجالت می کشیم آن طوری کار می کنند) واقعا آخر ما به این چه بگوئیم؟ شما در بیجار کردستان تان امروز (۶۰۰) نفر ... بلی، این طرح از قبل از انقلاب بوده ولی روی کاغذها بوده. درخاش سیستان و بلوچستان چند هفته زن و بچه (۲-۳) نفر از همکاران ما را بردند که الحمدلله پیدا شد و مهندس را من در آنجا نگهداشتم که زن و بچه اش را این طوری میانندگروگان می گیرند. (۷۰۰) نفر در آنجا تا ساعت (۱۰) شب کار می کنند سرزده بروید ببینید این هم گزارش ماه به ماه است هر ماه چقدر پیشرفت کرده بیش از (۷) هزار نفر عوامل مجری و پیمانکار در این (۲۰) طرح سیمان امروز در کشور کار می کنند منتها یکی گوشه ایلام است، یکی در بندر خمیر است، یکی در خاش است، یکی نمین اردبیل است و یکی در بالای بجنورد است، همه اینها در مناطق محروم کشورند دارند کار می کنند تلاش می کنند که آب شان را کیلومترها ... همین در بندر خمیر (۶۰) کیلومتر مالوله کشیده ایم که آب را پای کارخانه بیاوریم، خدا شاهد است آن قدر برای لوله اش دوندگی کرده ایم تا بتوانیم جور کنیم، یک مقدارش آزیست شده و یک مقدارش فولاد شده که بتوانیم جور کنیم فقط ... منت هم برای کسی نداریم وظیفه مان است. همان که (۶) طرح احداث راجناب آقای دری فرمودند یکی از آنهاست بروید ببینید. بلی خیلی از اینها از سال (۵۰) هم اسمش هست ولی شما ببینید اینها از (۶۹) به بعد اجراش شروع شده یا قبل از آن شروع شده؟ همین که شما در فاینانس منظور کردید ما توانستیم. فاینانس هم میدانید یک سال بیشتر طول کشید که اصلا راه و چاره اش را مملکت یاد بگیرد ما این افتخار را داریم که اولین طرحهای فاینانس که در مملکت گشایش شد مال وزارت صنایع است، اولی اش هم کاغذ و سیمان بود بعدش هم لاستیک. به آدامس و شکلات و از این حرفها که ما این ارزها را ندادیم، لیست طرحها را شما تصویب فرمودید. یک سری هم متأسفانه خورد به این مشکلات بیمه هنوز (۵۰۰-۶۰۰) میلیون دلار طرحهای ما چند تا طرح سیمان یکی دوتا لاستیک هم در بانک دوسالی است مانده که ان شاء الله بعد با کمک عزیزان آنها را هم رد می کنیم چون مورد نیاز کشور است. ساختمان هایش راهم ساخته ایم ممکن است شما بفرمایید این سوله اش آماده است خوب، بلی، پرونده اش هم دوسال است آنجاست. ما هم فاینانس عمل کردیم دولت همین فاینانس ها را اعلام کرد که به ارزشناور باید باز پرداخت کنند، اگر ما آن روز آنها را نقد می دادیم که (۷) تومان می شد نرخ مملکت (۷) تومان بود. یعنی به ضرر شان هم شد هم باید سود تسهیلات را در این مدت بدهند و هم یکی دو سال آن طرف ماندند یکی دو سال این طرف در بانک ماندند بعد هم که (۱۷۵) تومان می خواهند باز پرداخت کنند. مع الوصف این کار را انجام میدهم، پای آن هم ایستاده ایم. این سیمان ها هم راه می افتد ما هم نباشیم اینها راه شان را بلدند سیستم دارند، گزارش دارند جلو میروند.

در مورد سرمایه گذاری من باز به عنوان برادر کوچک تان در این سنگر به عنوان مطلع دارم عرض می کنم. خدا شاهد است مردم نازنینی داریم، اینها لیبیک گفته اند به خواسته دولت، به خواسته مجلس و از سرمایه گذاری صنعتی استقبال کرده اند که آنقدر در یک سال اول تقاضای موافقت اصولی بود که بعضی مدیر کل ها آمدند گفتند آقا اگر این طوری پیش برود مثلا ممکن است صد هزار و اینها بشود گفتیم نه، اینها تشنه اند (۱۰-۱۲) سال است بهر صورت محدودیت جنگ و انقلاب را داشتیم حالا به آنها گفته ایم میتوانید بیایید سرمایه گذاری کنید و باورشان شده که دولت و مجلس حامی مردم اند که بیایند در بخش صنعت سرمایه گذاری کنند. این یک سالی بالاتر رفت بعد تقریباً آمد پایین و حالا به صورت تعادل رسید، تقریباً به صورت یک خط موازی میرویم، آنهایی که می خواهند سرمایه گذاری کنند میبایند موافقت اصولی می گیرند. موافقت اصولی یا جواز تأسیس هم امروز این طور نیست که اگر جواز تأسیس حتماً باید کارخانه باشد. جواز تأسیس به این معنی است که کلیت این طرح را که در این منطقه انجام خواهد شد نظام قبول دارد تازه بعد از این میروید مطالعه بیشتر می کند می بیند وضع اقتصادی اش چطور است، پولش را از کجا بیاورد، ارزش را از کجا بیاورد، ماشین آلاتش را چکار کند و تکنولوژی اش را ... اگر ببینید می تواند میروید دنبال میکند اگر نتواند این جواز تأسیس هم یک سال

ان شاء الله قول داده اند در اواخر سال آینده در ساری افتتاح شود. بلی، این طرح (۱۸) سال در کاغذ بود حالا من باید جواب بدهم، ولی شما بروید ببینید که اعتبار این اگر دو سال پیش باز نشده ما حاضریم از آن دو سال کنتور ما را حساب کنید که همه کارشناسان موجود گفتند این (۴-۵) سال بیشتر طول می کشد ما گفتیم نه، باید این کار، ۳ ساله تمام شود و ان شاء الله هم در همان ۳ سال یا کمی بالاتر تکمیل خواهد شد و نصب شروع شده. در این کارخانه کل نیاز کاغذ روزنامه کشور شما اینجا دیگر تأمین خواهد شد. حالا شما یک کیلو کاغذ روزنامه در کشور تولید نمی کنید، (۵) هزار تن کاغذ چاپ و تحریر تولید خواهد شد و (۷۰) هزار تن کاغذ بسته بندی تولید خواهد شد اینها همین ارزهای ناقابل را ما از این طرف و آن طرف جمع کردیم این کارها را کرده ایم. اگر اینها لفت و لیس شده، خدای نکرده جایی رفته، خدا ما را نبخشد. مدیران ما را هم نبخشد و حاضریم در هر محکمه هم جواب بدهیم. حالا اگر یک نمایشگاه صنایع دستی برای ترویج صنعت کشور، دوستان ما در شیراز گذاشتند (در مهد صنعت دستی مملکت) سال قبلش در اصفهان گذاشتند و اسمال در تبریز گذاشتند، یک گروه فیلم بردار و عکاس آمدند از رادیو تلویزیون یک هفته یا ده روز زحمت کشیدند برای اینها یک سماور موقع رفتن هدیه دادند که جمعش ۲۰۰ هزار تومان شده ما حالا باید اینجا توییح شویم برای این؟ بخدا آنها پیش از این زحمت کشیدند، اینها را به مردم نشان دادند از صنعتگران تقدیر شده اگر ما یک جمع صنعتگر آوردیم در نمایشگاه خارجی یک کمی خرج بلیطش کردیم تا برود فرهنگ شما را در آنجا نشان بدهد... ما اصلا وظیفه مان همین هاست، سازمان صنایع دستی وظیفه ترویج دارد. در همین نمایشگاه شیراز آقای دکتر تشریف داشتند افتتاحش بودند نمایشگاه اصفهان هم به ما افتخار دادند تشریف آوردند، شما صنعت دستی تان روز به روز رو به زوال میرفت استاد کاران اصلا خانه نشین شده بودند. اینها امروز سربلند کرده اند، مشکلات شان را با شما مطرح می کنند. همین نمایشگاه تبریز که ما متهم هستیم چقدر سرمایه گذاری شده این چون خوشبختانه تکمیل شده (۵۳) میلیون تومان هزینه نمایشگاه شده از اجاره محل، غرفه سازی، رفت و آمد، غذا، شام تمام (۱۴۰) صنعتگر از سراسر ایران برده ایم آنجا خوب، صنعتگر که نمیتواند از جیب خودش پول بدهد. روستائی، عشایری، ما اینها را برده ایم آنجا بالاخره (۱۰) روز پول غذا و مسکن. شان را داده ایم. این (۵۳) میلیون تومان حساب های ریزش راهم من آورده ام اینجا چون دیروز هم یکی از برادران به ما اشاره کردند که این ولخرجی شده است ما اصلا وظیفه مان ترویج صنایع دستی است، این نمایشگاه برای این است. پس بگوئیم این هزینه هائی که در نمایشگاه بین المللی تهران میگذاریم همه مثلا اسراف است. بلی، اگر در برگزاری ما اسراف کنیم آن اسراف است ولی خود نمایشگاه، هزینه برای نمایشگاه که نمیتواند اسراف تلقی شود. اگر شما ببینید ما یک چیزی رایج تومان میتوانستیم بدهیم دو تومان همکاران دادند باید جوابگو باشند ما هم در خدمت تان هستیم. من عذر می خواهم چون مطالب زیاد و پراکنده بود ما می خواهم یک خرده جمع و جور کنیم و با این عرایضی هم که از قبل به عنوان برنامه تهیه کرده ام خدمت عزیزان عرض کنم.

در مورد سیمان خوب، یکی از مطالبی که مطرح شد توسط بعضی از برادران، بحث این بود که آقا طرح های سیمان اصلا پیش نرفته و خوب نبوده و اینها، آقای عابدی که قبلا نماینده دوره سوم بود حالا مدیر پیگیری طرح های سیمان ما هست من ظهر دیدم حالا نمیدانم هست یا نه، بروید از خودش پرسید ایشان مسؤول است. من می خواهم با شهادت عرض کنم این گزارش ماهانه کامپیوتری است که از طرح های سیمان به وزیر می رسد چقدر بتون ریخته اند، چقدر آرمانتور مصرف شده، چقدر پی کنده اند با این دقت برای ۲ طرح در کشور هست شما بفرمائید یک روزی در این مملکت بوده است که با این دقت طرح را اجراء کنند؟! ما سه شبانه ها از ساعت (۸ تا ۱۰/۳۰) برای پیگیری طرح های سیمان جلسه ای داریم که خود من در آنجا شرکت می کنم، درهم باز است هر کدام از عزیزان هم تشریف بیاورند هفته ای (۲-۳) تالرح میگذاریم پیگیری می کنیم، خود من هم آنجا می نشینم اگر مشکلاتی در حد ماهست ... چون اینها برای کشور مهم است. من امروز می خواهم عرض کنم که طرح های ما از (۵۰۰) نفر شاغل به بالا دارند کار می کنند من در مرداد و شهریور در هوای شرجی بندر خمیر استان هرمزگان که بتون ریزی را تجویز نمی کردند عوامل و همکاران ما دستگاه یخ سازی گذاشتند و آب رایخ کردند بتون درست کردند کار را آنها

مناطق غیر برخوردار و محروم بودجه عمرانی بگذارید که ما بتوانیم ببریم این را به یک حدی برسانیم که او بیاید سرمایه گذاری کند و تجربه و آمار ما هم نشان میدهد که اگر (۳) میلیون تومان سرمایه گذاری کنیم (۹۷) میلیون تومان مردم در شهرک میگذارند حالا شما ببینید چه تجارت خوبی است یعنی دولت اگر (۳) میلیون تومان آنجا آباد کند مردم با پول خودشان و تسهیلات بانکی (۹۷) میلیون تومان میبند کارخانه میزنند ولی وقتی زمینهاش نیست دیگر نمیتوانند. خوب، به من وزیر اگر این امکانات را ندهید در (۵) سال آینده، (۳) سال آینده من چکار کنم؟! دیگر معذور خواهم بود ولی اگر ما را یاری بدهید... این در پیشنهاد دولت نیامده ولی پیشنهاد بعضی از کمیسیونها هست ان شاء الله تلفیق هم عنایت بفرمایند ما ممنون می شویم.

مطالبی که عزیزان فرمودند من خیلی سریع دارم عرض می کنم مرور کنم یکی بحث واگذاری است که من به مصادیقش با اجازه نمی پردازم ولی هر کدام از عزیزان مسأله ای دارند شک و شبهه ای دارند شخصاً آماده ام جوابگو باشم اگر هم اشتباه کردیم اشتباه را بر میگردانیم و عذر خواهی هم می کنیم ضرر و زیانی هم اگر شده جبران می کنیم، دیگر بالاخره شرط این طوری است. علتش این است که بر کارمان نظارت داریم این گزارش واگذاری است که هر ماه پیش من میاید این آخرین گزارش است. یک گزارش خلاصه تر است، یک خرده ریزتر است، کاملاً ریزدانه، دانه صفحه به صفحه، طرح به طرح در چه وضعی است، چند سهم است، چه طوری داریم واگذار می کنیم، چه طور قیمت گذاری شد و اینها ماه به ماه پیش ما میاید با همدیگر مرور می کنیم، توافق می کنیم بعد همکاران میروند عمل می کنند، من خلاصه اش را اینجا عرض می کنم، چند مطلب در واگذاری من دیدم یک خرده مخلوط شده لازم میدانم یادآوری کنم و ان شاء الله این سوء تفاهم از بین برود. وقتی که ما یک واحدی را میخواهیم واگذار کنیم با تمام بدهی و مطالباتش واگذار می کنیم. مثلاً اگر یک واحد را کارشناس رسمی دادگستری ویا آن هیاتی که برای این کار انتخاب شده اند صد میلیون تومان قیمت گذاری کرده این را ممکن است شما بروید کارخانه بگویید آقا این (۵۰۰) میلیون می ارزد شما (۱۰۰) میلیون... بلی، این (۵۰۰) میلیون می ارزد ولی (۴۰۰) میلیون به دارائی و بانک و تأمین اجتماعی بدهکار است، با آن بدهی هایش حساب کنید، یعنی (۱۰۰) به علاوه (۴۰۰)، (۵۰۰) میلیون می شود یعنی آن بدهی هایش را او متعهد شده پرداخت می کند. یک مثال زده شد که یک واحدی را (۵۰) میلیون فروخته اند این (۱۵) برابر می ارزد ما میخواهیم بیشتر بیارزد و ما هم بیشتر فروختیم. همین کارخانه (۷۵۰) میلیون تومان بدهی دارد. منتها با خواهش و تمنای دولت و صنایع ملی که آقا فعلاً در کارخانه را نندید ویمه تأمین اجتماعی و دارائی را عقب انداختیم و پول فروشندگان مواد اولیه را نداده ایم حالا این بلی در کاغذ اولاً (۵۰) میلیون صد درصد نیست بلکه (۳۳٪) آن را کنار گذاشتند سهم کارگر برابر مصوبه دولت بقیه آن (۹۷٪) را (۵۰) تا فروخته اند (۷۵۰) تا هم اضافه کنید (۸۰۰) تا میشود بنابراین نه صد درصدش (۹۷٪) را (۸۰۰) میلیون فروخته ایم یعنی خیلی گران تر از آن که شما ضرب و تقسیم فرسودید. بنابر این آن قیمتی که شما می شنوید این قیمت واقعی نیست باید بدهی، طلبش و اینها را هم رسیدگی کرد بعد جمع و تفریق کنیم و ببینیم.

نکته دوم، خوب، قیمت گذاری هم در اوایل ضابطه خاصی نداشت. ما شاید (۶) ماهی تلاش کردیم که چگونه قیمت گذاری کنیم، جلسات مکرر در وزارت اقتصاد و دارائی و در بورس، بورس یک رویه داشت آن را دنبال کردیم دیدیم اصلاً به ثمن بخش باید بفروشیم، شورای بورس اصرار داشت که این راه من درست است ما هم گفتیم آقا این که خیلی ناجور است این روش تو آن موقع بود که ارز همه چیز (۷) تومان بود امروز ارز کشور (۷) تومان نیست ویا این قیمت بفروشیم درست نیست. ما رفتیم بالاخره کارشناسان مالی و اینها را جمع کردیم یک روشی را در طول یک سال... البته به تدریج هم تکمیل شد فکر کردیم یک روش معقول است از (۳-۴) روش هم قابل چک بود یکی روش جایگزینی، یکی روش کارشناسی رسمی و یکی هم روش بورس بود و یک تلفیقی از اینها، ما این روش را دنبال کردیم و همیشه هم متهم بودیم به گران فروشی نامه های مکرر هست اگر بخواهید می فرستیم خدمت ریاست محترم مجلس از بانک مرکزی، از رئیس شورای بورس، از وزارت اقتصاد و دارائی جناب آقای دکتر نوربخش آن موقع بودند که آقا اینها دارند گرانفروشی می کنند ویا این

معتبر است هیچ کاری نکرد خود بخود باطل میشود سقف پولی هم که میدهند (۱۰۰) هزار تومان برابر مصوبه هیأت وزیران است، زم در هزار سرمایه گذاری ثابت و باسقف (۱۰۰) هزار تومان است. طی برنامه من آماری آوردم اینجا که مال پنج ماهه است متأسفانه (۶) ماهه را دوستان نتوانستند امروز جمع کنند معمولاً پانزدهم هر ماه میاید. مثلاً باید شنبه، یک شنبه در بیاید (۵) ماهه اسسال که وضع ارز دیگر روشن است مثلاً حالا ارز، نه ارزانی هست نه گرانی هست. خلاصه سخت ترین شرایط را ما داریم، وضع تسهیلات هم که روشن است، استقبال مردم که آمده اند جواز تأسیس گرفته اند برای خود ما غیر قابل قبول است. یعنی من خودم فکر نمی کردم این مقدار استقبال بشود مردم خط را از شما واز دولت گرفته اند که آقا تولید داخلی میخواهد ارزش داشته باشد. اینکه ارز به قیمت واقعی نزدیک بشود، اینکه تعرفه های گمرکی منطقی بشود، اینکه به منابع داخلی اعم از نیروی انسانی و مواد اولیه و منابع طبیعی مان اتکاء کنیم این دارد یواش یواش جدی میشود دیگر این طور نیست که یک روز بگویند وارد کنید یک روز بگویند وارد نکنید. برای همین است در این شرایط سخت آمده اند تقاضا کرده اند و موافقت اصولی گرفته اند که جواز تأسیس را که ما در این ۵ ماهه دادیم نزدیک به (۴-۵) هزار است، بین (۴ تا ۵) هزار است. - ۵۰۰ مورد در ظرف (۵) ماه آمده اند جواز تأسیس گرفته اند. قطعاً اینها به امید ارز ارزان نیستند، تسهیلات فراوان نیستند، کسانی نیستند که بخواهند جواز تأسیس بخرند از آن طرف بفروشند چون دیگر ارزش ندارد هر کس بیاید طرحش منطقی باشد ما به او جواز تأسیس میدهم، یک ماه دیگر هم اگر نکرد ردش می کنیم. این نشان میدهد که مردم هنوز در صحنه هستند، در میدان هستند میخواهند سرمایه گذاری کنند و این مناطق محروم و غیر برخوردار مملکت را باید اینها بروند آباد کنند. حالا شما اگر منابع عمومی را به ما بدهید برویم سرمایه گذاری کنیم خوب، در حدی که امکانات مملکت یاری بدهد بدهید ما هم کمک می کنیم، ما هم وظیفه مان را انجام میدهم، ولی میدانیم ندارید به ما بدهید. پس ما باید مردم را به صحنه بیاوریم و آنها را تشویق و ترغیب کنیم، در این برنامه دوم مشوق های معقول برای شان تدوین کنیم که اینها دراز مدت امیدوار شوند بیایند سرمایه گذاری کنند خدا شاهد است تخصص آن را دارند، مدیریتش را دارند، دانائی اش را دارند شجاعتش را دارند و شما باید تک تک این مردم را مجاور هر هستند. من این را عرض می کنم به عنوان کسی که با مردم کار دارد، وزارتخانه ما وزارتخانه مردمی است، ما از صبح تا غروب با اینها کار داریم. ما گاهی با (۱۰) دقیقه حرف زدن با یکی وادارش می کنیم میروند (۲) میلیارد تومان سرمایه گذاری می کند. فقط دو تا عدد ورقم درست حسابی میدهم، آقا این مملکت نیاز دارد خیالت جمع باشد برو این کار را بکن اقتصادی هم هست. یا علی، بلند میشود میروند. خوب شما این مردم را در اختیار دارید بیاید یک سیاست هائی بگذارید که اینها به صحنه بیایند، به کمک تان بیایند و سرمایه گذاری کنند. مثلاً ما در خیلی از جاهای کشور هنوز رشد صنعتی نداریم، خدا شاهد است نه اینها امکانات دولت میخواهند.....

(۵) ماهه (۳۱۶۱) مورد بوده آن (۶) ماهه را حالا من اینجا دقیقاً ندامم که اگر همین ها تحقق پیدا کند (۸۰) هزار اشتغال است، شما بگویید اصلاً یک سوش تحقق پیدا کند این (۲۰-۳۰) اشتغال است. در این (۵) ماهه مردم آمده اند با سرمایه خودشان سرمایه گذاری کنند، منتها ما از شما تقاضا داریم این اگر میخواهد برود یک جا کارخانه بزند بجای اینکه در بردن بال زمین و آب و برق و تلفن و مجوز منابع طبیعی و محیط زیست و اینها بشود ما رایاری دهید، کمک کنید بتوانیم این شهرک های صنعتی را بهتر پیش ببریم که با زاین هم از افتخارات برنامه اول است. آمارش در این عملکرد آمده که ما چند فقره زمین در طی این ۵ سال واگذار کرده ایم منتها چون وقت کم است دیگر من اشاره نمی کنم تقاضا می کنم که در این یاد داشت ها هست ببینید. ولی ما در مناطق محروم غیر برخوردار نیاز به تشویق بیشتر برای مردم داریم، مانمیگوئیم در اصفهان، تهران، کاشان، یزد و مشهد ولی اگر ما در گناباد بخواهیم شهرک بسازیم باید کمک کنید، ما اگر میخواهیم در رامهرمز شهرک بسازیم باید کمک کنید، ما اگر میخواهیم در دیوان دره شهرک بسازیم، در سنج بزنیم باید کمک کنید که این شهرک ها یک خرده آباد شود امکانات زیر بنایی فراهم شود. در این برنامه تقاضای شورای برنامه ریزی صنعت (که آقای نژاد حسینیان هم در رأس آن بودند ما هم در خدمتشان، امضای ایشان هم به دولت آمده و به کمیسیون صنایع و معادن) این است که سالی (۴) میلیارد تومان برای این شهرک های

این قانون دست نگهداشته‌ام اینکه وزارت صنایع نیست سازمان گسترش است. آنها هم طول کشید تا اینکه شرکتها را آماده کردند و حالا آماده واگذاری است، این آماده کردن شرکت از لحاظ مالی، حسابرس قانونی باید تأیید کند، بورس بررسی کند به تصویب شورای بورس برسد، تمام اینها خوب یک مراحل بسیار سنگینی است. که اینها را خوشبختانه در طول این (۲-۳) سال پشت سر گذاشته‌ایم و حالا اینها قابل واگذاری است به همین دلیل اسامال ما واحدهای بیشتر را به مدیران و کارکنان داده‌ایم. مثلاً اشاره میشود که آقا شما به یک مدیری که یک جای دیگر هم شاغل است داده‌اید، به خدا ما این کار را نکرده‌ایم. همین موردی که ایشان فرمودند من چون ذهنم هست عرض می‌کنم (۸۰۰) نفر کارکنان و مدیران آن واحد اینجا را خریدند. اگر (۸۰۱) نفر هم متقاضی بود چون آگهی عمومی داده شده بود هرکس آمادگی داشت می‌توانست بخرد منتها طبیعی است اینها مدیرشان را نماینده کرده‌اند بیاید مذاکره کند کار نقل و انتقال را انجام دهد، حالا ایشان فکری کند به آن یک نفر داریم می‌فروشیم نه بابا این نماینده آن (۸۰۰) نفر است و آمده مذاکره کند کارهای کاغذبازی و نقل و انتقال و ثبت و اینها را انجام دهد، ما نمیتوانیم (۸۰۰) نفر را در همه جا ببریم به همین کارخانه آزمایش اشاره شد آنجا را (۲۵۰۰) نفر که تمام کارگران و کارکنان بودند خریدند، مانده به طاغوت فروختیم نه به فراری فروختیم بلکه بعضی از اینها حدود (۷۵۰) نفرشان یک سال به بالا درجه بودند. حالاً ما میتوانیم بیاییم بگوئیم بسیجی نیست کسی دیگر بسیجی است؟ بابا، این هم بسیجی است، این هم ۲۰ سال در اینجا زحمت کشیده، اولی است. بهر صورت من با توجه به وقت... اینکه حالا چه کسی این کار را کرده، در رأس چه کسی است حساسیت روی نفرت و اینها من خواهش می‌کنم او را از این بحث جدا کنید. بحث واگذاری مطمئن باشید درست انجام شده است. ما حتماً گران‌تر از ضوابط جاری فروخته‌ایم. همیشه هم متهم به گران‌فروشی بوده‌ایم. ولی خودمان هم فکر می‌کنیم گران فروخته‌ایم، چون به این قیمت خریدند. اگر گران‌تر از واقع بود. خوب، کسی نمی‌خرد. بنابراین ما فکر می‌کنیم درست عمل کرده‌ایم. مثال قند را من عرض کنم که فرمودند قند این طوری... ما ۸ کارخانه قند واگذار کرده‌ایم که از این ۸ تا، ۳-۴ تا آنها اول برنامه تعطیل بود. (۵-۶) سال قند مسنی را ۸ سال قبل از برنامه خوابانده بودند. ۳ بار این را حراج کرده بودند تا بفروشند، هیچ کس نیامده بود بخرد، قند یاسوج همین‌طور ۳ سال بود تعطیل شده بود و کار نمی‌کرد. قند پیرانشهر بمباران شده بود تعطیل شده بود هیچ کس کار نمی‌کرد ما این را بازسازی کردیم. از این ۸ تا کارخانه، ۴ تایش در بورس واگذار شده، ۳ تا از آنها درمزایده واگذار شده، یک دانه قند یاسوج مان را کارخانه‌ای که در یاسوج رژیم قبل فقط برای ایجاد اشتغال زده بود، نه توجیه اقتصادی داشت نه چیزی و سال‌ها بعد از انقلاب هم خوابیده بود. این رامابه کلیه کارکنان و مدیرانش با مذاکره فروختیم. پس یک دانه از اینها با مذاکره است آن هم نه با طاغوت، نه با فراری، نه با سرمایه‌دار، بلکه به کارگران آنجا (عذر میخواهم) یک خرده سرشان را شیرمالیدیم و به آنها فروختیم، چون کس دیگری نمی‌خرد. گفتیم ۴ ساله پولش را میدهند و اینها خریدند. حالا آیا این به معنی...

جلیل رشیدی - اخطار آئین‌نامه‌ای دارم.

نایب رئیس - آقای مهندس یک لحظه تأمل بفرمائید! آقای رشیدی ماده چیست؟

جلیل رشیدی - ماده (۷۷) در رابطه با واگذاری سهام کارخانه آزمایش میخواهم توضیح بدهم...

نایب رئیس - نه، توضیح نمیتوانید بدهید. شما وقت خودتان را استفاده کرده‌اید بحث کردید، ایشان دارد پاسخ میدهد. دیگر از ماده (۷۷) که نمیشود استفاده کرد و پاسخ داد...

رشیدی - عذر میخواهم جناب آقای روحانی! این واگذاری سهامی که جناب آقای وزیر فرمودند، حالا یا اشتباه به عرض ایشان رساندند یا...

نایب رئیس - خیلی خوب، باز هم اینها (۷۷) نیست. ببینید! (۷۷) زمانی است که به شما توهین شود یا حرفی که شما زدید، با تحریف نقل کنند. این را که شما نمیتوانید جواب بدهید. (۷۷) که برای این نیست، بفرمائید خیلی متشکر. آقای مهندس ادامه دهید.

مهندس نعمت‌زاده (وزیر صنایع) - ما باز در خدمت برادرمان آقای رشیدی

وضع بورس نمیتواند فعال بشود. مع الوصف ما پافشاری و ثابت کردیم که این روش ما درست است خوشبختانه همین روش در سال گذشته توسط شورای اقتصاد به عنوان رویه عمومی کشور تصویب شد و به همه ابلاغ شد. استدلال ما آن موقع این بود که ما با این روش قیمت‌گذاری می‌کنیم می‌رویم بورس، اغلب این مردم می‌خرند پس این نشان میدهد که این قیمت بالا نیست و چنین هم قیمت نگذاشته‌ایم که هیچکس نخرد برای همین هم بر خلاف بعضی از دستگاهها که نتوانستند چیزی بفروشند ما هم فروخته‌ایم هم متهم به گران‌فروشی بوده‌ایم. یکی از همین نمایندگان عزیزی که امروز تذکری دادند در مورد واگذاری واحدی که ما فروخته‌ایم همین چند روز پیش چانه می‌زد آقا این را گران فروخته‌ای این را تخفیف بده. من برای او قسم خوردم گفتیم نه گران فروخته‌ام چون اینها ایثارگر و کارگر بودند ما یک خرده ملاحظه کردیم در بورس نبردیم و به همان قیمت کارشناسی دادیم، ولی اگر این بورس رقابت شود بدانید بالاتر از این می‌خرند. حتی گفتیم اگر نمیخواهند پس بدهند من ببرم بورس یقین دارم آنجا وقتی رقابت بورس آمد یک خرده بالاتر می‌رود و می‌خرند. ولی همین آقا (مثلاً ما متهم می‌شویم که اینها دارند از آن می‌فروشند) همین چند روز پیش می‌گفت تخفیف بدهید این خیلی گران است، نامه رسمی هم داده. بنابراین ببینید بستگی دارد با چه دیدگاه شما نگاه کنید. ما به عنوان امین شما معتقدیم آنچه که میشد انجام دادیم نه مفت فروختیم، نه ارزان فروختیم و نه قیمت خودمان را گذاشتیم که کسی نخرد.

مطلب دیگر موارد و مصادیقش را من وارد نمی‌شوم ولی همه را یادداشت کرده‌ام حتی در اغلب اینها حضور ذهن دارم چون این گزارشات را مرتب می‌خوانیم و می‌بینیم اگر هم اجازه بفرمائید من یک نسخه را رسماً با یک نامه تقدیم حضورتان می‌کنم و این هم ماه به ماه می‌آید. اما من خلاصه‌ای در مورد این واگذاری عرض کنم. ما حدود (۱۳۷) واحد قبل از این قانون، واگذار کردیم که از این ۱۳۷ واحد... چون بعضی‌ها ما را متهم می‌کردند که شما به دستگاه‌های دولتی و به نهادها واگذار می‌کنید در صورتی که از لحاظ ارزش (۷۰٪) به نهادها و دستگاه‌های دولتی واگذار شده، اینها هم مثلاً تأسیس اجتماعی بوده یک کارخانه دارو داشته گفته آقا اگر این را هم به ما بدهید مثلاً این کار ما جور می‌شود، ردیف میشود یا مثلاً نصف سهام را بنیاد داشته، نصف سهام دیگر را هم مجبور شده‌ایم برای اینکه مدیریتش یک کاسه شود به او داده‌ایم. اگر کسی دیگر بیاید اینها هم اغلب این تپ هستند. (۶۵٪) به عموم مردم و بخش غیردولتی واگذار شده و (۲۸٪) به کارگران و کارکنان واحدها، حالا ما اینجا متهم هستیم که هیچ چیز نداده‌ایم. علاوه بر این با آن قیمت ترجیحی از محل (۳۳٪) یعنی یک قیمت میانگین برای کارگران است ما از آن محل هم (۴۱) میلیارد ریال معادل (۱۱/۲) میلیون سهم تا حال به کارگران واگذار کرده‌ایم، بیش از این هم متقاضی نبوده است. سهام مال آنهاست در امانت است ما نگهداشته‌ایم فقط برای نگهداری این هزینه دارد ما باید عضو هیأت مدیره بگذاریم، نگهداری کنیم، دفاتر را رسیدگی کنیم. ما آرزوی‌مان است که امروز کارگران عزیز یا گسترش‌سالی که متولی شده اگر ظرف یک مدت آنها نخرند بیاید بخرد. بیاید فردا اینها را بخرد و ما رها شویم. ولی آن مقداری که تقاضا بوده و به تدریج آمده (۴۱) میلیارد هم به قیمت ترجیحی علاوه بر آن واگذار شده. نکته دیگر در مورد واگذاری که آقا اینها به مدیرانی که مثلاً در گذشته خوب عمل نکرده‌اند حالا داده‌اند ما اولاً تا اول اسامال به مدیران و کارکنان نمیتوانستیم خارج از ضابطه واگذار کنیم. شب عیدی شورای اقتصاد تصویب فرمودند که ما به اقساط (۴) ساله می‌توانیم به مدیران و کارکنان واگذار کنیم، وقتی که این شرایط سهل تصویب شد و از ۷۳/۱/۱ قابل اجراء شد ما تقاضای‌مان زیاد شد، چون سابق نقد و حداکثر یک ساله می‌فروختیم بدیهی بود کارگران و کارکنان نمی‌توانستند بخرند، ولی وقتی ۴ ساله شد و با ۲ سال پیش پرداخت اینها دیدند که میتوانند جلو بیايند و به همین دلیل ما اسامال فروش به مدیران و کارکنان‌مان اضافه شده گاهی شنیده میشود که چون مثلاً این قانون تصویب میشد این طور است والله بانه این طور نیست. اولاً این واحدها برای اینکه آماده بشوند، حسابرسی بشوند و شرایط شان درست بشود زمان برده ما تقریباً میتوانیم بگوئیم حالا واحدهای‌مان هم آماده واگذاری است. بنابراین از اواخر سال گذشته به تدریج آماده تر بود. همین روزنامه (۲-۳) روز پیش نوشته بود سازمان گسترش گفته من چندتا شرکت آماده واگذاری است بخاطر

می گذاشتیم و این را تا اواسط سال گذشته هم داشتیم. حقیقتش دیگر خیلی به ما انتقاد شد ما هم دیگر دیدیم که هیچ کسی قضیه را جدی نمی گیرد. ما گفتیم دیگر کاسه داغ تراز آش نباشیم. این به عنوان روش و رویه، به عنوان قیمت ارشادی وقتی که دولت گفته بود هیچگونه قیمت نباشد، بخاطر وفور عرضه و تقاضا و اینها، یعنی ماهمان موقع هم فکری کردیم اگر رهایش کنیم ممکن است اجحافاتی صورت بپذیرد و این را به نفع صنعت هم نمیدانیم، واقعاً ماگران فروشی را فکری کنیم به خود صنعت ضرر می زند یعنی به جای اینکه او برود هزینه هایش را پائین بیاورد، خودش را رقابت پذیر کند با همین پول چاله و چوله هایش را پر می کند، به عنوان یک کارشناس صنعتی من این کار را هم توصیه نمی کنم. در مورد اینکه با حاشیه قیمت بازار و اینها حرکت کنیم که باز بعضی از عزیزان هم یاد داشت داده بودند، هم در فرمایشات شان فرمودند ما واقعاً در این شرایط موافق نیستیم و من نظرم را کتاباً به آقای آل اسحاق هم عرض کردم، رونوشت آن هم اینجا هست. حدوداً ۱۶ قلم کالا است (اعم از مواد پتروشیمی، کالای عمومی، مصالح ساختمانی و مواد غذایی) توصیه کردم که اینها را ظرف یک سال ما باید یک نظارت و کنترل مشخص داشته باشیم. دیروز هم یک جلسه در مورد لاستیک خودرو خدمت ایشان و وزیر راه و وزیر تعاون در این خصوص داشتیم یعنی این را خود ایشان هم صحه گذاشت. من دیروز گفتم اگر موافقی ما از قول توهم بگوئیم. گفت آری بگو من هم موافق این لیستم که باید اینها نظارت و کنترل به نظر من حداقل برای یک سال صورت بگیرد تا اینکه این مریض اقتصادی و عرضه و تقاضای بازار را به یک نحوی ... اگر دیدیم درست شد خوب رهایش می کنیم خودش برود، اگر نشد باز باید ادامه داد. اینها چیزی نیست که واقعاً رها بشود چون مردم به این حساس هستند. حالا بعضی از این اقلام صنعتی است، بعضی کشاورزی است، بعضی دامی است، بعضی ممکن است وارداتی بشود. مثلاً در مورد قند و شکر روز دوشنبه که شورای اقتصاد بود خود ما هم پیشنهاد دادیم که اسسال محصول قند و شکر علی رغم اینکه مصوبه شورای اقتصاد داریم (۳۰٪) آن را باید در اختیار سازمان قند و شکر بگذارند و (۷۰٪) آن را میتوانند آزاد بفروشند، من تقاضا کردم اجازه بدهید اسسال را (۱۰۰٪) بیاید در یک سیستم کنترل شده، چون اگر از دست برود بالاخره کارخانه فوقش (۱۰۰) تومان بفروشند. این (۱۰۰) تومان، (۲۰۰) تومان، دیگر این از دست ما در رفته. به همین دلیل قرار شد یک طرحی تافته آینده برای شورای اقتصاد با کمک وزرای ذیربط، آقای وزیر بازرگانی زحمت بکشند ما هم کمک شان کنیم (وزیر کشاورزی و بنده و برنامه و بودجه) که یک طرحی راهفته دیگر ببریم شورای اقتصاد که کل تولید قند و شکر... و دیروز هم بنابه دستور آقای رئیس جمهور ما بخشنامه به کارخانه ها کردیم که فعلاً علی الحساب به قیمت قبلی شما بدهید تا قیمت جدیدم تعیین بشود باحواله سازمان قند و شکر، به کسی دیگر هم ندهید. همین آقای ناجی که امروز بعنوان متهم اول اسم برده شد، خود ایشان امضاء کردند و فرستادند. من عذر میخواهم اگر قوانین شما با امضای آقای ناطق نوری به این طرف و آن طرف ابلاغ میشود و به دولت ابلاغ میشود، این به معنی این است که هر چه آنجا تصویب شده پس دستور ایشان است؟ ایشان رئیس مجلس است ابلاغ می فرمایند. آقای ناجی، بنده، فلان مدیر کل ذیربط هم تصمیمات را باید ابلاغ کنیم. این تصمیم گاهی مال خودمان است، گاهی سیاست دولت است، گاهی مصوبه شورای اقتصاد است. بهر صورت اینها را از چشم برادران نبینید که ما به همه همکاران سان واقعاً هم عشق می ورزیم، هم ارادت داریم و فکر می کنیم زحمات وزارتخانه هم بدوش آقایان است هیچکدام شان هم ضعیف نیستند حاضرند در هر میدان مدیریت، قابلیت خودشان را ان شاء الله نشان بدهند.

بنابراین ان شاء الله با حمایت دولت و مجلس و ان شاء الله شورای اقتصاد ما سعی خواهیم کرد بعضی از اقلام کالاهای حساس و ضروری را یک نظارت کنترل شده داشته باشیم، حالا بخشی از آن که به تولید است به من مربوط است ولی در سیستم توزیع، خرده فروشی، عمده فروشی دستگاه های ذیربط باید ان شاء الله این کارها را بکنند. ولی تا در کارخانه اش قول با ما، ما کارخانه ها را اگر هر تصمیم معقول گرفته بشود، متعهد میشویم عمل کنیم، همانطوری که در مورد شکر، لاستیک، خودمان این پیشنهاد را دادیم.

و اما در مورد سیمان (چون اشاره شده جلسه هم خسته شده، من عذر میخواهم) میخواهم این را عرض کنم، بخاطر صلاح دیدی که شورای اقتصاد

هستیم، هراشکالی باشد. ان شاء الله کمک می کنیم که رفع شود. پس اگر اجازه فرمائید من از بحث واگذاری ردشوم اجمالاً مصادیقی هم که فرمودند به یکی دوتای آن ناچاراً اشاره کردم که مسأله یک خرده باز و روشن شود. نکته ای که برادران عمدتاً اشاره فرمودید بحث گرانی و اینکه وزارت صنایع چه مستقلاً و چه از طریق وظیفه مشترک هیأت وزیران در این زمینه ها نقش داشته. من قبل از ورود می خواهم آن بساور و عقیده خودم را بعنوان یک فرد که میتوانم اینجا آزادانه حرف بزنم، این بوده است که باز این راهم پای منبر یاد گرفتیم، چون این حرفها را در دولت، شورای اقتصاد به کرات گفته ام (نوارش هست) اینجا باز تکرار می کنم. ما ندیدیم یک جاگرافروشی یا اهتمام گران فروشی در مکتب ما یک ارزشی تلقی شود، مثلاً به آن عنایتی شده باشد همیشه بعنوان یک عمل مذموم تلقی شده، این از جهت مکتب مان. ما هم اینها را یاد گرفتیم. از جهت علم مدیریت امروز، مدیر موفق مدیری است که بتواند قیمت تمام شده خود را به حداقل ممکن برساند و در بازار، رقابت پذیر خود را بیشتر کند. یعنی هر حرفی در بازار که میخواهد قیمتش را بیاورد، این بتواند پائین تر بفروشد، این ارزش یک مدیر موفق است. ما حالا چه بادیگاه جدید و چه بادیگاه مکتبی مسأله را ببینیم، ارزان فروشی را یک ارزش می دانیم و از آن هم حمایت می کنیم. این به عنوان کلی اش یعنی اگر یک چیزی را میشود (۲) تومان فروخت ما اگر ۲ تومان و ۱۰ شاهی (که حالا ۱۰ شاهی نیست)، ۲۱ ریال یا ۲۵ ریال بفروشیم ما آن مازاد را فکری کنیم سوء مدیریت و تدبیر است، اجحاف است. حالا هر چه میخواهید شما اسمش را بگوئید. ولی یک موقع شما صلاح میدانید نفت و برق را به این قیمت بفروشید، تصمیم مصلحت گونه کل کشور است، حالا یا مجلس تصمیم می گیرد، یا دولت یا شورای اقتصاد خوب باید عمل کنیم. ولی اگر همان راهم من فکر میکنم بجای آن مبلغ یک ذره بالاتر تصمیم بگیریم آن هم باز سوء تدبیر و مدیریت است. (۳) سال پیش که بحث ارز رقابتی آمد و نسبتاً هم صنعت محدودیتی از جهت گرفتن ارز در کل کشور نداشت و اعلام شد قیمت گذاری، نظارت بر قیمت، توزیع همه آزاد هست (مصوبه رسمی داریم)، مادر وزارت صنایع با کمک همان آقای آل اسحاق وزیر بازرگانی فعلی که معاون اقتصادی خدمت شان بودیم و جمعی از مدیران سان، سه شبه بعد از ظهرها ۲ تا ۳ جلسه داشتیم، اسم کمیسیون هم بود «کمیسیون نظارت بر قیمت و توزیع کالا»، چندین شکایت از ما به آقای رئیس جمهور شد، نامه هایش هست تقدیم می کنم که آقای یک دکانی را نعمت زاده باز کرده همه گفته اند آزاد است، ایشان میگوید آزاد نیست، ما آنجا کارخانه ها را جمع میکردیم همه کالاها را هم نه، کالای حساس، مثلاً پودر لباسشویی، می گفتیم آقا بالاخره این قدر قیمت تمام شده اش ... چون ما که می دانستیم چند برای آنها تمام میشود، به عنوان صنعت می دانیم مواد چقدر مصرف می کند، اجرت، کار، عوامل تولید...

نایب رئیس - آقای مهندس نعمت زاده ببخشید! جناب عالی چقدر دیگر وقت نیاز دارید برای اینکه بحث های تان تمام شود؟

مهندس نعمت زاده - حداقل یک ربع به ما اجازه بدهید.

نایب رئیس - اگر بنا است جناب عالی یک ربع دیگر صحبت کنید...

آقای دکتر جناب عالی چقدر؟

حسن حبیبی (معاون اول رئیس جمهور) - حداکثر یک ربع.

نایب رئیس - نمایندگان محترم توجه فرمائید! وقت ۵ دقیقه ما یک ربع به ۳ یا (۲) دقیقه به (۳) تمام میشود. بنابراین ما باید وقت را تمدید کنیم. تقریباً با نکاتی که آقای مهندس نعمت زاده دارند و مطالبی که آقای دکتر حبیبی معاون اول محترم رئیس جمهور دارند مجموعاً حدود نیم ساعت دیگر ما وقت میخواهیم، میشود تا ساعت ۳، بعد خود بخود رای گیری و شمارش هم یک ربع یا ۲ دقیقه طول می کشد. من از نمایندگان خواهش می کنم یک ساعت ما وقت را تمدید کنیم البته احتمالاً بحث زودتر تمام میشود. ولی برای احتیاط که ما در رای گیری و شمارش دچار اشکال نشویم، موافقت فرمائید یک ساعت ما وقت را تمدید کنیم. نمایندگان محترمی که با یک ساعت تمدید وقت موافقت قیام فرمائید (اکثر برخاستند). تصویب شد. خیلی متشکر، فرمائید آقای مهندس.

محمد رضا نعمت زاده (وزیر صنایع) - بنابراین ما همان موقع این کمیسیون را داشتیم و به کالاهای حساس، قیمت های ارشادی با مشورت خود کارخانجات

در این یک ماه و خرده (۱۴۰) هزارتن سیمان از یک کارخانه خریده و بعد (۷۰) هزارتن این را تحویل گرفته، رفته یک جای دیگر دوبرابر قیمت می فروخته. خوب ببینید اینها همان هائی هستند که بازاریاب در دست می کنند. یا تعداد کثیری کد اقتصادی در همین مرداد و شهریور گرفتند (تاریخ های کدهایش هست) از کارگر کارخانه گرفته تایکاره شهر تادلان و همه آمده اند سیمان خریده اند که در کارخانه هم می فروختند، ما بخشنامه کردیم به اینهایی که مصرف کننده نیستند دیگر ندهید. این وظیفه آن هیأت نظارت بود که انجام داد. آن گزارش را هم که خواندند غیر از این است، یک گزارش یک نفر است جوابش را هم داده ایم نادرست هم هست. هیچ کارخانه ای هم ما نداریم، به ما مربوط نیست که تولید و توزیعش را متوقف کند که خدای نکرده قیمت بالا برود وقتی که این مابه التفاوت درجیب خودش نمیرود آخر کدام عاقلی این کار را می کند؟ او فقط همان (۲۰۰۰) تومان گیرش می آید، هر چه هم گران بفروشد باید بریزد به حساب سازمان حمایت، کارخانه ها راغب هستند که کمتر بفروشند. به همین دلیل وقتی که بخشنامه شد گران نکنید، خیلی از آنها می گفتند خوب، دیگر ما راحت شدیم حالا مردم ایستاده اند، بایستند. من عذر می خواهم عرایض طولانی شد.

نکات دیگری راجع به سرمایه گذاری صنعتی، صنایع تبدیلی خدا شاهد است روی صنایع تبدیلی خیلی کار شده است ولی برای نیاز کشور باید حمایت کنید که بیشتر کار کنیم، آن عدد (۱/۵٪) که گفته شد (۱/۵٪) است شاید یک صفرش افتاده ما (۱/۵٪) ارزش تخصیصی مان را طی برنامه پنجساله به صنایع تبدیلی داده ایم که این اگر از اول انقلاب تا سال برنامه بینید نیم درصد هم داده نشده، یعنی یک رشد (۲۰٪) نیست، یک رشد (۱۰ - ۲۰) برابر به صنایع تبدیلی توجه شده است که این هم ثمره عنایت و حمایت های تان چه دوره قبل چه این دوره بوده است.

یکی از برادران راجع به طرح سؤال شان اینجا مطرح کرده اند. یادداشتی که من از همکاران مان دارم، این است که یک بار ایشان خودشان قضیه را عقب انداختند. بنابراین اگر طرح نشده به تاریخ بعد موکول شدند، بعداً هم که در دستور گذاشتند خود ایشان مسافرت تشریف داشتند، مطرح نشده است. این روز یکشنبه هم که میخواستند مطرح کنند، چون جناب آقای ناطق نوری شیراز تشریف می بردند، ما هم طرح افتتاح داشتیم و میخواستیم خدمتشان باشیم، خواهش کردیم که اجازه بدهید ما در خدمت ایشان باشیم که باز هم همزمان با نمایشگاه شد، هم خودمان را به نمایشگاه رساندیم، هم به ادغام و هم به شیراز و بالاخره این یک مورد را به پای ما بگذارید ماحرفی نداریم.

من مجدداً از یکایک عزیزان که حوصله به خرج دادید و به عرایض ناقابل بنده گوش دادید، تشکر می کنم. پاسخ سؤالات عزیزان هم ان شاء الله هست، ولی دیگر چون یادداشت دادند که وقت داردمی گذرد من مصدع اوقات نمی شوم. این عنایت و توجه شما به صنعت است نه به بنده، بنده به عنوان یک سرباز، یک خدمتگزار آماده ام تجربه ۲۰ ساله ام را در این زمینه در خدمت صنعت کما کان قرار بدهم، بعنوان یک سرباز هم اجازه نداریم قهر کنیم، استعفاء بدهیم برویم. ما آمادگی مان را اعلام می کنیم، اگر ان شاء الله بارای، با برنامه دوم و یا هر چه حمایت مان بکنید، ما به اندازه حمایت بلدییم بدویم. والسلام علیکم ورحمة الله

عده ای از نمایندگان - احسنت

نایب رئیس - متشکر، جناب آقای دکتر حبیبی تشریف بیاورید مطالب تان را ایراد کنید.

دکتر حسن حبیبی (معاون اول رئیس جمهور) - بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

من بناندارم که خیلی زیاد مصدع شوم برای اینکه آنچه را که در خصوص مطالب عزیزان و سروران باید گفته میشد، خود جناب آقای مهندس نعمت زاده بیان کردند. من از جهت اینکه همواره خودم را از مجلسیان دانسته ام و دلم با مجلس بوده و هست و با توجه به محبتی که همواره عزیزان مجلسی به من داشتند، می خواهم که چند نکته را به عنوان اطلاع و نه نقض و ابرام مطالبی که در اینجا فرمودند عرض کنم.

یک نکته در خصوص مشورتی هست که جناب آقای موحدی ساوجی به آن اشاره کردند. من چون در جریان مطلب از ابتدا بودم این را عرض می کنم که

در ماه نهم سال ۷۱ گرفت، گنت سیستم کوپنی و قیمت سوئیدی سیمان قابل اجراء نیست، مفسده زیاد دارد بیائیم این را با توجه به اینکه عرضه اش روزبه روز زیاد میشود و تقاضا هم خیلی بالاتر از عرضه نیست، ما این را به قیمت روز بفروشیم و مابه التفاوت را سازمان حمایت بگیرد برای کمبود سوئید هائی که برای کالای اساسی دارد. برای کارخانه (۲) هزار تومان قیمت تعیین کردند، آن موقع هم قیمت آزاد سیمان در تهران (۶ - ۷) هزار تومان بود بحمد الله به فضل الهی بانظارتی که شد، این قیمت کاهش پیدا کرد و سیان فله تا اواخر سال گذشته به حدود متوسط (۳۷۰) تومان (در کارخانه) رسید. این را عرض کنم بعضی از عزیزان فرمودند که نعمت زاده خلاصه تصمیم گیر اصلی بوده ما در تعیین قیمت برای سیمان هیچ کاره هستیم، آن کمیسیون هم که منتخب شورای اقتصاد است آن هم هیچ کاره است، شورای اقتصاد بند (الف) مصوبه اش (اینجا هست وقت نمی گیرم، بخوانم) صراحتاً گفته «کارخانجات موظفند به قیمت تعادلی بفروشند» نگفته این کمیسیون موظف است قیمت تعادلی تعیین کند، اصلاً کارخانه ها را موظف کرده و کارخانه ها هم تا آخر سال گذشته این کار را... منتها ما برای اینکه بحث سیمان در همه جای کشور به هم مربوط است، همه استان ها هم کارخانه سیمان ندارند، فصل به فصل هم شرایط تولید و توزیع و بازار و نیاز سیمان تفاوت می کند، اینها را ماه به ماه جمع می کردیم، در جمع و در حضور خود ما این تصمیم را می گرفتند و خودشان هم عمل میکردند. باز برای اینکه برای همه لازم الاجراء بشود... بعضی هادلشان میخواست زیر آبکی یک کارهای دیگر بکنند، فرض کنید ما در اصفهان دوتا کارخانه داریم برای مصرف کننده فرق نمی کند مال کدام کارخانه است، اگر یکی گران تر بفروشد این خودش بازار را بهم می زند. در اطراف تهران ۳ تا کارخانه سیمان داریم به این دلیل ما مجبور بودیم که یک نظارت این طور... ولی این اختیار خود کارخانجات بود که باید این کار را میکردند. اسسال استثنائاً سازمان حمایت (که ما نمیدانیم به چه دلیل) به کارخانجات ابلاغ کرد که از افزایش قیمت خود داری کنیم. ما آن موقع عرض کردیم که یا این را باید ببریم شورای اقتصاد مصوبه اش را عوض کند این غیر قانونی است، چون شورای اقتصاد گفته اینها موظفند، کارخانجات به ما مراجعه میکردند تا بالاخره در جلسات و بررسی ها این کار طول کشید قیمت سیمان چون فصل تابستان آمد رفت بالا. نمودارش را من اینجا دارم خدمت عزیزان، این از اول شهریور تا دو روز قبل. ما قیمت را از بازار می گیریم. قیمت ها به همین صورت داشت میرفت بالا آقای ناجی جلسه ای که با مدیران سیمان داشتند، دیدند اگر این را رها کنند همین طور دارد می رود بالا. گفتند آقا همان مصوبه شورای اقتصاد باید اعمال بشود. در این تاریخ تصمیم گرفتند که از شنبه ۶/۱۹ اقدام کردند این قیمت ها را یک خرده بردند بالا، دلالتی که وارد شده بود و یک تقاضای ناسعقول ما دیدیم آمده، کارخانه ها معمولاً ۱۰ روز تا یک ماه پیش فروش میکردند ولی یک دفعه دیدیم بعضی کارخانه ها به ۳ ماه رسید یعنی آن قدر آمدند خریدند معلوم است که این یک مصرف کاذب است. از آن موقع که این تصمیم را گرفتند، قیمت دوباره پائین آمد همین طور یک مدت ثابت بود همین حال مرتب داردمی آید پائین که دیروز کارخانجات سیمان جلسه ای داشتند ما هم خدمتشان بودیم، بعضی ها گفتند آقا به جانی رسیده که ما باید یک پله قیمت مان را بیاوریم پائین که ۶ - ۷ تا کارخانه تصمیم گرفت از دیروز قیمت های شان را از ۳۰۰ تومان تا ۵۰۰ تومان آورده اند و قطعاً هم همین طور است به تدریج خواهد آمد تا به قیمت عادی برسد. آنچه که آقای ناجی ابلاغ کرد مصوبه شورای اقتصاد است، نه تصمیم خودش، نه تصمیم بنده. ما اصلاً در صلاحیتی نیستیم. دوشنبه این هفته هم در شورای اقتصاد بنده عرض کردم ما می خواهم برویم مجلس اگر قرار است ما بگوئیم ۲۰۰۰ تومان بفروشند که کارخانه گیرش بیاید خوب، ما راحت تر هستیم، هیچ اتهامی هم نیست که فلانی گران می فروشد یا کارخانه گران می فروشد، کارخانه هم مال ما نیست. صنایع ملی یک کارخانه دارد بقیه اش مال بانک هاست، مال بنیاد است، بخش خصوصی است، شرکتهای عام است که یکی از آنها را اسم بردند، شرکت عام است. اصلاً مدیرش رانه ما میگذاریم، نه ما میتوانیم دخالت کنیم. ولی سیاست ها را دولت باید اعمال کند که در بخش صنعت بدیهی است دستگاه صنعت است. در این مورد ما یقین داریم که ان شاء الله قیمت ها پائین خواهد آمد، دیگر آن دلال ها از بین رفته، مدارکی اینجا هست که یک دستگاهی که در ۵ ماه، (۲۰) هزارتن برای طرح هایش سیمان برده بود،

جناب آقای هاشمی به من فرمودند من هر چه فکر می‌کنم می‌بینم که این دو عزیز و بزرگوار، هر دو را می‌توانم بعنوان وزیر معرفی کنم و بنا هم ندارم که فرد سومی را در شرایط کنونی انتخاب کنم. منتها نمی‌دانم که کدام یکی را باید انتخاب کرد. تو با آقایان صحبت کن و ببینیم به کجا می‌رسیم. ما دو تا یک ساعت و نیم با این دو بزرگوار گفتگو داشتیم و تقریباً مطالبی را که میشود سؤال کرد برای آینده یک وزیر که چه باید بکند به صورت سؤال و جواب مطرح کردم که در برخی از لحظاته‌ش شرمنده هم بودم که چرا این طوری، باصطلاح چون قرارم هیچ وقت این طور نبوده وسط صحبت کسی بروم، کلام این دو بزرگوار را قطع میکردم و برخی از مواقع هم سؤال‌های تند و تیزی را کردم جمع‌بندی که داشتیم و خدمت ایشان این دو تا یک ساعت و نیم، ۳ ساعت را در حدود ۳ ربع بیان کردم، ایشان در همان حیرت لحظه اول‌شان باقی ماندند برای اینکه هر دوی این بزرگواران، هم در مورد تسلط بر مسائل که مربوط به وضع فعلی است و هم در مورد برنامه‌های آینده جوری مطالب را بیان کردند و داشتند که خوب مورد قبول ... البته من بعنوان یک خدمتگزار کوچک و شخص جناب آقای هاشمی بعنوان رئیس و مسؤول همه ما، برای ایشان همه مورد قبول بود. در نتیجه ایشان فقط برای آن رفع تردید و حیرت بود که یک سؤالی، آن هم خیلی خلاصه از همکاران این دو بزرگوار کردند. آنچه را که بعنوان مشورت است که باید بکنیم و نباید بکنیم، همه این در اختیار مجلس است. یعنی بیشتر از مشورت درست است که اسم مجلس، مجلس شورای اسلامی است ولی بیشتر از مشورت یعنی رأی قاطع در اختیار شماست. جناب آقای هاشمی بعنوان رئیس جمهور مطابق قانون اساسی یک فردی را بعنوان وزیر خدمت شما معرفی کردند این تصمیم شماست یعنی بیشتر از مشورت از شما خواسته شده هم ایشان خواستند هم قانون اساسی خواسته. بنابراین، این از این جهت گله‌ای که شده مشورت، ایشان ریش و قیچی را در اختیار شما دوستان و عزیزان گذاشته‌اند.

مطلب دیگری که هست، این است که واقعاً شما از یک وزیر حالا صرفنظر از تعهد (که اساس نظام جمهوری اسلامی بر آن استوار است) جز تجربه، سابقه، پشتکار، تسلط، دانش میخواهید؟ واقعاً کدام یک از اینها در آقای نعمت‌زاده نیست؟ ایشان از سال ۵۷ در جریان هیأت فرعی که در کنار هیأت رسمی مربوط به صنعت نفت بود تا الان در صنایع هستند. من ۴ - ۵ جا را الان یادم است که در خدمت ایشان بودیم برای بازدید، در سیستان و بلوچستان، شیراز، اصفهان، تبریز و قزوین ایشان از مدیران کارخانه‌ای که باید توضیح میدادند، مسلط تر بودند. گهگاه به مدیر کارخانه می‌گفتند فلان مطلب را توضیح بده. مطلبی را مدیر کارخانه و یا مسؤول قسمت توضیح می‌داد، ایشان وسط آن مطلب نکاتی را اضافه میکردند (به لحاظ فنی) که آن شخص به آن ترتیب تسلط نداشت، واقعاً تسلط ایشان در موارد مختلفی که در صنعت هست (از کوچک و بزرگ) خیلی زیادتر از آن چیزی است که تک تک شما واقعاً اگر که با ایشان برخورد به این نزدیکی نداشته باشیم، نمیتوانیم تصور کنیم.

در مورد صنایع تبدیلی ایشان یکی از مواردی که اوقات تلخی زیاد داشتند در دولت، قضیه صنایع تبدیلی بود و توفیقی که در صنایع تبدیلی پیدا شده به کمک ایشان است.

و آخرین نکته‌ای را که من عرض می‌کنم این است که در خصوص صنایع سنگین هم که نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی هست، ایشان با تجربه گذشته‌ای که در توانیر دارند و کارهایی که در نیروگاه شهید رجایی کردند و برنامه‌هایی که در صنعت کوچک و متوسط به لحاظ طراحی دارند، ما از این جهت هم خیال‌مان راحت است و قطعاً به شما اطمینان میدهم که در این زمینه هم ایشان مسأله‌ای را کم نخواهند داشت. من فکر می‌کنم در شرایطی که ما داریم با توجه به اینکه برنامه پنج‌ساله هم با کمک این عزیزان و شخص جناب آقای مهندس نعمت‌زاده در قسمت صنعت، قسمت قابل توجهی از آن تنظیم شده و با توجه به اینکه ما ۲-۳ سال بیشتر در این دوره نداریم واقعاً فرد دیگری را در شرایط کنونی نمیتوانیم با این همه تسلط و این همه سابقه داشته باشیم. بهرحال رأی، رأی مجلس است ولی کاری کنیم که ان‌شاءالله خدمت دوستان و عزیزانی که در خدمت مردم بودند و سال‌گذشته از شما رأی گرفتند بهرحال با واسطه، شما مخدوم این خدمتگزاران هستید، آخرش این دعا صدق کند که: بی‌مزد بود و منت هر خدمتی که کردیم یارب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت

نمایندگان - احسنت - احسنت - احسنت
نایب رئیس - از آقای دکتر حبیبی معاون اول و همچنین از وزیر محترم جناب آقای نعمت‌زاده تشکر می‌کنیم.

گلدانها را برای رأی‌گیری آماده بفرمایید. حضار ۱۹۸ نفر، گلدانها را جهت اخذ رأی خدمت نمایندگان محترم ببرید.

(اخذ رأی با ورقه بعمل آمد و نتیجه به شرح زیر قرائت گردید)
نایب رئیس - نتیجه آرای که از گلدانها استخراج شده به این صورت است: کل آرای که به گلدانها ریخته شده (۲۱۲) رأی هست.

موافق ۱۲۷ رأی
مخالف ۷۶ رأی
ممتنع ۱۰ رأی

بنابراین مجلس رأی اعتماد به آقای نعمت‌زاده بعنوان وزیر جدید وزارتخانه صنایع را دادند.

(حضار تکبیر گفتند)
ما ضمناً از آقای مهندس نعمت‌زاده بخاطر خدماتشان در (۱۰) سال گذشته در صنعت کشور تقدیر می‌کنیم و همچنین از آقای نژاد حسینیان که در صنعت سنگین زحمت کشیدند از ایشان هم تقدیر و تشکر می‌کنیم و برای آقای مهندس نعمت‌زاده در وزارتخانه جدید صنایع آرزوی توفیق بیشتر داریم.

۶ - اعلام وصول یک فقره لایحه
نایب رئیس - اگر طرح یا لایحه‌ای داریم اعلام بفرمائید.
منشی (یحییوی) - لایحه اصلاح بند «ه» تبصره (۷) قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور اعلام وصول میشود.

۷ - اسامی غائبین و تأخیر کنندگان
اسامی غائبین جلسه صبح امروز عبارتند از آقایان: ولی‌الله احمدی زاده - سرای - سید سعید حسینی (قروه) و سید علی غیوری نجف‌آبادی.

اسامی غائبین جلسه بعد از ظهر امروز عبارتند از آقایان:
سید محمد احمدی - غفار اسماعیلی - عبدالغفور ایران‌نژاد - علی بوالفتح - محمد ناصر توسلی زاده - عبدالله ثانی سعیدی - عیسی مقدسی زاده - عباسعلی زالی - احمد نصرتی راد - عبدالله نوروزی و سید یونس موسوی.

اسامی تأخیر کنندگان جلسه امروز عبارتند از آقایان:
علی اصغر باغانی (۱۷ دقیقه) - محمد علی پرتوی (۱۶ دقیقه) - عبدالله ثانی سعیدی (۱۶ دقیقه) - محمود جمالی (۱۳ دقیقه) - حبیب‌الله حبیبی (۱۶ دقیقه) - محمد حسینی (۱۳ دقیقه) - محمد خواجه پور (۱۳ دقیقه) - سید محمود دعایی (یک ساعت و ۸ دقیقه) - محسن رانی (۲۰ دقیقه) - محمد رضا راه‌چمنی (یک ساعت و ۶ دقیقه) - محمود روحبخش (۲۸ دقیقه) - لطف‌الله زارعی قنوازی (یک ساعت و ۱۷ دقیقه) - سید جاسم سعدی (۵۴ دقیقه) - حسن شاخصی (یک ساعت) - قاسم شعله‌سعدی (یک ساعت و ۵ دقیقه) - یاور صالحی (دو ساعت و ۳ دقیقه) - علیرضا صدرا (۱۷ دقیقه) - یوسف طباطبایی نژاد (۲۶ دقیقه) - محمد قمری (یک ساعت و ۳۱ دقیقه) - سید مطهر کاظمی (۱۶ دقیقه) - اسدالله کیان ارثی (۱۷ دقیقه) - محسن مجتهد شبستری (۴۴ دقیقه) - حسن مختاری (۱۶ دقیقه) - علی مروی (دو ساعت و ۲۲ دقیقه) - عیسی مقدسی زاده (۱۷ دقیقه) - سید محمد رضا موالی زاده (۳۸ دقیقه) - آیت‌الله موسوی (دو ساعت و یک دقیقه) - سید علی اکبر موسوی حسینی (۵۹ دقیقه) - مصطفی ناصری (۳۰ دقیقه) - محسن نریمان (۳۰ دقیقه) - علی یوسف پور (۳۸ دقیقه) - اترک طیار (۱۶ دقیقه) - یونس محمدی (۱۶ دقیقه) - معنی هلاکو (یک ساعت و ۹ دقیقه) - محمد مهدی مفتاح (یک ساعت و ۹ دقیقه).

خانمها عبارتند از: فخرتاج امیرشقایق (۲۶ دقیقه) - اختر درخشنده (۳۲ دقیقه) - پروین سلیمی (۵۵ دقیقه) - بی‌بی قدسیه سیدی علوی (۱۸ دقیقه) و نفیسه فیاض بخش (۳۱ دقیقه).

۸ - اعلام ختم جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده
نایب رئیس - جلسه بعد ما ساعت ۸ صبح روز یکشنبه بیست و چهارم مه‌ماه، ختم جلسه اعلام میشود.

(جلسه ساعت ۱۵/۰۵ پایان یافت)
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی - حسن روحانی